

گنجینه آستانه سنی فاطمه (ع) در قم

-۱-

«درباره کلمه سنی»

«سنی، ست، ستیه» که آنرا کوتاه شده «سیدتی» دانسته‌اند در کتابها آمده است، اینک چند گواه در اینجا می‌آوریم:

در تاریخ گزیده (ص ۲۰۵) از «سنی فاطمه» که به قم مدفونست یاد شده است.

در قرآنی از سده ۸ آمده است. که «دهه بیک» آنرا بر «مزار و روضه سنی فاطمه علیها السلام» بسال ۹۹۷ وقف کرده است.

در نسخه‌ای دیگر از قرآن آمده است که امیر محمد هاشم گیلانی آنرا بر روضه آستانه سنی فاطمه علیها التحية والسلام وقف کرده و شرط نموده که آنرا از روضه و مدرسه بیرون نبرند.

در کوی میدان میر مسجد و مدرسه ایست که آنرا «ستیه» می‌نامند و می‌گویند که «سنی فاطمه» علیها السلام در آنجا بود که نماز گذارده و در همانجا در گذشته است. شنیده‌ام که مردم در روز گذشت امام موسی کاظم علیه السلام به عنوان تسلیت بدانجا می‌روند. آنجا سرای موسی بن خزیج بوده است. در تاریخ قم این داستان آمده و از «سنی فاطمه» هم به همین تعبیر یاد شده است. (ص ۲۱۳ و ۲۱۴)

در تاریخ قم ناصر الشریعه (ص ۷۴) و راهنمای قم (ص ۳۲) و گفتار

آقای دکتر علی اکبر شهبازی در ایران شهر (ص ۱۱۸) بنام مدرسه سنتیه از این مسجد و مدرسه یاد شده است.

در تاریخ قم (ص ۲۱۷) آمده که یحیی صوفی پسر سید جعفر بن علی کذاب در میدان زکریا بن آدم نزدیک مشهد حمزه بن موسی میزیسته و شهر بانویه دختر امین الدین ابوالقاسم مرزبان بن مقاتل را بگرفت و از او ابو جعفر و فخر العراق و «سنتیه» پیدا شدند بنام صوفیه. در مکاتیب خاقانی به عبارتهای «ست عظمی، ست انام، ست رضیه» برمی خوریم (ص ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۲۸۸ و ۴۸۰)

در فصول فخریه (ص ۱۰۲) از «ست نفیسه» دختر حسن بن زید حاکم مکه و مدینه از طرف منصور دوانقی یاد شده است.

نورستی نامی قرآنی در ج ۶۰۹۱ و شهرستی دختر امیر ابوالعباس خسرو فیروز پسر رکن الدوله دیلمی قرآنی در آغاز سده پنجم وقف کرده اند (راهنمای تاریخ آستان قدس رضوی ص ۳۴۷ و ۳۸۳) نیز:

- بقعه و بارگاه امامزاده معصومه خواهرستی فاطمه معصومه قم در نجه رود خور آباد قم.

- امامزاده معصومه کهک. (سفرنامه افضل الملك ص ۳۷۴ و ۳۷۸)

- ستی فاطمه نام زن سلطان ارسلان است که در ج ۵۷۱۱۱ زنده بوده

است (راحة الصلدر ۳۰۱ - سلجوقیان جامع التواریخ ۱۷۵)

در کوی چهارسوی کوچک شیرازها در دروازه تهران شهر اصفهان بقعه ایست بنام «ستی فاطمه» که توده مردم آن را «سیت فاطمه» میخوانند.

میگویند که آن خاکجای «فاطمه صغری» دختر امام «موسی کاظم» است. بقعه را عمارت و صحنی است گویا از روزگار صفویان و کتیبه ای مورخ ۱۲۴۲،

پهلوی صحن خوابگاه چندتن از پسران و دختران پادشاهان صفوی است. این گورستان به گورستان «الهادران» پیوسته است.

بنگرید به: گاهنامه ۱۳۱۲ ص ۲۳۸ - تذکرة القبور گزی چاپ دوم

ص ط و ۱۸۱ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۵۹۳ و ۶۴۰ - تاریخچه

اوقاف اصفهان سبنا ص ۴۳۴)

-۲-

چند گواه تاریخی درباره سنی فاطمه (ع) و آستانه او

بیهقی در لباب الانساب (ک ۹۶ و ۶۳) از دختران امام موسی کاظم ع دو فاطمه یاد میکند و هیچ نمی گوید که در کجا در گذشته و در کجا به خاک سپرده شده اند.

در تاریخ ابن اسفندیار (۲: ۱۶۰) از مشهد مطهر بنت الامام کاظم موسی بن جعفر در قم یاد شده ولی در شمار کارهای خیر حسام الدوله ابوالحسن اردشیر باوندی (۵۶۸-۶۰۲) از مشهد عبدالعظیم یاد شده ولی از ابن مشهد نامی نیست (۱: ۱۲۰).

همچنین بیهقی از فرزندان امام محمد باقر ع از علی یاد میکند و هم نمی گوید که خاکجای او در کجا است (گ ۹۵) درست مانند عمده الطالب ابن عنبه (نیز جامع الانساب ص ۸۳-۸۵).

در تاریخ قم در ص ۱۶۶ از یک فاطمه از دختران امام یاد شده ولی از قبر او نامی نیامد است. در منتقله الطالبیه و سرالسلسله بخاری هیچ نامی از فاطمه نیست.

در کامل ابن الاثیر آمده که «ام ایها» دختر موسی بن جعفر و خواهر علی رضا در ۲۳۱ در گذشته است.

در النقص عبدالجلیل را بی ساخته پس از ۵۶۳ (ص ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۲۲۰ و ۶۴۳) از «فاطمه بنت مطهره موسی بن جعفر» یاد شده و در آن آمده که امیر ابوالفضل عراقی در عهد طفول (۵۲۶ - ۵۲۹) باروی قم نهاده و مسجد جامع عتیق قم و مناره ها مشهد و قبه فاطمه بنت موسی بن جعفر را ساخته است.

در جنة النعیم محمد باقر کجوری مازندرانی (ص ۴۵۹) آمده است که: «اما بنیان گنبد مطهر حضرت فاطمه معروفه به معصومه دختر امام هفتم... در سال پانصد و بیست و نه به امر مرحومه شاد بیگم دختر عماد بیک نام انجام یافت» و طلای گنبد و بنای مدرسه فیضیه با سنگهای مرمر و روضیح

با در طلایی میتا کاری سمت شمال و گوی کوچک جواهر نشان آویخته در بالای سر با مرواریدی که درمیانه آن است بازنجیر طلای و حقه جواهر و تندیلهای طلا و نقره همه از فتح علی شاه است و تاریخ مدرسه ۱۳۱۳ است. در تاریخ قم ناصرالشریعه (ص ۷۶ و ۶ - ۱۵۵ و ۱۶۱) و جدی فروزان عباس فیض قمی (ص ۹-۹۸) و راهنمای قم (ص ۳۳ و ۳۴ و ۸۱ و ۸۴) هم پاره‌ای از این مطالب آمده و گفته شده که صحن کهنه را شاه اسماعیل در ۹۲۵ و مدرسه صحن را شاه تهماسب در ۹۳۴ ساخته و فتح علی شاه در ۱۲۱۳ آن مدرسه را گشاده تر کرده و دارالشفاء را ساخته است. کجوری مدرکی نشان نمیدهد، شاید کتیبه‌ای بوده است و او دیده و اکنون نیست. تاریخ مدرسه قم را که فتح علی ساخته ۱۲۱۷ و تاریخ قبّه معصومه ساخته او را ۱۲۱۸ هم نوشته‌اند (فهرست ادبیات ۱: ۴۰ و ۴۱ و ۱۸۲)

این را میدانیم که جهان‌شاه میرزا (۸۳۹ - ۱۲ع ۸۷۲ ر ۸۷۲) زنی بنام بیگم داشته است (دیاربکریه ایوبکرتهرانی ۲۴۹ و ۳۶۱) و نامش خاتون جان بیگم و دختر سلطان یعقوب بوده و از نیکوکاران بشمار می‌آمده و زاویه‌ای در تبریز دارد. خود او با شوهرش در مظفریه تبریز خفته‌اند (روضات الجنات ص ۵۲۴ و ۶۰۲) و در کتیبه‌های سنگی مسجد میرعماد کاشان مورخ ۸۶۸ و ۸۶۹ نامی از جهان‌شاه و بیگم برده میشود. و این مسجد را هم امیر عمادالدین محمود بن امیر معین‌الدین شبلی شروانی ساخته است و وقف‌های مورخ مورخ ۸۷۷ آن در دست هست (کاشان و نطنز ص ۲۱۱ و ۲۲۰ - تاریخ کاشان ص ۵۱۰ و ۵۳۰) فرمان مورخ ۸۶۶ بیگم خاتون زن جهان‌شاه در ماتناداران (۲۴۹: ۱) نشر شده است. در فرمان مورخ ۹۳۱ شاه تهماسب از وقفیه حضرت بلقیس مکانی که افضل‌الملک در سفرنامه خود (ص ۳۴۰) می‌نویسد که «مقصود موقوفات بیگمی است که دختر شاه ترکمانه بوده است» یاد شده است نیز از اوقات قدیمه و جدیده سلطانی و بیگمی.

در کتاب *Les villes de l'Iran* از Fredy Bémont چاپ ۱۹۶۹

پاریس (ص ۱۷۹) از روی کتاب A. Houtoum Schindler بنام Eastern Persi Irak آمده است که دختر تیمور که بسیار باایمان و پارسا بوده است برای بازسازی و تجدید مزار فاطمه (ع) در سده نهم (۱۵) بخششها و کمکها کرده است.

شاه عباس در پایان سده ۱۰ دستور ساختن مسجد باشکوهی داده بود که ضریح و مزار او اکنون در آن هست.

شاه صفی و عباس دوم و سلیمان در آنجا بخاک سپرده شده اند.

قم در روزگار صفویان تا اندازه ای آباد بوده است.

افغانها نخست در ۱۱۳۵ (۱۷۲۲) و دوباره در ۱۱۳۸ (۱۷۲۵) آن شهر را تاراج کردند و کاریزها را بدان گونه ویران کردند که برخی از آنها دیگر روی آبادی بخود ندید.

فتح علی شاه قبه را طلاکاری کرد و محمد شاه در آنجا به خاک سپرده شده است.

-۳-

مسجد امام که در فرمانها از آن یاد می شود

نخستین مسجد عتیق را احوص بن سعد اشعری در دزپل ساخته و در سال ۱۸۹ یا ۱۹۵ منبر در آنجا نهادند و این یکی باید جز مسجد عتیق دیگر یا مسجد امام حسن عسگری باشد که احمد بن اسحاق اشعری قمی ساخته است و در محراب ایوان بزرگ آن کتیبه علی بن استاد سلطان قمی است مورخ ۱۱۲۹ و میرزا ابوطالب پسر میرزا ابراهیم رضوی پدر در پدر خطیب آنجا بوده است.

مسجد نزدیک کمیدان در راه ساوه و آوه و بیرون شهر که ابوالصدید حسین اشعری در ۲۶۵ آنرا ساخته است گویا جز مسجد جامع دروازه ری باشد که کتیبه محمد حسین شیرازی مورخ ۵۲۹ دارد.

(تاریخ قسم ص ۳۷ و ۲۵۱ و ۲۸۰ - تذکره نصرآبادی ص ۷۸ -
تاریخ ناصرالشریعه ۱۴۲ و ۱۴۶).

-۴-

آستانهٔ بار کرسف که در فرمانها و وقفها از آن یاد شده است

در النقص عبدالجلیل رازی ساخته پس از ۵۶۴ (ص ۱۷۰ و ۶۲۹ و ۶۴۳) از «علی بن محمد باقر» دربار کرسف (بارکز) که مردم کاشان به زیارت او می‌روند و چندین حجت و برهان در آنجا ظاهر شده است یادگشته است. در دیوان ضیاءالدین فضل‌الله راوندی (سده ۶) آمده که مهدب‌الدوله مجدالدین ابوالقاسم عبیدالله بن فضل بن محمود کاشانی در گذشته روز آدینه ۶ ج ۵۳۵/۲ مشهد بار کرسف را عمارت کرده است و خاکجای خود او هم در همانجا است (ص ۲۳۰-۲۴۹).

در منتهی الامال شیخ عباس قمی از غایة الاختصار فی اخبار البیوتات العلویة المحفوظة عن القبار که به تاج‌الدین محمد بن همزه بن زهره حسینی نقیب حلب نسبت داده‌اند و برای حسن پسر خواجه طوسی در گذشته ۷۱۵ ساخته شده است (ذریعه ۶: ۶) چنین آورده شده که خاکجای «علی بن محمد باقر» در روستای جعفریه بغداد است و سنگی داشته است شکسته که نامش را روی آن نوشته بودند و علی بن نعیم شیخی مستوفی کاتب آنجا قبۀ آن را آباد کرده و آراسته بود ولی در زمان مؤلف ویران شده بود (دیوان راوندی ص ۲۴۶).

در سنگ‌نیشته سردر صحن بزرگ آستانهٔ مشهد اردهال فرمانی است از شاه‌رخ میرزا و ابوالعز میرزا مورخ ۸۹۳ بدینگونه (آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز ص ۱۳۲):

چون در زمان سلطنت حضرت خاقان شاه‌رخ میرزا دستور نبود که از سادات و مجاوران و متوطنان و دکان‌داران مشهد مقدس امامزاده طاهر سلطان‌علی بن محمد باقر ع مواشی و مراعی طلبند حضرت شاهزادهٔ عالمیان

ابوالعز میرزایوسف خلدالله ملکه بنا بررفع بدع حکم فرمود که من بعد هیچ آفریده‌ای از ایشان نباید سره و مره مسراعی و مواشی طلبند ایشان معاف مسلم باشند و خلاف کننده به لعنت خدا و رسول و ملائکه گرفتار شود. فمن تبعه فی تبدیله فعليه لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعین. کتبه فی ثلث و تسعین و ثمانمائة ۸۹۳ محمدالمحلاتی، عمل مبارک شاه.

-۵-

گنجینه این آستانه

در عرضهای نسخه‌های این کتابخانه و جاهای دیگر کلمه خزانه دیده میشود، درباره آن در راهنمای تاریخ آستان قدس (ص ۳۵۱) شرحی گفته شده است، پیداست که از آن مفهومی نزدیک به مفهوم موزه میخواسته‌اند. از آنچه در وقف‌ها و اهداهای که در آغاز برخی از نسخه‌ها کهن می‌خوانیم برمیآید که از «خزان» همان «کتابخانه» را میخواسته‌اند. گویا آن ترجمه «گنجینه» و «خازن» ترجمه «گنجور» باشد که در تاریخ طبری (سال ۲۵۳) و در داستان جاویدان خود (الحکمة الخالدة) که مشکوئه رازی آورده است دیده میشود.

این گنجینه چنانکه خواهیم دید پیش از ۵۹۴ بوده و در این سال بر آن کتاب وقف شده و تا سال ۱۲۹۳ هم نشان و سراغ آن را داریم. در ذیل تاریخ قم ناصرالشریعه چاپ دوم آقای علی‌دوانی (ص ۲۹۸) چنین آمده است که کتابخانه آستانه را حاج سید ابوالفضل تولیت متولی پیشین آستانه در سال ۱۳۳۱ خ با بخشیدن ۱۵۰۰ مجلد کتاب بنیاد گذارده است او همان کسی است که در ۱۳۲۸ خ ضریح آستانه را که فرسوده شده بود باز آرنو ساخته است (تاریخ ناصرالشریعه ص ۸۰).

گویا مراد ایشان کتابخانه تازم‌ایست که با گرد آمدن نسخه‌ها پس از نابود شدن گنجینه دیرینه آستانه بنیاد گرفته است.

-۶-

سر نوشت این کتابخانه

خزاندهای مزارهای مقدس مانند دیگر کتابخانه‌های ایران همیشه دستخوش هر گونه آسیب میشده‌اند؛ نسخه‌ها را می‌ربودند و یا به‌یغما می‌بردند و یا مصادره میشده است و یا اینکه به‌کام آتش میرفته و یا می‌پوسیده و یا موریانه آنها را می‌خورده است؛ آنچه که فرسوده می‌مانده است و یا برگهای پراکنده‌ای از آنها برجای می‌ماند آنها را در چاهی دفن می‌کرده‌اند و اصطلاحی هم در این زمینه داشته و آنها را «دغنی» می‌خواندند چه بسا که بسیاری از نسخه‌های ارزنده را طعمهٔ خاک ساخته‌اند.

مرقد مبارک امیر مومنان علی ابی‌طالب ع در نجف کتابخانه و خزانه‌ای داشته است که در سال ۷۵۳ (الفصول الفخریه ص ۱۱ - عمده الطالب ص ۶) یا ۷۵۵ (مشهد الامام علی فی النجف ص ۱۳۳) دچار آتش شده و قرآنی که در سه مجلد و می‌گفته‌اند خط خود او است سوخت چنانکه قرآنی منسوب به خط او در مشهد عید الله بن علی بوده و سوخته است.

شرح تاراج شدن نسخه‌های خزانهٔ آستان قدس رضوی را پیش از شاه عباس در مقدمهٔ فهرست آن‌جا می‌خوانیم. نسخه‌های ارزندهٔ قرآن و تفاسیر که فرسوده میشده و دفن می‌کرده‌اند نمیدانیم که چه اندازه بوده است.

سه چهار سال پیش نسخی را تازه بدست آورده‌اند و داستان آن‌را در مجلهٔ یغما می‌بینیم امیدواریم که آستان قدس هر چه زودتر سیاهه‌ای از نسخه‌های نویافته نشر دهد تا همگان بدانند که آنها چیستند و فهرست آنها بکار محققان سودمند آید تحقیق در آنها را بگذارند به‌وقت فرصت و به فهرست اجمالی قناعت کنند که اگر آنها را ناشناخته بگذارند دور نیست که باز هم تطاول روزگار دراز، باز دستبردی زند

خزانهٔ آستانه «ستی فاطمه» که آن را بست می‌دانسته‌اند! نیز مانند

۱- در مجمل التواریخ گلستانه (ص ۲۳۴) آمده است که علی محمدخان با غلامان خود از زکی‌خان جدا شده در حرم معصومه بست نشست.

دیگر خزانه‌ها از گزند حوادث مصون نمانده است، نسخه‌هایی از آن که فرسوده شده بود گویا به رسم معمول به خاک سپرده‌اند و داستانهایی از آن بر سر زبانها هست. ایکاش که آن برگهارا نگاه میداشته‌اند تا تاریخ این آستانه از لاپلاهی آنها بیرون می‌آمده چنانکه از این برگهای پراکنده‌ای امروز که بدست ما رسیده است می‌توانیم بسیاری از گوشه‌های تاریک تاریخ این آستانه را روشن سازیم.

این قرآنها و کتابها در جعبه‌های شصت پاره بوده و به مرور زمان آنها را موریانه خورده و فرسوده شده بود و در ۴۹/۱۰/۷ گزارشی به مقام تولیت داده‌اند و بدستور ایشان به کتابخانه آمده و آنچه مانده با دقت و دلسوزی نگاهداری میشود.

-۷-

وقفهای شاهانه

شاه عباس آنچه مصحف و کتب عربی و علمی در کتابخانه خود داشته است^۱ وقف سرکار آستانه امام رضا (ع) کرده و بدانجا فرستاده است تاریخ این وقف از ۱۰۰۵ تا ۱۰۱۷ است چنانکه در دیباچه فهرست آستان قدس ج ۱ و ۴ و راهنمای گنجینه قرآن آنجا و در تاریخچه اوقاف اصفهان (ص ۴۹) می‌بینیم.

او آنچه کتاب فارسی داشته است از تواریخ و دواوین و مصنفات ایرانی وقف آستانه شاه صفی در اردبیل نموده و بدانجا فرستاده است تاریخ این وقف ۱۰۱۷ (زندگانی شاه عباس از فلسفی ۳: ۲۴) و ۱۰۲۲ است (جغرافیای اصفهان تحویل دار ص ۸۱). اینک چند نمونه:

۱- میرمنشی قسی در خلاصه التواریخ (گ ۳۳۲ عکسی) از کتابخانه عالیه میان حرم و دیوان خانه شهر اصفهان پس از سال ۹۹۲ یاد میکند شاید همین کتابخانه بدست شاه عباس رسیده بوده است گویا همان کتابخانه دولتی مدرسه چهارباغ اصفهان (جغرافیای اصفهان تحویل دار ص ۸۱).

نسختی از تمهیدات عین القضاة همدانی به خط نستعلیق سلطان علی یعقوبی در شوال ۸۸۴ که شاه عباس در ۱۰۱۷ آن را وقف آستانه شاه صنی اردبیلی کرده است.

(شماره CCLII (۳۴۶۶) کتابخانه لنینگراد - عکس شماره ۱۷۶۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ص ۶۰ فهرست.)

نسختی از دیوان سیف اسفرنگ که سید کمال الدین بخاری آن را در ۱۰ ذیح... نوشته است، وقف شاه عباس در ۱۰۱۷.

(شماره CCCL (۱۱۱) کتابخانه سالتی کف شچدین در لنینگراد، فهرست درن ۱۵۳ - عکس شماره ۸-۱۸۳۵ و ۷-۲۰۱۵ دانشگاه تهران ص ۹۲ فهرست.)

نسختی از دیوان عماد فقیه کرمانی به خط نستعلیق یحیی بن معین خطاط در هفتاد سالگی در محرم ۸۲۰، وقف شاه عباس بی تاریخ.

(شماره CDVII لنینگراد، نشریه ۱۰۲:۳ - عکس ۷-۳۷۸۳ دانشگاه تهران ص ۹۶ فهرست.)

نسختی از دیوان مانی نستعلیق حیدر بن ابراهیم حسینی در رجب ۹۶۱، وقف شاه عباس در ۱۰۱۷.

(شماره CDLXVIII لنینگراد، عکس ۷۰ - ۱۷۵۹ دانشگاه تهران ص ۹۷ فهرست.)

نسختی از گوی و چوگان نستعلیق شهاب حسینی برای قاضی جهان در تبریز در ۹۳۱، قف شاه عباس در ۱۰۲۲.

(شماره CDXLIX لنینگراد، عکس ۱۷۶۱ دانشگاه تهران ف ۱۷۳ فهرست.)

نسختی از مجموعه شعراء از کتابخانه دولتی عمومی سالتی کف شچدین ش ۳۲۳ وقف شاه عباس بر مزار شاه صنی بی تاریخ.

(فهرست درن چاپ ۱۸۵۲ ص ۳۱۲ - گفتار عبدالغنی میرزایف به عنوان يك نسخه جعلی دیگر از اشعار رودکی.)

نسختی از مناجات انصاری نستعلیق محمد حسین تبریزی، وقف شاه

عباس بی تاریخ.

(شماره CCLVIII لنینگراد، عکس ۱۰۵۱ دانشگاه تهران ص ۲۰۴ فهرست).

نسختی از مجمع التواریخ السلطانیة حافظ ابرو و نستعلیق تقی اوحدی بلیانی در ۱ رمضان ۱۰۱۱، وقف شاه عباس در ۱۰۱۷ با مهر وقف آستانه صفیه صفویه.

(شماره ۳۷۲۳ موزه ایران باستان تهران که در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۲: ۲۱۳ وصف شده است، فیلم ۱۸۵۴ و عکس ۴۶۹۴ دانشگاه تهران ص ۱۸۴ فهرست).

بجز این یکی چندین نسخه دیگر هم از وقف شاه عباس در سال ۱۰۱۷ و ۱۰۲۲ بر آستانه شاه صفی در موزه ایران باستان اکنون هست (نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه ۲: ۱۸-۲۰۰).

آنچه در طومار آستانه شیخ صفی (چاپ تبریز) آمده است باید از همان نسخه های وقف شاه عباس باشد، نسخه تفسیر طبری کتابخانه گلستان که از آستانه صفی به آنجا آمده است گویا از همین وقف باشد. (راهنمای گنجینه قرآن در موزه ایران باستان ۱: ۶ و ۱۹: ۲ فهرست فیلمها ص ۵۶).

نسختی از قرآن در بقعه شیخ صفی اکنون هست که در آخرش چنین آمده که این سی پاره را ابراهیم جمال سروی درج ۲/ ۸۷۱ نوشته است به خط ثلث درشت و نسخ ریزتر هر صفحه ای نه سطر و در مجلد جزو.

همچنین نسختی از شجره نامه شیخ صفی در یک صفحه به نسخ درشت و ریز (رساله فوق لیسانس آقای شکوری در الهیات) این دو هم گویا از وقفهای شاه عباس باشد.

شاه عباس صد و بیست مجلد کتاب بر آستانه امام زاده عبدالعظیم در غار ری و مدرسه آنجا بسال ۱۰۳۷ وقف کرده است. سه مجلدی از آنها اکنون در کتابخانه همین آستانه هست و من آنها را در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (۳: ۶۴ و ۶۶ و ۷۰) وصف کرده ام.

مجموعه شامل سرالانساب العلویة ابو نصر سهل بخاری و منتقلة الطالبية

ابواسماعیل ابراهیم طباطبائی که پیشها در این کتابخانه بوده و اکنون در مجلس است (ش ۱۱۲۵) (فهرست ادبیات ۳:۳۵ - نشریه ۳:۵۸ فهرست فیلمها ۳۹۰) گویا از همین نسخهها بوده است.

شاهعباس در سال ۱۰۳۷ صد و ده مجلد کتاب بر «روضه فاطمیه کاظمیه موسویه» و «مدرسه آستانه» برای طلاب آنجا وقف کرده بهشرطی که از روضه و مدرسه بیرون نبرند.

امیرمحمد هاشم گیلانی ۷۵ مجلد کتاب پس از ۹۷۲ و پیش از ۱۱۱۱. بر «روضه آستانه سنی فاطمه» وقف کرده بهشرطی که از روضه و مدرسه بیرون نبرند.

-۸-

نسخه‌های وقفی شاهانه

شاهعباس در سال ۱۰۳۷ چنانکه یاد شده است صد و ده مجلد کتاب بر آستانه قم بنام «روضه فاطمیه کاظمیه» و مدرسه آستانه وقف کرده است و وقفها به خط و مهر رفیع‌الدین محمدحسینی موسوی است. از آنها است:

۱- روض الجنان و روح الجنان ابوالفتوح رازی به خط نسخ محمد زمان حسینی در ۱۰۱۵.

نسخه دیگری هم از آن از سده ۱۱ در این کتابخانه هست (۵ : ۴۷-۶۰۹۳).

روض الجنان و روح الجنان ابوالفتوح رازی نسخه ۵۸ تفسیر مدرسه فیضیه قم (۱ : ۵۶ ش ۱۲۳ فهرست) که از آغاز است تا آیت ۶۴ سوره نساء را شاهعباس با صد و نه کتاب دیگر بر روضه فاطمیه کاظمیه موسویه و مدرسه آستانه قم در ۱ ذی قعد ۱۰۳۷ وقف کرده است با مهری از رفیع‌الدین محمدحسین موسوی. در ۹۴۰ ص ۲۵ س است و به نسخ.

رویهم باید چهار مجلد باشد که یکی در اینجا مانده و عرضهای پس از

وقف راهم دارد.

نسخه آستانه قم از همین کتاب (ش ۵ : ۴۷ : ۶۰۹۳) که از سده ۱۱ است و به نسخ در ۴۰۹ گ ۲۵ س از سجده تا غاشیه باید مجلد چهارم همین نسخه باشد. این یکی از آن محمدباقر متولی باشی بوده است.

۲- نسختهی کهن از قانون ابن سینا که بر گهایی از آن اکنون بر جای مانده است.

۳- رسائل الشجرة الالهية از شمس‌الدین محمد بن محمود شهرزوری نسخه سده ۱۰.

(فهرست فیلمهای دانشگاه ص ۳۳۸ - مجلس ۵: ۲۸۹).

۴- المباحث المشرقية از امام فخرالدین رازی به خط نسخ احمد بن محمود بن محمدشروانی در روز آدینه ۷ صفر ۶۸۷.

شاه سلطان حسین هم با وکالت به آقا جمال‌الدین محمد خوانساری نسختهی کهن از ترجمه فارسی مختصر المصباح طوسی را وقف کرده است.

مهدی‌قلی بیگ بنیادگذار مدرسه خان در قم در ع ۱۱۲۳/۱ بر طلاب این مدرسه نسخه اصل خزائن جواهر القرآن تالیف و خط پدر خود علی قلی خان فرزند قرچقای خان خلجی قمی فیلسوف کتابدار و والی و متولی قم و زنده در ۱۰۲۰ و ۱۰۸۸ که آن را در ۱۰۸۸ ساخته است وقف نموده است (۲: ۱۰۶-۵۸۹۹).

این نسخه اکنون در این کتابخانه است افسوس که فرسوده شده و افتادگی دارد. این کتاب در تفسیر فلسفی آیات قرآن کم مانند است.

چند نسخه دیگر

-۱-

استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار

نسخه نوشته محرم ۱۰۳۲ و ذح ۱۰۳۷ وقف برخی از فرزندان

شاه عباس دوم بر طلاب قم.

(فهرست فیضیه ۲: ۳۶۸ ش ۱۲۵ اخبار).

۲- تفسیر طیبی نیشابوری که شیخ بهائی بر آن مدرسه وقف کرده است
 با تولیت برادرزاده خود حسین بن عبدالصمد عاملی (مجله وعید ۸۸: ۱۲۷).
 ۳- مفاتیح الشرایع کاشانی نوشته در روز آدینه ۲۵ محرم ۱۰۹۰
 در مدرسه فیضیه فاطمیه قم (نشریه ۳: ۸۲ ش ۵۳ کتابخانه عبدالعظیم در
 شهر ری).

۴- نفحات الهیه سعیدای قمی نوشته در نیمه روز آدینه ۱۰ شوال
 ۱۰۹۴ در همانجا (۳: ۳۸۹ ش ۱۷/۱۰۳۰ فهرست دانشگاه).
 شمع یقین لاهیجی نوشته در ۸ ج ۱/۱۱۲ در همان مدرسه (فهرست
 فیضیه ۱: ۳۶۶ ش ۵۴۳ کلام و حکمت).
 ۵- الغنی والمنی قمی.

نسخه نوشته در ۲۰ ذق ۱۰۷۳ در مدرسه معصومه قم (ش ۳۴۰
 مفتاح).

خواجه عبدی بیک نویدی شیرازی در تکملة الاخبار (۱) که در ۹۶۷
 ساخته است می نویسد که نسخه ای از قرآن منسوب به خط امام رضا (ع)
 در مزار (ستی فاطمه) دیدم که نام «علی بن موسی بن جعفر» داشته با عبارت
 «علیه السلام» و با تاریخ ۲۴ ج ۲ / ۲۰۴، پس آنچه شهید در تاریخ مرگ امام (صفر
 ۲۰۳) آورده است نباید درست باشد. کاشفی در روضة الشهداء روز آدینه
 ۲۱ رمضان ۲۰۸ یاد میکند.

این نسخه افتاده گی هایی دارد که در هامش آن دو نوشته اند پس نباید
 خط امام باشد و امام هم فراموشی ندارد. شاید هم این نسخه را دیگری
 نوشته و به امام نسبت داده است.

۱- نسخه ۳۸۹۰ ملك (فیلم ش ۱۹۸۱ دانشگاه ص ۵۹ فهرست فیلمها) ص
 ۳۴۵ عکس.

-۹-

نموداری از وقفهای کتابخانه آستان قدس

- ۱- وقف حاجی حسن بن اسفہسالار بن علی مازندرانی برمشهد رضا، نسخه بسیار کهنه ایست با ترجمه فارسی و جزوی است از سی پاره قرآن.
- ۲- وقف محمد بن العباس بن ابی الطیب الاشری برمشهد رضا، جزوی از سی پاره است با ترجمه فارسی کهن (از نسخه های تازه یافته).
- ۳- وقف شهرستی دختر امیر ابوالعباس خسرو فیروز پسر رکن الدوله (راهنمای آستان قدس ص ۳۸۳).
- ۴- وقف اسوار بن ایلاس بر «مشهدالرضا» در طوس در رمضان ۳۲۷ نسخه ای را که به خط خود نوشته است دو جزو بغلی است از قرآن. (از نسخه های تازه یافته).
- ۵- وقف ابوالقاسم منصور قاینی هروی در ع ۳۹۳/۱ (ش ۱۷ راهنمای گنجینه قرآن از گلچین معانی).
- ۶- وقف ابوالبرکات علی بن حسین نویسنده نسخه در رمضان ۴۲۱ که به ابوعلی بن حسوله سپرده تا از قبه و مسجد بیرون نبرد (ش ۱۸).
- ۷- وقف جمال الدین حاجی علی بن اسماعیل قرآنی را که در ۵۳۵ نوشته شده گویا در همین سال (ش ۳۱).
کتابخانه علم انسانی و مطالعات قرآنی
- ۸- وقف علی بن ابی الفضل بن علی الحاجی اسفراینی برمشهد رضا در آغاز ۶۱۴/۲۴ سی پاره ایست که عثمان بن حسین بن ابی سهل الوراق الغزنوی به دستور شیخ رئیس ابو جعفر محمد بن احمد عبدوسی در ۶۶۶ نوشته و به زر آراسته است (ش ۲۱ و ۱۲ راهنمای گنجینه قرآن که دوباره است و ۲۶ پاره دیگر را تازه یافتند).
- ۹- وقف کافی الدولة والدین خالصه الوزراء عمر بن ابی بکر النایب بر تربت پسر خود ظهیر الدین محمد در بقعه ای که پهلوی جامع منیعی در نیشابور

- ساخته است در ۶ ع ۶۲۱/۲ سپس به آستانه آمده است (تازه یافته).
- ۱۰- وقف بای سنغر در ۸۲۷ بخط خود او (ش ۳۱).
- ۱۱- وقف اعتمادالدوله جلال الدین شیخ ابوسعید والاسلان در ۸۶۱ (روض الجنان رازی ش ۱۲۲ تفسیر) (دیباچه ۱ و ۴ فهرست آستانه).
- ۱۲- وقف مظفر بتکچی استرآبادی در ۹۲۰ (ش ۲۳).
- ۱۳- وقف خواجه یاراحمد فرزند خواجه سلطان محمد نشابوری در ۲۴ صفر ۹۲۱ (ش ۱۴۴۹، دیباچه نمونه ای از قرآن مجید چاپ ۱۳۴۹).
- ۱۴- وقف سید محسن رضوی در ۱۴ صفر ۹۲۵ (غایة الوصول ش ۳۶) (دیباچه ج ۱ و ۴ فهرست آستانه).
- ۱۵- وقف امیرسیدعلی حسینی در ۹۴۰ (ش ۳۳).
- ۱۶- وقف عایشة الحولاء بنت عبداللہ بن عبدالرحمن التاجر در ۹۵۴ (ش ۳۶).

۱۷- وقف ابراهیم قطب شاه گلکنده در ۹۷۰ (ش ۸۸).

امیدواریم که اولیای آستان قدس هرچه زودتر فهرستی از این نسخه‌ها در دسترس شیفتگان آثار علمی و مذهبی بگذارند و تاریخ آستانه و گنجینه و کتابخانه آستانه را روشن‌تر سازند.

-۱۰-

شماره گذاری نسخه‌ها

در پشت برخی از نسخه‌ها یادداشت شده است که آنها به شماره‌های ۳ یا ۲۵ یا ۳۶ یا ۳۷ یا ۴۴ یا ۵۷ یا ۷۹ یا ۱۳۰ یا ۲۲۵ در دفتر شماره ۸۶ ثبت شده است. چون برای کلمه «شماره» کلمه «نمره» که از اروپایی گرفته شده با رمز سیاقی آمده است پیدا است که این دفتر همین اواخر نوشته شده است.

- ۱۱ -

بازدید نسخه‌ها

درخزانه‌ها و کتابخانه‌های مزارها و آستانه‌ها و دربارها رسم بر این بوده است که هر چند گاهی به نسخه‌ها سرکشی می‌کرده و در آغاز آنها یا جای دیگر یادداشتی با تاریخ و امضاء با آوردن کلمات «عرض، ملاحظه، تحویل و ابواب جمع کتابدار و خازن» می‌نوشته‌اند. از این یادداشتها بخوبی ما می‌توانیم به سرگذشت نسخه‌ها و کتابخانه‌ها پی ببریم.

در این کتابخانه هم روی برخی از نسخه‌ها چنین یادداشت‌هایی هست بدین گونه :

- ۱- در سال ۱۱۰۲ (قوی نیل) روزهای ۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۴ تا ۲۷ و ۲۹ و رمضان نسخه‌ها درخزانه سرکار فیض آثار ملاحظه و عرض و تحویل کتابدار شده است، بامهر «محمد امین بن محمد مهدی حسینی» که برای آن در برخی نسخه‌ها مهر «لاله الا الله محمد امین الله علی ولی الله» دارد.
- ۲- در سال ۱۱۰۴ (تخاقوی نیل) روز ۴ رمضان نسخه‌ها ملاحظه شده با همان مهر «محمد امین بن محمد مهدی حسینی».
- ۳- در سال ۱۱۰۶ (پیچی نیل) ملاحظه و تحویل کتابدار سرکار شده است و این یادداشت به خط او است و از خود به «اقل السادات» تعبیر میکند.
- ۴- در سال ۱۱۱۱ روز ۲۴ تا ۲۶ ذی‌حجه درخزانه سرکار ملاحظه و عرض شده است بامهر ابوطالب بن محمد معصوم حسینی مورخ ۱۱۱۱؛ همچنین روز ۱ ج ۱ با مهر «محمود» این ابوطالب بن محمد معصوم حسینی مورخ ۱۱۱۱، همچنین روز ۱ ج ۱ با مهر «محمود» این ابوطالب شاید همان «ابوطالب الحسینی الخطیب القمی» باشد که کتیبه بقعه شاه سلیمان و شاه سلطان حسین را در ۱۱۰۷ نوشته است (تاریخ قم ناصر الشریعه ص ۹۷ چاپ سوم).
- در سال ۱۱۱۲ (سیچقان نیل) روز ۱۰ ج ۱ درخزانه سرکار عرض

شده است.

۶- درسال ۱۱۲۲ روز ۲۰ محرم ملاحظه و تحویل کتابدار شده است.

۷- درسال ۱۱۲۵ (نیلان نیل) روزهای ۱۲ و ۲۱ تا ۲۴ ذق ملاحظه

و عرض خزانه سرکار شده است، با همان محمد ابوطالب بن محمد معصوم

حسینی مورخ ۱۱۱۱

۸- درسال ۱۱۳۰ (تخاقوی نیل) روز ۱۷ محرم و ۲۴ ملاحظه و

عرض خزانه سرکار شده است، با مهر مهدی بن محمد معصوم حسینی.

۹- درسال ۱۱۴۱ عرض کتابخانه سرکار صاحب قرانی و ملاحظه شده

است، با مهر «ابن آقاهادی الرضوی» در نسخه شماره ۱۲۶ موزه.

در همین سال «ماه ذی قعدة در نسخه ای عبارت «داخل کتابخانه

رضوان مکانی و عرض و ملاحظه شده» نوشته است.

پیدا است که این نسخه ها از کتابخانه شاهانه است که به این خزانه

آمده است .

۱۰- درسال ۱۱۴۳ «ملاحظه و تحویل داده شده است، با مهر محمد

خلیل بن محمد مهدی حسینی

۱۱- درسال ۱۱۴۵ (سیچقان نیل) روزهای ۲۱ و ۲۲ ج ۱ و ۲۳ ذق

ملاحظه و تحویل و ابواب جمع کتابدار سرکار شده است، با مهر محمد رحیم

بن محمد مهدی حسینی

۱۲- درسال ۱۱۴۸ روز ۲۴ ملاحظه شده است.

۱۲- درسال ۱۱۴۹ قوی نیل در ماه شوال نسخه به عنوان «سرکار

فیض آثار» آمده و تحویل صاحب جمع کتابخانه شده است .

۱۳- درسال ۱۱۵۲ (پیچی نیل) ۱۰ رجب و ۱ شعبان ملاحظه و تحویل

خزانه دار و ابواب جمع کتابدار شده است، با مهر «محمد رضا بن اسدالله

حسینی» .

۱۴- درسال ۱۱۵۴ ماه ۲۴ ملاحظه و ابواب جمع کتابدار سرکار شده، با

مهر محمد رحیم بن محمد مهدی حسینی

۱۴- در قرآنی که شرف جهان خانم آن را درسال ۱۱۵۷ وقف کرده

است آمده که «تحویل اقل خلیفه محمد ... خادم و خازن سرکار فیض آثار» شده است .

۱۵- در سال ۱۱۵۷ (بیچی نیل) ۱۲ رجب ملاحظه و ابواب جمع کتابدار شده است، با مهر محمد رحیم بن محمد مهدی حسینی»

۱۶- در سال ۱۱۶۳ (یونت نیل) روز ۱ و ۳ و ۲ ملاحظه و تحویل کتاب دارو و تحویل دار سرکار شده است با مهر «مهر خلیل بن محمد مهدی حسینی» .

۱۷ در سال ۱۱۷۲ (پارس نیل) روزهای ۲ و ۸ و ۲۲ و ۲۴ معرم عرض و ملاحظه و ابواب جمع و تحویل کتابدار سرکار شده است، با مهر «محمد خلیل بن محمد مهدی حسینی» .

۱۸- در سال ۱۱۷۷ ملاحظه شده است .

۱۹- در ۱۲۰۳ روز ۲۲ روز شعبان عرض و تحویل کتابدار گویا محمد شده است با مهر میرزا محمد مهدی متولی (درقرآن وقف شرف جهان خاتم) .

۲۰- در یکم شعبان ۱۲۵۲ (بیچی نیل) ملاحظه و تحویل کتابدار سرکار شد، با مهر محمد رضا بن اسدالله حسینی .

۲۱- در سال ۱۲۵۶ (بیچی نیل) روز ۱ رمضان ملاحظه و تحویل کتابدار سرکار شده است، با مهر حسین بن محمد رضا حسینی که گویا همان حاج میرسید حسین متولی باشی است که با کمک ناصرالدین شاه ضریح آستانه را از نوساخته است (تاریخ قم ناصر الشریعه ص ۷۷) . در ذریعه (۳: ۲۷۶) از پسر اوسید محمد باقر متولی باشی یاد شده است. نام پدر در کتیبه ایوان مدخل صحن عمیق نوشته علی اکبر فیض در ۱۲۹۶ هست (راهنمای قم ص ۷۳) و او جواهر خزانه را در قبابی ارامنه گذارده بود (ناصر الشریعه ص ۸۱) .

۲۳- در سال ۱۲۹۷ (لوی نیل) روز ۴ ذق در کتابخانه ملاحظه و عرض شده است، با همان مهر حسین بن محمد رضای حسینی .

۲۴- درقرآنی که جده شاه صفی آن را در ۱۵ رجب ۱۰۵۲ وقف کرده است دو عبارت «مرخص شده ... آستانه ۲۲ ج اسفند ۱۲۵۳» با مهر «... کتاب دار» آمده و این دو عبارت درست خوانده نمیشود و همین اندازه

پیدا است که یادداشت کتابدار است .

- ۱۲ -

چند نسخه ارزنده

- ۱- قرآن به خط کوفی معرب منقوط ابوالقاسم ابن ابی یوسف بن شهرکیالعدادی در نیمه شوال ۵۶۶ روی پوست آهو (یک برگ).
- ۲- قرآن به خط ثلث ریحان محمود بن متقلد بن سلیمان کاتب در ۵۹۰، وقف شاه سلطان حسین بر آستانه امام زاده فاطمه دختر موسی بن جعفر در شعبان ۱۱۱۸ (۱۵۶ موزه).
- ۳- قرآن به خط نسخ مذهب آراسته و زیبای عبدالله طباطبای هروی در شهر سمرقند به سال ۵ [۵-۸] (رقم عشرت رفته) گویا ۸۴۵ افسوس که از این نسخه گرانبها اندکی آنها پاره و فرسوده مانده است .
- سرگذشت اودرخوش نویسان شادروان بیانی (ص ۸۶۰) و نمونه خطوط خوش همو (ص ۵ و ۱۲۲ و ۱۲۳) هست .
- نسختی دیگر از قرآن به خط همو که در ۸۴۵ به دستور رکن السلطنه علاء الدوله بهادرخان نوشته است در آستان قدس هست (راهنمای گنجینه قرآن، گلچین معانی ص ۱۴۴) *انوطات فرنگی*
- ۴- قرآن سی پاره که ۲۷ پاره از آن اکنون هست، در آنها خط عبدالسلام ابن محمد بن جعفر بن علی بن احمد کاشی مورخ ۷۰۷ هجریه میشود و وقف است بر آستانه شاه سلطان علی بن [ابی جعفر] محمد بن علی الباقدر مشهد بارکسرف (اردهال) از فخرالدین محمد بن الحسین بهاءالدین در ۲۲ رمضان ۷۶۱، همچنین وقف آقا محمد بن خواجه میرعلی شعری کاشانی بر همین آستانه در ۱۵ ج ۱/۱۳۰۴ در آن آمده است، درباره بیست و دوم آن که به خطی دیگر است نوشته شده که آن را یحیی بن ناصر البجیبی با پاره های دیگر در ۷۸۱/۲ بروضة کبیریه شیخ کبیر ابو عبدالله ابن الخفیف وقف کرده است .

۵- قرآن با ترجمه شیوای فارسی نوشته مجدالدین ابن قوام الدین علی بیدگلی در رحب ۸۹۲ (۳ : ۱۸۵-۹۳۲۳) .

۶- تفسیر فارسی بسیار شیوا و رسا و شیرین و دلکش درست مانند تاج التراجم اسفرائینی و بصایر یعنی و تفسیر سور آبادی و لطایف العرفان درواجکسی و ینایع العلوم اندخودی و تفسیر نسفی، ولسی جز همه اینهاست که در چهارمجلد باید باشد و آن را تاج الوزراء اثیر الدین ابو عیسی احمد بن ابی شجاع ... روز نازویه در ۵۹۴ وقف کرده است . این نسخه را چندین کس خواندند و یادداشت کرده اند یکی در ۸۱۶۰ .

۷- جلاء الاذهان و جلاء الاحزان گازرگرگانی

دو نسخه یکی مورخ ۹۹۲ (۲ : ۲- ۶۴۲۲) دومی مورخ ۱۰۰۳

(۱ : ۱۳۶-۹۳۲۴)

۸- توحید نامه یا تحفه توحیدخانه از دانشمندی گمنام که از نگارش دیگر او بنام جلاء القلوب (ش ۱ / ۸۴۶ ع دانشگاه) آگاهی داریم . افسوس که از این نسخه برکهای بسیاری افتاده و نسخه آن هم آشفته و پس و پیش شده است . در این کتاب از اصول عرفانی شیعی و کلامی و فلسفی گفتگو میشود که در توحیدخانه صفویان در اصفهان بایستی از آنها بحث و جستجو شود (ش ۵۹۴۲) .

شاه سلطان حسین سخت پای بنددیانت بوده و مخالف قزلباش و امرای قزلباش را به علت « جروتعدی » از کار برکنار و سادات خدا ترس را بجای آنان گمارده است و « طریقه صوفیه را که شعار و اطوار سلسله صوفیه بوده است بر انداخته از آن جمله توحیدخانه را که در دولتخانه آن حضرت حضرت متصل عالی قاپو بوده و در هر شب جمعه مشایخ صوفیه در آنجا جمع شده با خلفا و امراء وجد کرده با هم میزدند موقوف فرموده است « همه مشایخ از اصفهان اخراج شده و سراسر کشور زیر نفوذ محمد باقر مجلسی در

۱- نظام ایالات در دوره صوفیه از Rohrborn ترجمه آقای جهاننداری-

تاریخ طهماسبیه محمد مهدی بن محمد هادی شیرازی نسخه توبینگن ش ۲۰۴
اشپرنگر ۴۱۲ پرچ، در فهرست استوری ۱ : ۳۲۰)

آمده بوده است. ۱.

توحید در آستان رضوی رواقی است در شمال حرم که در زمان صفویان ساخته شده و گفته اند که فیض برای گفتن کلمه توحید و در راه تکمیل اهل ذکر در در آنجا بسر می برده است (ادیب المعی)

کتابخانه‌های مورخ ۱۲۷۱ و ۱۲۷۶ و ۱۲۸۴ و ۱۳۴۰ دارد و آغاز قصیده میرزا عبدالعلی پس میرزا علی جمعه وزیر محمدخان کله کن قرائی در گذشته ۵-۱۲۸۴ در پنجاه سالگی در مشهد در کتبیۀ آنجا چنین است :

زهی داری که خوانی توحیدیز دانش خهی کاخی که در اثبات توحید است بنیایش آینه کاری و آرایشهای آن از حسام السلطنه است. ۲.

۹- نسختی از عیون الانباء فی طبقات الاطباء ابن ابی اصیبعه که کمی از آن مانده و از سده ۱۰ است.

۱۰- نسختی از الجامع الصحیح بخاری از سده ۹.

۱۱- نسختی از فروع کافی کلینی که یادداشت تملک ۹۹۰ دارد و به نسبت کهنه است .

۱۲- منهاج الصلاح علامه حلی از سده ۱۰ و ۱۱ است و دارای عرضهای ۱۱۲۵ و ۱۱۳۰ و ۱۱۴۵ و ۱۱۷۲.

۱۳- رسائل طبیعی و منطقی ابن اللباد موفق الدین ابو محمد عبداللطیف ابن یوسف بن محمد بن علی موصلی بغدادی شافعی ادیب نحوی لغوی متکلم محدث مورخ حکیم ریاضی (۵۵۷-۶۲۰) گویا از الجامع الکبیر فی المنطق والطبیعی والالهی او که درده مجلد است. در اقلو طین عند العرب عبدالرحمن بدوی فصلهای اخیرا بعد الطبیعة او را می بینیم. از او است مقالة فی الدواء والغذاء و معرفة طبقاتها که برخی از رساله‌های نسخه ما با آن پیوستگی و وربط دارد (معجم المؤلفین ۶: ۱۵ و ۱۳: ۴۰۰).

۱۴- مجموعه رساله فی الصلاه از کمال الدین حسین دامغانی مورخ

۱- ررضه الصفائی ناصری چاپ قم ۵۸۶:۸

۱- مشهد طوس محمد کاظم ص ۴۵۰- راهنما یا تاریخ آستان قدس علی

موتمن ص ۱۳۷- بدر فروزان عباس فیض ص ۳۱۹

۹۷۲ و الباب الحادی عشر علامه حلی.

- ۱۳ -

چند نسخه از قرآن وقف شده بر آستانه

- ۱- وقف تاج الوزراء اثیرالدین ابو عیسی احمد بن ابی شجاع در ۵۹۴ (تفسیر فارسی)
- ۲- وقف مزار «ستی فاطمه» در ۶۶۱ (ش ۱۲۸).
- ۳- وقف برقیه وروضه مضجع معصومه طاهره دختر موسی کاظم (ع) در بیرون شهر قم در کنار رودخانه بسال ۷۲۰ گویا از عبدالعظیم بن ابی الفضائل محمد فتاح (سی پاره است).
- ۴- وقف مسجد جامع قریه بعلیاباد از صاحب خواجه ظهیرالدین افزون بسال ۷۷۷
- ۵- نسخه مورخ ۷۹۷ (ش ۴۶)
- ۶- قرآن بارساله تجوید تحریر محمد بن فضل مولوی در اواخر ۸۲۰ ر ۲۴
- وقف خواجه یادگار علی پسر خواجه شمس الدین محمد بن جهان شاه شعر- باق ساوجبی بر «امام زاده معصومه ستی فاطمه» به وکالت از مادرش «گزل آغاء» دختر خواجه با ملاتیر گر.
- ۷- وقف غیاث الدین امیریوسف خواجه بهادر پسر امیر شهید مظفر- الدوله امیر شیخ علی بهادر بر مسجد جامع عتیق امام حسن عسکری بیرون درب ساوه در شهر قم در ۲۰ رمضان ۸۴۲ (سی پاره است).
- ۸- قرآن مورخ ۸۶۹
- ۹- وقف خواجه فخرالدین احمد پسر صاحب خواجه زین الدین شاه علی طجرودی بر مسجد منار درون شهر قم برابر «علویه» در کوی «دوقفیزآباد» از کویهای «سروزن» با تولیت امام مسجد «شمس الدین شاه محمد» در اواخر ۸۹۱/۱.
- ۱۰- به خط ثلث مورخ ۷۵۶ وقف قاضی زاده افتد ینک وردی شریف.

- ۱۱- مصحفی که به فرمان دستورالوزراء و تاج السادات امیرسیدعلیا نوشته شده است.
- ۱۲- نسخه‌ای که در شهرک نخبجوان به وکالت از شاه تهماسب صفوی نوشته شده است.
- ۱۳- وقف خدیجه خواند دختر استاد سلطان محمد در خضرآباد.
- ۱۴- وقف پیری خواند دختر خواجه یرقلی شیرازی ساوه‌ای بر آستانه «معصومه سستی فاطمه» در قم.
- ۱۵- به خط شیخ هادی بن احمد بن شادی ابن حمزه (۲۳).
- ۱۶- وقف مسجد جامع سلطانیة شماخی از زین العابدین بن محمد (جزوه قرآن است).
- ۱۷- وقف بر خانقاه، سی پاره است.
- ۱۸- وقف عطاء الله بن حبیب الله ابرقوهی بر مزار «شیخ علی بنیمان» در راه ابرقوه و یزد بسال ۹۰۲ (سی پاره است).
- ۱۹- وقف خواندزاده صاتی ملک دختر خواجه شمس الدین محمد مظفر نطنزی بر مقبره پدران خود در محرم ۹۰۳.
- ۲۰- وقف خواجه احمد کرخی به شادی روان پدرش فخرالدین در شوال ۹۱۲.
- ۲۱- وقف بر آستانه و نوشته به خط نسخ در ۱۳/ع/۹۱۹.
- ۲۲- وقف سید شاه طاهر حسینی نقیب بر مشهد طاهر علی بن محمد باقر در بار کرمف یا بار کرز کاشان در ۲/۹۲۴ بنوشته احمد بن حسین کاشانی با سجل حسین حسینی رضوی.
- ۲۳- وقف «تی تی بوی» دختر امیر کارکیا امیرکیا در آستانه معصومه در ۹۳۹.
- ۲۴- وقف علی قلی بن شاه قلی خلیفه مهرداد بر مزار «حضرت سستی فاطمه» در ۱ ذق ۹۵۴.
- ۲۵- وقف شاه علی بجرودی در ۹۸۱.
-
- ۱- در ذیل تاریخ عالم آرای (ص ۱۵۸) از تی تی فال همشیره لوندخان والی دادیان یاد شده است.

- ۲۶- وقف محمد مهدی رضوی بر آستانه و روضه فاطمیه بیرون باروی شهر قم در ۱۱ رجب ۹۸۱.
- ۲۷- وقف بیرام قلی بن خیرالدین سیغیشی در ۹۸۳.
- ۵۸- قرآن مورخ ۹۹۷ با ترجمه و شرح.
- ۲۹- وقف شاه تهماسب بر همین روضه در ۹۸۰.
- ۳۰- وقف ده ده بیک بر «مزارستی فاطمه» در ۹۹۷.
- ۳۱- وقف سلطان هرون بن موسی مشهور به پنج انگشت در ۹۹۹.
- ۳۲- وقف بر «روضه فاطمه بنت موسی» در ذی قعد ۱۰۰۱ با مهر قاضی عیسی مورخ ۹۹۸ از خود واقف (سی پاره است).
- ۳۳- وقف حاجی سیف‌الدین عرب بر آستانه «ستی فاطمه علیها الصلاة والسلام» در ۱ شوال ۱۰۲۲، دارای دو وقف نامه یکی به عربی دیگری به فارسی به خط جمال‌الدین و با مهر سیف‌الدین بن محمد، پاره ۱۵ است با تاریخ ۸۶۹.
- ۳۴- به خط اسماعیل در رمضان ۱۰۴۴.
- ۳۵- وقف جدّه شاه صفی بر آستانه «معصومه مدقونه قم» در ۱۵ و ۱۷ و ۲۵ و ۲۷ و ۲۹ رجب ۱۰۵۲، وقف نامه به خط خوش محمد هاشم نجمی است و سی پاره ایست آراسته و مذهب و دارای جدول به قطع ربعی به خط ریحانی.
- ۳۶- وقف جدّه شاه صفی بر روضه او در رجب ۱۰۵۲.
- ۳۷- وقف خسرو امیر... غلام قدیمی و بنده در گاه شاهی بر مزار شاه سنی که در بهلولی مرقد و ضریح امام زاده معصومه فاطمه در قم است در دهه سوم ذی قعد ۱۰۵۳.
- ۴۸- وقف امیر ابوالقاسم بن امیر هاشم شیروانی نجفی بر روضه قم در آغاز ج ۱۰۶۲/۲.
- ۳۹- وقف مادر شاه عباس دوم بر مزار او، خود نسخه به نسخ محمد شفیع بن فخرالدین لوسانی است در ۱۴۷۷/۱۴ است.
- ۴۰- وقف محمد مهدی بن [اقا هادی] حسینی [رضوی] بر مزار شاه عباس دوم در ۲۸/۲ع ۱۰۷۷.

- ۴۱- وقف شاه سلیمان درج ۱۰۸۵/۱
- ۴۲- به خط نسخ عبدالرؤف بن حاجی نورالله سبزواری در روز سه شنبه ۲۶ محرم ۱۱ فروردین ماه ۱۰۸۸ با ترجمه فارسی به نستعلیق در فروردین ۱۰۸۸
- ۴۳- وقف جعفرقلی در ۱۰۸۸
- ۴۴- وقف صفی قلی یوز باشی شاه صفی بمرمقبره اودر ۱۰۸۸/۱۴
- ۴۵- وقف حاجی آقا کافورصاحب خزانه عامره بر «روضه معصومه» درقم با تولیت متولی آستانه در رجب ۱۰۹۴ با گواهی ابوطالب در ۲۹ ج ۱ گویا عمین سال ۱ خود نسخه را دوست محمد بن سلیمان هروی درج ۹۶۸/۲ به نسخ نوشته است.
- ۴۶- وقف صفی قلی خان فرمان روای سیستان و وزیر فارس برمزار صاحب قران با مهر جواد رضوی خطیب آستانه و با عرض ۱۰۹۸، نسخه به خط ثلث علاءالدین بن محمد ابوالعلی حسینی است در ۹۲۵
- ۴۷- وقف ناطمه مادرشاه سلیمان در ۱۰۹۸، نسخه به نسخ ۹۹۲ است.
- ۴۸- وقف ۱۱۰۲ (۱۲۹)
- ۴۹- وقف مهد علیا برای ضریح پسرخود در ۱۰ ذح ۱۱۰۵ به خط محمد باقر بن محمدتقی (گویا مجلسی)
- ۵۰- وقف ملاسراج الدین محمدرضای کاشانی در رمضان ۱۱۰۶ برآبادی قه کاشان.
- ۵۱- به خط نسخ عبدالله خوش حال در ۱۱۱۸
- ۵۲- وقف شاه سلطان حسین در شعبان ۱۱۱۸ برآستانه «سیده فاطمه دختر موسی بن جعفر»
- ۵۳- وقف بر «امام زاده سلطان علی بن محمد بن علی الباقر» در ۱۱۱۸
- ۵۴- به خط ثلث ۱۱۲۰ (ش ۱۳۰)
- ۵۵- محمد علی بن محمد مسعود بن حبیب الله خازن و خادم «سرکار فیض آثار فاطمه» در پایان نسخه ای در ۲۶/۲۷/۱۱۲۰ می نویسد که سجاوندی

آن ازمن است.

- ۵۶- وقف شاه زاده هولاکو خان بر قبر مادر خود در قم در ۱۱۳۰،
نسخه به خط ثلث میرمسنجری است در ۱ شعبان ۹۳۰
- ۵۷- وقف محمد ابراهیم پسر حاج زین العابدین اصفهانی بر آستانه
درع ۱۱۳۹/۱
- ۵۸- وقف حاجی محمد رضی بن حاجی قرداش بر آستانه امیرمؤمنان
علی ع با تولیت خازن خزانه درع ۱۱۴۰/۱
- ۵۹- وقف بانویی در ۱۱۴۳ بر مزار آستانه، نسخه به خط ثلث
مورخ ۸۵۴ است (ش ۱۴۲)
- ۶۰- وقف شرف جهان خانم بر مزار ابوالحسن خان برادر خود در
«روضه حضرت معصومه» در روز آدینه ۲۲ رجب ۱۱۵۷، می پاره است در
ده مجلد.
- ۶۱- وقف امام قلی پسر بیچن بیکای قرشلو بر روضه قم در ذیحجه ۱۱۶۴،
به نسخ ابوالقاسم بن عبدالله طباطبائی در ۱۱ ج ۱۳۳/۱ با ترجمه فارسی و
حواشی نستعلیق محمد سعید بن محمد مقیم در ۱۱۳۳
- ۶۲- وقف شاه تهماسب بر «روضه سستی فاطمه» در قم با تاریخ ۱۱۸۲
- ۶۳- وقف بر روضه «فاطمیه» بایادداشت میرزا محمد معصوم متولی
درع ۱۱۸۲/۱
- ۶۴- وقف ابوالحسن بن عبدالله بیک، اصل نسخه به نسخ است با تاریخ
روز ۱۱۸۵/۳/۳
- ۶۵- وقف میرزا باباسی پسر میرزا قوام الدین همدانی بر «حضرت
معصومه» در ۱۱۹۴ با خط و مهر رضای حسینی علوم اسلامی
- ۶۶- وقف میرزا محمد کاظم بن محمد حسن آشتیانی با تولیت میرزا
محمد مهدی متولی، نسخ محمد بن عبدالحسین شیرازی در رجب ۱۱۹۶
- با حواشی محمد علی کرمانی در رجب ۱۱۹۶
- ۶۷- وقف ۱۲۰۱ (ش ۱۳۳)
- ۶۸- وقف میرزا محمودخان میرنظام و رئیس دفتر لشکر آذربایجان
بر «بقعه حضرت معصومه» در ۱۲۰۶

۶۹ - وقف سلطان حسین بنام روان احمدعلی میرزا در مرقد خاقان
مغفور در ۲/۲۴/۱۲۰۷

۷۰ - وقف آقا حسین بن آقا رحیم سلطان آبادی در قم در شعبان ۱۲۰۷
(تخاقوی نیل)

۷۱ - وقف زینب دختر شاه محمد مراغه‌ای در ۱۲۱۲

۷۲ - وقف فتح علی شاه در ۱۲۱۶ بنام محمد پادشاه قاجار و حسین قلی خان
پدر خود که در «خزانه معصومه» حبس نشود و در دسترس همگان باشد و از
آنجا بیرون نبرند (ش ۱۹۵)

۷۳ - وقف خاتون جان دختر آقا رحمان روضه حضرت معصومه در

۵ ذح ۱۲۱۹

۷۴ - وقف محمد تقی اصفهانی در ۱۲۲۱

۷۵ - وقف ۱۲۲۲

۷۶ - وقف محمد جعفر رضوی بر «روضه حضرت معصومه فاطمه» در

شوال ۱۲۲۲

۷۷ - وقف حاج محمد کاظم تاجر اصفهانی نقشینه فروش در ۱/۱۲۲۲

۷۸ - نسخه‌ای است که در «صحن روضه معصومه» فرسوده شده بود و

میرزا زین العابدین پسر میرزا باقر اصفهانی کرمانشاهی پسر خالوی میرزا
ابوالقاسم حاکم کاشان بدست طالب علمی مازندرانی باهشت ریال سلطانی
برابر بایک تومان طهرانی در ۲۷ صفر ۱۲۲۶ تعمیر کرده است.

۷۹ - وقف شاه جهان در ۱۲۳۰، نسخ محمد اسماعیل در ۱۲۲۵

۸۰ - وقف عبدالله بن خان والی کردستان در ۱۲۲۸، نسخه را عبدالله
هندی کاظم‌اوی در ۱۲۲۷ نوشته است.

۸۱ - وقف خسرو خان اردلان والی کردستان در صفر ۱۲۴۹، نسخ

محمد بن حاج عبدالله هندی کاظم‌اوی در ۱۲۴۱ در جوار کاظمین

۸۲ - وقف کربلایی عبدالحسین پسر آقا عبد الوحید قزوینی بر آستانه

در ۱۲۳۹، نسخه از سنه ۹۰۸ است

۸۳ - وقف میرزا عبدالکریم فرزند میرزا عبدالله کره‌رودی در ۱۲۳۷

۸۴ - به خط نسخ ربیع بن محمد اسماعیل خوانساری در ۱۲۴۱ با ترجمه

فارسی محمد باقر خوانساری

- ۸۵ - وقف فتح علی شاه در ۱۲۴۲، نسخه را علی محمد بن محمد مؤمن حسینی اردستانی بدستور اودرهمین سال نوشته است (ش ۴۴۴)
- ۸۶ - وقف ملک زاده خانم بنام محمد شاه قاجار در ۱۲۴۶، نسخه را عبدالله گیلانی پسر حاجی محمدجعفر در روز شنبه دهه دوم ماه ... سال ۱۲۳۰ به نسخ نوشته و با ترجمه فارسی است.
- ۸۷ - به خط نسخ ام سلمه دختر فتح علی شاه در ۱۲۴۶ بدستور پدر و وقف او بر مرقد پدر.

۸۸ - وقف خسروخان والی کردستان بر «روضه حضرت معصومه»

در صفر ۱۲۴۹

۸۹ - وقف علی قلی بن عبدالوهاب قزوینی در ۱۲۵۲

۹۰ - گویا وقف خسروخان در ۱۲۵۲، صدویست و یکمین نسخه است که محمدعلی بن محمدصادق اصفهانی در ۱۲۲۸ نوشته و گویا برای همو.

۹۱ - به خط نسخ اسدالله شیرازی در ۱۲۵۲

۹۲ - وقف بر مزار فتح علی شاه در ۱۲۵۳ و در ۱۳۳۳، به نسخ

محمد قاسم قادری است در ۱۲۶/۱۰۹۹

۹۳ - به خط نسخ در ۱۲۵۶ به دستور فخرالدوله و ترجمه شده در

۱۲۵۹ به نستعلیق و وقف اودر ۱۲۵۹/۱ بنام خاقان با تولیت آقامیرزا محمد علی متولی بقعه مضجع خاقان

۹۴ - وقف سیدحسین کلاه دوزمازندراتی در رجب ۱۲۵۹

۹۵ - وقف نیمه از قرآن از میرزا محمدصادق پسر آقا میرجعفر حسینی

کدخدای تهران بر «آستانه فاطمه معصومه» در قم در ۱۲۶۰ با تولیت ملاجعفر پسر حاجی ملا بابای قمی و وقف باقر برادر متولی نیمه دیگر آن را، نسخه مورخ ۷-۷۹۵

۹۶ - وقف میرزا محمدتقی نائینی در ۱۲۶۰

۹۷ - وقف ناصرالدین شاه بر بقعه وروضه محمدشاه قاجار در ۱۸۸۰

۱۲۶۴ با مهری گویا از حسین رضوی.

۹۸ - به نسخ شاه بیگم ضیاءالسلطنه دختر فتح علی شاه و وقف اودر

۱۲۶۵/۱ع

- ۹۹ - وقف آخوند ملا محمد حسین بن آخوند ملا عبدالله شاعر داعی گلیایگانی بر «قبه فاطمه معصومه» در رجب ۱۲۶۶
- ۱۰۰ - وقف ۱۲۶۷ (سی پاره ش ۱۳۵-۱۵۰)
- ۱۰۱ - وقف حاج محمدعلی نمدمال در ۱۲۷۰
- ۱۰۲ - وقف ناصرالدین شاه در ۱۲۷۳ بر مزار محمد شاه ، به نسخ فیض الله لاهوری در ۱۱۶۳ با ترجمه فارسی و هفت سب است (۳۲۳)
- ۱۰۳ - وقف سلیمه خاتون دختر ابراهیم مستوفی در ۱۲۷۳ ، با ترجمه فارسی است.
- ۱۰۴ - وقف آقا شیخ رضای قمی بقال در ۱۲۷۹
- ۱۰۵ - وقف عبدالعظیم بیک پسر گنج علی بیک تهرانی در ۱۲۸۷ ، نسخه نوشته همین سال
- ۱۰۶ - وقف حاج زین العابدین اصفهانی بر آستانه در ع ۱/۱۲۹۱ ، نسخه از سده دهم است.
- ۱۰۷ - وقف حسام الملک بر مؤمنان همدان و روستای شورین باتولیت حاج میرزا حسین در ج ۱/۱۲۹۲
- ۱۰۸ - وقف میرزا محمود مستوفی در ۱۲۹۵
- ۱۰۹ - وقف حاجیه شاهزاده خانم همسر نصره الدوله مادر عمید الدوله در ۳ شوال ۱۲۹۷ ، نسخه به نسخ محمد طبیب اصفهانی پسر حاج میرزا محمد مهدی قاری است در ۱۲۴۴
- ۱۱۰ - وقف حاج محمد حسین تاج اصفهانی در ۱۲۹۹
- ۱۱۱ - وقف حاج محمد رضای لشکر نویس در ۱۳۰۰
- ۱۱۲ - وقف حاج محمد مهدی پسر حاج خداکرم در ۱۳۰۱
- ۱۱۳ - وقف محمد قاسم خان آقا باباجان لدهباشی سرکار حسین علی میرزا فرمان فرمای فارس بر آستانه « امامزاده معصومه » در ۱۳۰۳ ، نسخه به نسخ محمد حسین بن حاجی علی شیرازی است در ۱ ذیح ۱۲۳۳
- ۱۱۴ - وقف حاج عبدالحسین و حاج غلام حسین پسران حاج محمد جواد تاجر اصفهانی برای همدان در ۱۳۰۳ ، نسخه در ۱۳۰۲ نوشته شده است.

- ۱۱۵ - وقف آقا میرزا محمد خان فرخار پسر میرزا محمد حسن آشتیانی بر «آستانه فاطمه معصومه» در صفر ۱۳۰۵، نسخه به نسخ عبدالغفار پسر عبدالمجید آشتیانی است در ۲۳ ج ۲/۱۲۳۷
- ۱۱۶ - وقف فخر الدوله بنام صاحب قران فتح علی شاه در روز یکشنبه ۱۵ رجب ۱۳۰۵
- ۱۱۷ - به نسخ اسحاق بن محمد حسین میرزای قاجار در ۱۳۰۶ و وقف پدر او بر آستانه.
- ۱۱۸ - نسخه ای که به دستور امین السلطنه در ۱۳۰۸ تعمیر شده است.
- ۱۱۹ - وقف حاج احمد آقا پسر حاج ابراهیم در ۱۳۰۸، نوشته محمد علی بن محمد اسماعیل در همین سال.
- ۱۲۰ - وقف «بقعه حضرت معصومه» در ۱۳۱۱، به نسخ محمد مهدی شاگل است در ۵ شعبان ۱۲۴۳ با ترجمه فارسی.
- ۱۲۱ - وقف معاون السلطان در ۱۳۱۶
- ۱۲۲ - وقف نبات خانم در ۱۳۲۱، نسخه از سده ۱۱ و ۱۰ است.
- ۱۲۲ - وقف آقا سید عبدالرزاق خائف در ۱۳۲۳، نسخه نوشته پدر او است.
- ۱۲۳ - وقف حاج نایب الصدر رشتی در ۱۳۲۵
- ۱۲۴ - وقف مصطفی قلی خان محمد السلطان سرتیپ توپخانه و پیش خدمت حضور، در ۱۲۲۵ نسخه نوشته ۱۲۲۲ به نسخ میر محمد هاشم بن محمد صالح اصفهانی در ۱۲۰۱
- ۱۲۵ - وقف نوری شرف خانم شهیر به نبات خانم دختر محمد رضا خان قاجار قزوینی بر «روضه معصومه» در قم در ۲۷ ذح ۱۳۳۱
- ۱۲۶ - نسخ میرزا علی اکبر بناء یزدی در ۱۳۳۶ و وقف او در همین سال
- ۱۲۷ - وقف بانو سیمای قاجار در ۱۳۲۸ (ش ۶)
- ۱۲۸ - وقف حاج محمد حسین پسر کر بلائی حسین در ۱۳۲۸
- ۱۲۹ - وقف حاج سید محمد بلور فروش در ۱۳۳۹، نسخه رامحمد مهدی نراقی در ۱۲۷۰ نوشته است

- ۱۳۰ - وقف حاج علی اکبر یزدی در ۱۳۴۹
- ۱۳۱ - ملك الحاجيه دختر حاجی محمد ابراهيم ملك التجار بر «آستانه حضرت معصومه» در ۳ ذح ۱۳۵۱ (۱۰ فروردین ۳۱۲ خ) به نسخ سليمان موسوی است برای آقا محمد در ۲۷ ذق ۱۲۰۵
- ۱۳۲ - وقف سيد محمودین فخرالدین حسینی در صفر ۱۳۶۱
- ۱۳۳ - وقف آیدالله شهاب الدین مرعشی در ۲۲ ۱۳۶۲ بر آستانه، به نسخ محمدرضابن محمدتقی تبریزی است در ۱۱ ۴۷ در شاه جهان آباد
- ۱۳۴ - وقف فاطمه سلطان بیگم خواجویی در ۱۳۶۵
- ۱۳۴م - وقف فاطمه دختر میرفتاح ملایری در ۱۳۶۸
- ۱۳۵ - وقف محمدرضای بیلندی خراسانی در ۱۳۶۹، نسخه از سده دهم است با سجاوندی فارسی.
- ۱۳۶ - وقف مریم بیگم طاهری گرگانی در ۲۷ ج ۲/ ۱۳۷۹
- ۱۳۷ - وقف محمد کاظم رضوی، نسخه از سده هشتم است (ش ۵)
- ۱۳۸ - وقف ناصرالدین شاه (ش ۳۲۵)
- ۱۳۹ - وقف ناصرالدین شاه، نسخه به نسخ ابراهیم حسینی است (ش ۳۲۶)
- ۱۴۰ - وقف بهمن میرزا صاحب اختیار آذربایجان بر مقبره زن خود دختر محمد تقی میرزا (۴۳۵)
- ۱۴۱ - وقف حسین علی میرزا.
- ۱۴۲ - وقف میرزا علی اصغر خان اتابک بر مزار مادر خود.
- ۱۴۳ - وقف میرزا محمد علی خان امین السلطنه بر رواق آستانه، نسخه نویسی سید طاهر رضوی قمی است، اصل از سده ۹ و ۸
- ۱۴۴ - وقف محمدجعفر همشیره زاده امین الدوله میرزا محمدصادق، سی پاره است (۱۶۷)
- ۱۴۵ - وقف ملك زاده خانم، نسخه به نسخ عبدالله است.
- ۱۴۶ - وقف علی اکبر بهمن وبانوصغری، با ترجمه فارسی و به قطع بزرگ به وزن صدویست کیلو.
- ۱۴۷ - وقف فخرالسادات، نسخه از سده ۱۱ و ۱۲ است.

الطالب ص ۲۴۵ - جامع الانساب ص ۳۹).

پس او نخستین نقیب خواهد بود. ولی بیهقی مورخ می نویسد:

نخستین بار معتضد عباسی (۲۸۹-۲۸۹) رسم نقابت نهاده و پیشوای فرزندان پیامبر را معین نمود (لباب الانساب والقاب الاعقاب بیهقی، برگ ۱۶۷ نسخه عکس ش ۷-۳۱۳۶ از فیلم ش ۹۲۸ دانشگاه تهران از نسخه ش ۵۷۴۰ آستان قدس).

این نقیبان گویا شایسته ترن کسانی بوده اند که کار اوقاف و تولیت مزارات و آستانه ها با آنها بوده. چنانکه در آستان قدس رضوی گویا چنین بوده است (راهنمای تاریخ آستان قدس ص ۲۲۴). پس برای تساریخ متولیان آستانه قم هم باید به سراغ آنها رفت.

ابو عبدالله احمد پسر ابوعلی محمد اعرج پسر احمد بن موسی و برقع پس محمد جواد پسر علی رضا پس موسی کاظم از رضویان قم که در شوال ۳۱۱ از مادرزاده و در روز پنجشنبه روز دی مهرماه نیمه صفر سال ۳۵۷ در ۴۶ سالگی در گذشته است. پس از مرگ ابوالقاسم علوی به نقابت علویان در قم رسیده و رئیس و ارباب قم بوده و در املاک و اموال ارثی خود تصرف می کرده و مردی بخشنده و زاد و نزدیک به دلهای مردم بوده است. او را در مشهد محمد بن موسی بخاک سپرده اند. (تاریخ قم ص ۲۱۶ و ۲۱۸ و ۲۱۹ - فصول فخریه ابن عنبه ص ۱۲۶).

ابو محمد حسن بن ابی هاشم که از قم به بصره رفته بود معزالدوله او را نقیب سادات کرده بوده است و او در بصره در گذشته است. (تاریخ قم ص ۲۱۷).

ابوالحسن علی بن حمزه بن احمد الدخ در قم نقیب بوده است. همچنین ابوالقاسم علی بن محمد بن حمزه احمد الدخ نقابت قم داشته است. ابوالحسن علی الزکی این ابی الفضل محمد این ابی القاسم علی نقابت ری داشته و نقیبان ری و ملوک آنجا از فرزندان او هستند. از ایشان است عزالدین یحیی بن-

ابن الفضل محمد بن علی بن محمد بن السید المظهر ذی الفخرین العالم بالری ابن علی الزکی که نقیب ری و قم و آمل بوده و خوارزم شاه یا سلطان اعظم او را کشته است و سراو در «مشهد مظهر بنت الامام کاظم موسی بن جعفر» مدفون است. (فصول فخریه ص ۱۵۱- عمده الطالب ذریه النعمی بقم وری - تاریخ طبرستان ۱: ۱۱۵ و ۱۱۹ و ۲: ۹۱ و ۱۶۰ - تاریخ قم ناصر الشریعة ص ۱۲۴ و ۲۳۲- دیوان قوامی رازی ۲۱۲).

سید اجل ابوالقاسم علی بن السید الاجل العالم شرف الدوله والدين ملك اكابر النقباء محمد (که مادرش دختر عایشه خاتون دختر الب ارسلان محمد ابن جعفر بیک بن داود بن میکائیل بن سلجوق بن تلقاق بوده است و در ۵۰۴ متولد شده است) ابن عزالدین ابی القاسم علی (که مادرش از دختران نظام- الملک بوده است) ابن شرف الدین محمد بن المرتضی نقیب النقباء المظهور بن علی بن محمد بن علی رئیس النقیب بقم ابن محمد النقیب رئیس بقم ابن احمد المعروف بالدخ ابن محمد الغریق بن اسماعیل بن محمد الاوقظ بن عبدالله الباهر بن زین العابدین نقیب ری و قم بوده است و او برادر همان عزالدین یحیی است و بیهمتی قصیده ای در ستایش او دارد که برخی از اینها را در باب آورده است و میگوید که باخرزی در دمیه القصر از مرتضی ابوالحسن مظهر یاد کرده و گفته است که او را در سال ۴۳۴ در ری دیده ام (باب گ ۱۲۹ عکسی- دیوان قوامی رازی ۱۹۳).

بیهمتی باز رئیس قم ابو محمد حسن بن احمد بن محمد بن موسی بن محمد بن علی بن موسی الرضا یاد میکند (گ ۱۲۰) و از سید رئیس نقیب ذوالمجدین ابوالحسن موسی بن ابی الفتح سید الاشراف ذی المناقب عبیدالله بن موسی ابن احمد بن موسی بن محمد تقی بن علی الرضا بن موسی بن جعفر که نقیب قم و کاشان بوده است.

همچنین می نویسد که سنجر بن ملک شاه نقابت نیشابور را در ۵۲۸ به جلال الدین ابو منصور محمد و در ۵۴۸ به عماد الدوله والدين ملك النقباء ابوالحسن علی پسرش داده است. (گ ۹۷ و ۹۸)

تاج‌الدین ابوالفضل محمد بن مجدالدین حسین بن علی بن زید داعی
 آوهای راسلطان محمد خدا بنده (۷۰۲-۷۱۶) نقیب‌النقیباء عراق و خراسان و
 ری و فارس کرده بود و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی او را در روز
 دوشنبه ۱ ذیحجه ۷۱۱ کشته است. (عمده‌الطالب ص ۲۰۷ - فصول فخریه ص
 ۷ و ۱۸۹ - بدر فروزان ص ۷۶).

-۱۵-

چند نکته درباره تولیت و آستانه

تولیت آستان قدس رضوی و موقوفات آن تفویضی بوده که همواره
 پادشاهان آن را عهده‌دار بوده‌اند و شاید در آغاز نقیبان طوس و خراسان که
 از طرف پادشاه وقت معین میشده‌اند بکار تولیت می‌پرداخته‌اند.

در دیباچه جلد یکم و چهارم فهرست کتابخانه آستان قدس از متولیان
 آستانه گفتگویی شده و در راهنما یا تاریخ آستان قدس (ص ۲۲۴) و بدر-
 فروزان عباس فیضی قمی (ص ۴۴۳) تا اندازه‌ای بیشتر در این زمینه سخن
 رفته و به ترتیب تاریخ از متولیان اخیر از صفویان به بعد یاد گشته
 است.

تاریخ تولیت آستانه طوس از زمان شاه تهماسب تا شاه سلطان حسین
 تا اندازه‌ای روشن است و اگر متن وقف نامه‌های این آستانه به چاپ برسد و
 در دسترس محققان قرار گیرد شاید این مطلب روشن‌تر بود.

در آن دودمدرک آمده است که شاه عباس در ۱۰۳۱ میرزا ابوطالب رضوی
 را متولی کرد. این تولیت چند سالی در خاندان رضوی بوده است. در سال
 ۱۱۰۹ شاه سلطان حسین تولیت آنجا را به مستوفی خاصه خود میرزا داود
 مستوفی داده و تا دوازده سالی در دست او بوده و در ۱۱۲۲ ملک محمود

سیستانی آستانه را بگرفت و از ۱۱۳۵ زمان افغانها تا ۱۱۶۰ وضع آشفته بود. در این سال میرزا محمد ابراهیم متولی شده بود. در سال ۱۲۴۷ تولیت را بدحاجی میرزا جان برادر میرزا ابوالقاسم قائم مقام داده‌اند.

فرمان تولیت میرزا محمد حسین حسینی عضدالملک وزیر و نظایف و موقوفات مورخ صفر ۱۲۷۲ و از ناصرالدین شاه است که در صفر ۱۲۷۷ او را مستوفی دیوان و در ۱۲۷۹ عضو انجمن وزراء خود کرده بود (بررسیهای تاریخی ۵: ۵). او را در ۳-۱۲۸۲ برای بار دوم متولی کرده بوده‌اند.

دربور آل داود از محمد هاشم که آن را در ۱۲۱۸ ساخته است (ش ۳۸۱۵ کتابخانه ملک، فیلم ۲۶۴۸ دانشگاه) در این باره نکته‌های دیگری دیده میشود، او می‌نویسد:

میرزا محمد شفیع بن میرزا رحمة الله اصفهانی (اصفهان ۱۰۱۶- اصفهان ۱۰۹۵ در ۷۸ سال و چند ماه) را که خوشنویس و سیاق دان و منشی و معما شناس و مورخ هم بوده است و از او است «بحر الفوائد» ساخته ۱۰۷۱ و «نسب نامه» مستوفی کل موقوفات کرده‌اند تا سال ۱۰۷۱ و در ۱۰۸۲ بازم او را به همین کار گمارده‌اند (ک ۱۰).

میرزا سید مرتضی (سه شنبه ۲۹ رجب ۱۱۲۶ - سه شنبه ۲ ج ۱۲۰۸/۱) پسر میرزا محمد شفیع در گذشته ۱۱۶۰ نظارت موقوفات را داشته‌است مانند برادر خود میرزا زین العابدین در گذشته ۲۲ شعبان ۱۲۱۳ که وزیر موقوفات بوده‌است (ک ۲۵ و ۲۶).

این میرزا محمد شفیع پسر پری تسابیکم دختر بزرگ میرزا محمد داود و میرزا محمد مهدی عالی بوده است.

میرزا محمد داود حسینی صفوی از خاندان میربزرگ آملی (۱۰۶۵/۱۴۱۷-۱۱۲۷) به نجوم و هندسه و سیاق و شعر و معما آشنا بوده و متولی موقوفات و مستوفی خاصه (در ۱۱۰۹) و صدر الممالک شده و در ۱۱۱۰ تولیت آستانه رضوی را به او داده بودند.

پسرش میرزا عبدالله مصاحب پادشاه و در ۱۱۲۰ داماد او شده و

شوهر بانویبگم خواهر او گشته و پس از دومیمرحله از عمر در گذشته است.
پس از پدرش تولیت آستانه را به او داده‌اند (ص ۱۳).
میرزا محمد علی پسر دیگر میرزا محمد داود مدتی به نیابت پدر تولیت
آستانه رضوی را داشته است (ص ۲۲).

شاه سلیمان دوم میرسید محمد میرزا فرزند میرزا داود متولی (اصفهان
روز دوشنبه ۵ ج ۱۲۲۶/۲ - ۶ ذق ۱۱۷۶) مادرش شهربانو دختر شاه
سلیمان یکم در گذشته ۱ رمضان ۱۱۵۱ بوده است و امور شهر قم را بدست او
داده‌اند و شاه رخ او را به این شهر فرستاده بود که سدی بر روی رودخانه قم
ببندد. نادرشاه او را متولی آستان قدس کرد و شش سال این تولیت را داشته
است. عادل شاه هم او را متولی همین آستانه و صدر کل ممالک کرده بود.
(ص ۵۵ همان کتاب - مجمل التواریخ چاپ آقای مدرس ص ۳۷ و
۳۹۶). او داماد شاه سلطان حسین بوده و خراسانیان او را پس از شاه رخ میرزا
پسر نادر میرزا پادشاه خوانده بودند. او در ۱۱۶۱ و ۱۱۶۲ متولی
بوده است (راهنمای آستان قدس ۲۲۹).

سلطان میرزا داود میرزا پسر بزرگ همین شاه سلیمان دوم (۱۰ ذح
۱۱۴۱-۲۱ ع ۱۲۰۴/۲) در سال ۱۱۶۲ تولیت آستان رضوی را داشته
است (همانجا ص ۳۴ و ۴۶ و ۵۵).

در کتابه صندوق شاه عباس دوم چنین آمده است:

حمشید به اخلاص ز شاه اسلام چون منصب تولیت گرفت از انعام
طاهر به نیابتش مشرف چون شد صندوق به سرکاری او گشت تمام
....

از سیم و زر خزانه تحویلش داد با راستی این مزار را کرد تمام
~~*

بر مرقد پاک آن زبده ناس یعنی صفی ثانی افلاک اساس
صندوق چوساخت عقل تاریخش گشت صندوق مزار شاه عالم عباس
(۱۰۷۸)

(مختار البلاد ص ۱۰۵ - تاریخ قم ناصر الشریعة چاپ دوم ص ۹۵ -

راهنمای قم ص ۶۴)

امیر نظام الدین از نژاد میر بزرگ آملی به اصفهان رفته بود و سادات

مازندرانی آنجا از نسل اویند و از آنها است شجاع‌الدین محمود که خود دانشمندی بوده است و وقف‌نامه‌ای از او در دست است مورخ ۱۵ صفر ۹۸۳ که املاکی را بر عتبات وقف کرده است. گویاهمین موقوفات بوده که خانوادۀ خلیفه سلطان در دست داشته‌اند و ظل‌السلطان آنها از میان برده است (مقالات الحنفاء فی مقامات شمس‌العرفاء ص ۱۱۳). او پسر خلیفه سید علی خلیفه سلطان است. پسر شجاع‌الدین محمود میر رفیع‌الدین محمد صدر خلیفه اصفهانی است که پس از عزل قاضی‌خان سیفی حسینی قزوینی و درگذشت صدر قاضی سلطان تربتی متولی آستان رضوی که بجای او میرزا محسن رضوی داماد شاه‌عباس متولی آنجا شده بود در ۱۰۲۶ صدر شده و در ۱۰۳۴ در ری درگذشته و مؤلف رد شرعة التسمیة سید داماد است.

پس از رفیع‌الدین محمد اصفهانی یاد شده، میرزا رفیع‌الدین شهرستانی داماد شاه‌صدر شده بود. سلطان‌العلماء خلیفه سلطان پس از رفیع‌الدین محمد خلیفه اصفهانی داماد شاه است و در ۱۰۳۳ وزیر شده و منصب دیوان اعلی هم با او بوده است در همین سال. او در سال ۱۰۴۱ از وزارت و میرزا رفیع شهرستانی از صدارت معزول شدند و چهار پسر خلیفه سلطان اعتمادالدوله و دو پسر میرزا محسن رضوی داماد شاه‌عباس و یک پسر میرزا رضی صدر و داماد شاه‌عباس و سه پسر میرزا رفیع را هم کور کردند. پس از او وزارت به طالب‌خان پسر حاتم بیک داده شده است. خلیفه سلطان باز پس از کشته شدن میرزا تقی اعتمادالدوله سال ۱۰۵۵ دوباره وزیر اعظم شده و در سال ۱۰۶۴ درگذشته است.

میرزا رضی یاد شده پسر میرزا محمد تقی اصفهانی و داماد شاه‌عباس بوده و در ۱۰۳۶ در قم بھاك سپرده شده است. صدارت کل ممالک و توایت اوقاف سرکار خاصه چهارده معصوم و مہرداری توفیعات مبارکه حضرات مطہرات چهارده معصوم با او بوده و سپس به میر صدرالدین محمد نبیره دختری شاه رسید و چون او کوچک بود میرزا رفیع‌الدین پسر عم او از او نیابت میکرده است، تا اینکه خود او در این کار استقلال یافت.

۱- در تذکره نصرآبادی ص ۱۱۲ از آقارضی و پسرش میرزا محمد رضی وزیران قم یاد شده است.

مستوفی موقوفات چهارده معصوم را دختری بود که میرزا عنایت پسر میرزا مؤمن خوزانی محرر آن بوده است. (تاریخ عالم آرای ۹۲۸ و ۹۲۹ و ۱۰۱۳ و ۱۰۲۲-۱۰۴۰ و ۱۰۷۷ و ۱۰۸۹ تا ۱۰۹۱ - ذیل عالم آرای ۶ و ۸۹ و ۹۰ و ۲۵۹ - عباس نامه ۷ و ۶۵ و ۶۷ و ۶۸ و ۸۱ و ۹۱ و ۱۰۷ و ۱۱۱ و ۱۷۰ - وقایع السنین ۵۵۷ و ۵۶۲ و ۶۲۰ - تذکره نصرآبادی ۱۵ - زبدة التواریخ کمال منجم - تاریخچه اوقاف اصفهان ۳۸ و ۴۴).

میرزا شمس‌الدین محمد پسر میرزا محمد رضای شهرستانی نواده میرزا عنایت‌الله شهرستانی از پدر و دخترزاده نواب میرزا رفیع صدر پس از کوشش و خرج بسیاری توانست تصدی موقوفات آذربایجان را بگیرد، ولی هنوز بدانجا نرفته بود که دیگری بر بهای آن افزود و او معزول شد (تذکره نصرآبادی ص ۹۹).

در عالم آرای عباسی (ص ۱۲۳) آمده که «میرزا سیدحسین مجتهد جبل عاملی حسب‌الصلاح امراء به دولت خاند مبارکه آمده جسدمطهرش (شاه تهماسب) را به آیین شریعت غراء غسل داده» است. او را خاتم‌التمجهدین خوانده‌اند و کرکی بوده و دخترزاده شیخ علی عبدالعالی کرکی و در ۱۰۰۱ در گذشته است.

میرزا حبیب‌الله صدر پسر او پس از مرگ میرزا رفیع‌الدین محمد شهرستانی در ۱۰۴۲ به صدارت و شرع‌پروری رسیده و گویا متولی قم هم شده و در ۱۰۵۱ در گذشته است. پسر بزرگش میرزا محمد مهدی اعتماد الدوله پس از مرگ پدر در سال مرگ شاه صفی (روز دوشنبه ۱۲ صفر ۱۰۵۲) به صدارت رسیده و تولیت روضه معصومه با او بوده و با نعلش او به قم رفته و موقوفات مقرر شده است. همو در اودئیل ۱۰۷۲ وزیر اعظم شده بود و در تخاقوی نیل سال نهم پادشاهی عباس دوم معزول و در ۱۰۸۲ در گذشته است (دستور الملوك چاپ فنکارنده ص ۱۳۲ - عباس نامه ص ۱۴۳ و ۳۰۰ - ذیلی تاریخ عالم آرای ص ۹۱ و ۲۵۷ - وقایع السنین ص ۵۶۶ - تذکره نصرآبادی ص ۱۶ - ادبیات ۱: ۲۵۷).

[میرزا محمد مهدی پسر] همین میرزا حبیب‌الله صدر و صفی‌قلی بیگ

قورچی باشی و ملامحمد مقیم منجم برای نصب کردن صندوق و آب آش دادن در مزار شاه صفی به قم رفته بودند (زبدۃ التواریخ کمال منجم).

شاهزاده سلطانم همشیره شاه تهماسب و مشاور او در نیمه شب ۱۴ ج ۹۶۹/۱ در گذشته بود و میر تقی الدین محمد اصفهانی صدر و عماد الدین علی قاری استرآبادی معلم او و یوقلی بیک ذوالقدر ایشک آقاسی باشی بامیر محمدمهدی رضوی و میر سیدعلی رضوی متولی مشهد جنازه او را به قم برده و زیر پای حضرت معصومه به خاک سپرده اند.

سلطانم زنی دانشمند و باسواد بوده و ملکه زمان و بانوی دوران بشمار میآمده است. همیشه به کتاب مینگریست و در آغاز مقدمات صرف و نحو فرا گرفته و حکیم نورالدین کاشی کافی این حاجب را برای او به فارسی در آورده است. سپس به خواندن قرآن پرداخت و همان عمادالدین علی قاری استرآبادی را که در مشهد میزیسته بود آورده بودند که وی از او قرائت و تجوید بیاموزد. بسیار متعبد بود و برای آستانه‌ها وقفها کرد. همچنین برای چهارده معصوم که منافع این وقف به سادات برسد و تولیت آن پادشاه باشد. او نذر صاحب الزمان بوده و خودش هم برای او و امام رضا نذرها کرده بود.

گوهر سلطان خانم دختر شاه تهماسب و همسر سلطان ابراهیم میرزا در روز شنبه ۱۷ ع/۹۸۵ در گذشته و جنازه او را به قم برده در سردابه شاه زاده سلطانم زیر قبه معصومه به خاک سپرده اند.

شاه عباس شش دختر داشته است که چهار تنی از آنها زن متولی یا

-
- ۱- خلاصه التواریخ قاضی احمد حسینی میر منشی ابراهیمی قمی (فهرست فیلمها ص ۷۹ برگ ۱۶۴ و ۲۴۷ عکسی). در آن آمده که میر سیدعلی رضوی در ۹۷۵ از تولیت مشهد عزل و وزیر قزوین شده و پدر میر منشی هم درین سال وزیر مشهد شده بود. باز در آن یاد شده که سید تقیب شاه عنایت الله اصفهانی در ۹۸۵ به صدارت رسیده و در ترویج دین و نگاهداری اوقاف و توفیر آنها کوشیده است. در همین سال طاعون افتاده و مردم را به قم متوجه کردند و غیاث الدین محمد میرمیران یزدی را نیز گفته اند که در قم بماند (۲۴۸).

صدر شده بودند:

- ۱- شاعرزاده بیگم زن میرزا محسن متولی آستانه مشهد.
- ۲- زبیده بیگم زن عیسی خان بیک صفوی تورچی باشی.
- ۳- خان آغای بیگم زن سلطان العلماء.
- ۴- شهربانو بیگم زن میر عبدالعظیم مازندرانی خویش مادرشاه.
- ۵- ملک‌نسا خانم زن میرزا جلال پسر میرزا مؤمن شهرستانی متولی آستانه مشهد.

۶- حوا بیگم زن میرزا رضی شهرستانی صدر پسر زن میرزا رفیع شهرستانی برادرزاده اش (زندگانی شاه عباس فلسفی ۲: ۱۹۸ و ۳۹۶ - زبده التواریخ کمال منجم).

در کتاب عبدالعظیم الحسنی از عزیزالله عطاردی توچانی (ص ۲۹۵) آمده است که میرسیدحسین خاتم‌المجتهدین داماد محقق کرکی در ۹۳۶ زمان شاه‌تھماسب به ایران آمده و پادشاه تولیت آستانه قم و عبدالعظیم ری و شاه‌چراغ شیراز و شیخ صفی در اردبیل را بدو داده و اکنون تولیت آن بقعه‌ها در دست فرزندان او است.

در فرمان شاه‌عباس دوم مورخ ۱۰۶۶ درباره سیورغال امامزاده عبدالعظیم از تجویزی که میرزا محمد مهدی صدرممالک در این باره کرده است یاد شده است (آستانه ری ص ۹۷).

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

-۱۶-

رتال جامع علوم انسانی
فرمانهای نقابت و تولیت

مسأله شیخی و نقابت سادات و تولیت مدارس و آستانه‌ها چون جنبه عمومی دارند ناگزیر دستگاه‌های فرمانروائی و پادشاهان در آن ورود می‌کرده‌اند. تولیت را دو نوع گفته‌اند: یکی شرعی تابع نص و اتف، دومی تفویضی که گاهی به‌صدر خاصه یا عامه برگذار میشده‌است. درباره «آستانه

قم و صدر» در دستورالملوک رفیعا و تذکرهالملوک سمیعا شرحی آمده است (نیز جامع الانساب ۴۳ تا ۴۵). شواهد تاریخی در مورد تولیت تفویضی بسیار است:

۱- از آنهاست فرمانی که سلطان یعقوب آق قویونلو درباره تأیید تولیت موقوفات مدرسه منصوریه شیراز برای بانی و واقف آن که سید صدرالدین محمد دشتکی شیرازی باشد در ذق ۸۹۳ صادر کرده است (از سعدی تا جامی ۵۸۹ - فارسانمه ناصری ۱: ۸۱)

۲- سلطان صاحب قران میرزا سلطان احمد پسر از میرزا سلطان ابوسعید در گذشته ۸۷۳ مناصب شیخی و تولیت موقوفات خواجه عبدالله انصاری را به خواجه شمس الدین محمد مروارید (در گذشته ۱۰ ع ۱۸۷۶) داده بوده است (دستور الوزراء ص ۴۹۵).

۳- شاه تهماسب صفوی به سید زین العابدین مرعشی قوامی مازندرانی نزدیک سالهای ۹۳۲ تا ۹۳۸ تولیت امامزاده حسین بن سلطان علی بن موسی الرضا و نقابت اشراف داده و میخواست است او را به ایلچی گری نزد خواندگار به استنبول بفرستد. تولیت آنجا تاکنون در خاندان مرعشی است (مینودر ص ۶۶۴ از تذکره شاه تهماسب).

۴- نیز فرمانهایی از شاه عباس و شاه صفی در تاریخهای ۱۰۲۰ و ۱۰۴۹ درباره بقعه و آستانه و مزار سلطان نورالدین علی غازی علوی اردکانی در دست داریم که شمس الدین محمد و سید سراج الدین ابوعلان و سید جمال الدین محمود و پس از آنها میر محمد امین و میر روزبهان محمد علوی در آنجا تولیت و دخالت داشته اند. سندی هم مورخ ۸۷۶ درباره همین آستانه که در اردکان خمای جان (همایجان) شولستان است و فرمانی مورخ ۱۰۸۵ در دست هست (نشریه، ۵: ۲۸۰).

۵- رقم تولیت آستانه شاه صفی از شاه تهماسب بنام معین الدین اوحدی (ش ۳۸۴۶/۴۴ ملک ازسده ۱۱).

۶- پروانچه کلیدداری آستانه رضوی برای امیر نظام الدین قاضی عبدالله (۳۸۴۶/۱۱۷ ملک).

- ۷- رقم تولیت مزارکثیر الانوار صاحب قرانی برای مقصودبیک ناظر بیوتات (۲۳۶/۱۰۷) ملک برگ ۶۱ - فهرست فیلمها ص ۲۱۶ و ۲۲۸ در منشآت رشت و مجلس).
- ۸- رقم تولیت دیگر (۱۹۹/۲۲۶۱، ملک، گ ۱۱۰ ر).
- ۹- احمد بن محمد حسین متولی آستانه قم را می‌شناسیم که در قم در ۱۰ شعبان ۳۰۳ سفرنامه ناصر خسرو را نوشته است (ش ۱۲۱ ج ادبیات تهران ۱: ۳۰۴ فهرست).
- ۱۰- شاه سلطان حسین در ذح ۱۱۳۴ تولیت آستانه قم را به میرزا حسن نواده میرزا محمد مهدی وزیر سابق دیوان اعلی متولی سابق آستانه که اکثر اوقات تولیت مزبور با او و نیاکان و خویشان او بوده است با حق تأدیب کارکنان آستانه داده و به حکام فرموده که هیچ نوع مداخله در آنجا نکنند.
- ۱۱- شاه تهماسب دوم در ج ۱۱۴۲/۲ فرمان تولیت آستانه قم را صادر کرده بنام میرزا محمد رحیم پسر میرزا محمد مهدی.
- ۱۲- در رمضان ۱۱۲۹ فرمان تولیت آستانه قم برای میرزا سید حسن پسر میرزا محمد امین قاضی سابق اصنهان و نواده میرزا محمد مهدی وزیر سابق دیوان اعلی به تگارش درآمده است.
- ۱۳- فتح علی شاه قاجار در ذق ۱۲۴۷ تولیت آستانه قم را به میرزا محمد رضا داده است.
- ۱۴- در ج ۱۲۵۱/۱ سید محمد حسن و حاجی سید محمد خطیب از طرف میرزا محمد رضای متولی باشی نزد محمد شاه قاجار رفته‌اند با نامهای از او به پادشاه و با بارخانه گلاب و خربزه و صابون، و فرمانی از او به همین تاریخ از وی گرفته‌اند.

-۱۷-

چند نکته درباره تولیت و استیفاء آستانه قم
از روی نوشته‌های افضل‌الملک باچند فرمان

در سفرنامه قم چنین می‌نویسد (ص ۱۹۰):

«دیگر از معارف قم که در قید حیات هستند حاجی میرزا محمد حسین مستوفی و سررشته‌دار دفتر و محاسبه و موقوفات حضرت معصومه سلام‌الله علیها است و دوسر از چهار پسر او هم که میرزا زین‌العابدین و میرزا احمد خان منشی‌باشی و مستوفی است از معارف اعلی‌قم بوده، لکن جزو مهاجرین قم هستند که در طهران مشغول خدمت دیوانند و جهت برتر این دو نفر از سایر اخوان این است که مادر ایشان دختر مرحوم سیدالوزراء قائم مقام آقامیرزا ابوالقاسم صدراعظم ایران است؛ و خود حاجی میرزا محمد حسین پسر مرحوم میرزا محمد ابراهیم و او پسر مرحوم میرزا اسحق است که اینها در ولایت قم استیفاء و سررشته معاملات داشته‌اند. مرحوم میرزا محمد ابراهیم مستوفی پیشکار مرحوم آقامیرزا ابوالقاسم حکمران قم بوده است که آن میرزا ابوالقاسم سالها با صدر اصفهانی طرف مکابره بوده است و آخر از قم معزول شد. میرزا ابوالقاسم صاحب همان قنات خیر و عطاء است که در قم احداث کرده و شرح حال او در ضمن ذکر آن قنات درین کتاب مسطور خواهد شد. خلاصه میرزا محمد ابراهیم به پیشکاری میرزا ابوالقاسم حاکم قم سالها استقلال داشته است و احفاد و اولاد او را میدانیم، لکن از احفاد و اولاد میرزا اسحق پدر او اطلاعی نداریم، وما به طور سیاق احفاد و اولاد مرحوم میرزا محمد ابراهیم مستوفی پدر حاجی میرزا محمد حسین مستوفی سرکارات را که حالا از معارف حالیه قم است فهرست و صورتی نوشته بعد به طور معارف احفاد او را شرح میدهیم.

صورت اولاد مرحوم میرزا محمد ابراهیم مستوفی ابن میرزا اسحق از

این قرار است:

مرحوم میرزا علی رضای منشی که کتابه ضریح قم مطهر حضرت معصومه به خط او است و در قم کرده است.

مرحوم میرزا علی رضای خوشنویس که کتابه ضریح مطهر حضرت معصومه به خط او است و در قم کرده است.

مرحوم میرزا محمد رضی که یکنفر فرزند میرزا علی نام از او مانده فرزند دیگری داشته که چهارده سال قبل وفات کرده و میرزا ابوالحسن نام داشته است.

حاجی میرزا محمد حسین مستوفی سرکازات آستانه مقدسه که خود و اولادش جزو معارف قم هستند و حیات دارند، دو نفر:

مرحوم میرزا محمد صفی که آثاری از او نشنیدیم.

مرحوم میرزا احمد که جوان مرگ شد و از سفر عتبات واقعه ای برای او روداده است.

□ احفاد مرحوم میرزا محمد ابراهیم مستوفی که اولاد اولاد او هستند.

□ نسل مرحوم میرزا علی رضا ابن مرحوم میرزا علی رضا ابن مرحوم

میرزا محمد ابراهیم مستوفی:

مرحوم میرزا علی محمد وزیر قواب علیه عالیه قمر السلطنه که در سال

مجاعه در طهران مرحوم شد، نفر:

میرزا محمد تقی که الان در قم حاضرات و داعیه آن دارد که به استیفا

و سر رشته داری امور آستانه مقدسه مداخله نماید.

□ از نسل حاجی میرزا محمد حسین ابن مرحوم میرزا محمد ابراهیم مستوفی

که اولاد اولادند:

آقا میرزا اسدالله در تهران است به درست اندرون همایونی مستخدم

است.

آقا میرزا زین العابدین دخترزاده مرحوم قائم مقام در طهران است

سررشته دار دفتر کشوری که محاسبه همدان با اوست و با کار است و از معارف

قم محسوب است.

آقامیرزا احمدخان منشی باشی که امتیاز دیوان گرفته و بافرمان است و در اداره جناب علاءالسلطنه مشغول خدمت دیوان واز معارف قم است.

آقامیرزا محمود درقم است و سررشته دار امور صحن جدید آستانه است که ازطرف حضرت وزیر اعظم آقای امین السلطان موظف است.

□ خلاصه دراین شجره درمیان اشخاصی که حیات دارند سه نفرشان از معارف و محترم قم محسوب میشوند که باید جداگانه شرح آنها را بنویسم: یکی حاجی میرزا محمدحسین مستوفی سرکرات آستانه است که درقم است و دیگر دو نفر اولاد او آقامیرزا زین العابدین و آقا میرزا احمدخان منشی باشی است که درطهرانند. شرح هر یک از این قرار است:

اما حاجی میرزا محمدحسین مستوفی سرکار فیض آثار حضرت معصومه قم سلام الله علیها با فطرت پاک و طوبیت نیک و نیت خیر حواله و اطلاق موجب و جیره خدام و سرکشیکان آستانه مقدسه به قلم او است. ثبت اجاره و استجاره موقوفه کلا و طرا با او است. علم سیاق را نیکو ماهر است. در جوانی بلکه درعین شیخوخت بسیار نیکو می نوشته است. صفحات خطوط او ممتاز است از اولاد میرزا ابراهیم مستوفی که سابقاً ذکر شد این یک تن بسیار کامل و عاقل است و کنون به واسطه شیخوخت کمتر به آمد و شد می پردازند. باین جهت ما به خصوصیات و شخصیات او بیش از این مطلع نشدیم.

اما از پسران او آقامیرزا زین العابدین و آقامیرزا احمدخان منشی- باشی است که از معارف قم محسوب میشوند. این دو تن از سایر اولاد ممتازند از آنکه والده ایشان عفت مطلقه حاجیه زهرا خانم بنت مرحوم سیدالوزراء آقامیرزا ابوالقاسم قائم مقام است که هنوز حیات دارند. مشارالیهما در معارف قم بودند، لکن جزو مهاجرینند که درطهران مشغول انجام خدمات دیوانند. آقامیرزا زین العابدین سررشته دار کتابچه دستورالعمل و محاسبه همدان است. مردی است جد و محترم و اهل ادب و انسانیت و باعلو طبع. در فن سیاق و محاسبه میرزائی کامل و محاسبی ماهر است. خط را نیکو نویسد. در انشاء

چندان مدی ندارد به عزت و خوشی گذران میکند و استحقاق او در ارتقاء به مناصب بسیار است، لکن خود او کوتاهی میکند و به کیفیت آسایش و فارغ بالی مایل است. با سوادست که چند در عبارت عربیه عاجز نیست، بلکه عبارات را بدون اعتراب صحیح میخواند. از جانب والده ماجده خود به کارهای موقوفه قایم مقامی رسیدگی کرده حاصل املاک را به مصارف خیریه میرساند. تولیت املاک موقوفه قایم مقامی و آن طایفه که در تبریز و غیرها است با والده ایشان است و آقامیرزا زین العابدین به این کارها رسیدگی میکند، اگر چه از احفاد و نتایج قایم مقام اولاد ذکور قابل بسیار است لکن چون تولیت این موقوفات مخصوص به طبقه اولی از اولاد قایم مقام است، لهذا به نتایج که ذکور هم باشد تعلق نخواهد یافت. شرح موقوفات قایم مقامی را اگر چه تحصیل وثیت املاک آنرا داریم لکن نوشتن آنها درین جا مناسبی ندارد و همین قدر که باید نوشته شود اشاره بدان شد.

دیگر از معارف قم میرزا احمدخان بن حاجی میرزا محمدحسین مستوفی سرکارات ابن مرحوم میرزا ابراهیم مستوفی ابن میرزا اسحق قمی است. مشارالیه اخوی کوچک تر از میرزا زین العابدین مذکور است که والده هردو علیاربت حاجیه زهراخانم بنت مرحوم سیدالوزراء قایم مقام است، یعنی آقامیرزا ابوالقاسم صدراعظم ایران ابن مرحوم میرزا بزرگ ابن قایم مقام اول ابن مرحوم میرزا حسین که سلسله نسب ایشان به حضرت سیدسجاد علیه السلام منتهی میشود.

میرزا احمدخان مذکور هم در طهران است و منشی باشی جناب آقامیرزا احمدخان علاءالدوله ابن مرحوم محمد رحیم خان علاءالدوله امیر نظام است. در آن دستگاه پیشکار و از همه اولیت و اولویت دارد. در سنه لوی فیل که همین سال باشد بهرتبه استیفاء سیم دیوان فائل شد و فرمان همایونی درباره اش صادر گشت. شخصی است کافی وافی هنرمند و محبوب در کمال معقولیت و انسانیت است. درستکاری و متانت و حسن خدمت و ملائمت طبع و سلیقه و کرامت از صفات او است. میانه روی را که شرط عقل است از دست نداده است. در نهایت خوبی تحریر کند و خطرا نیکو نویسد. به شیوه جناب مستطاب آقامیرزا علی خان امین الدوله تحریرات دلپذیر دارد. مراسلات او به واسطه

خوبی املاء و حسن انشاء مثل سایر مراسلات منشیان دیگر دور افتادنی نیست. منشیان عصر که به لسان عوام و کلمات غلط مطلب نگاری می نمایند نوشتجاتشان بعد از خواندن ضبط هیچ کتابخانه ای نمی شود و به دکه عطاری می برند یا آنکه پاره میکنند.

اما مراسلات این شخص محترم بهر کسی برود دور نمی افتد و جهت آنست که مواد دارد و اطلاع از نکات و اصطلاحات علوم و تواریخ داشته يك نکته ظریفی بکار میرود و در رعایت سلامت حسن عبارتی به میان می آورد؛ کنایه خوب یا صراحت مرغوب یا مثل مناسبی ذکر میکنند که باعث اهتزاز خاطر میشود. در طهران لامحاله پنج هزار نفر که خود را منشی قرار داده اند ولی در میان آنها سی نفر پیدا نمی شود که در جمیع شرایط انشاء و از این هر قبیل نوشتجات کامل و ماهر باشند، بلکه دوسه نفر بیش نیستند. از این طبقه اعلی که بگذریم در طبقه ثانیه آنها را که بنگریم بیست نفر پیدا میشود که دلربایی میکنند و انشاء شیوا دارند و از روی بصیرت و علم پلایطیک چیزهایی می نگارند که در همه جا مستحسن است و آقا میرزا احمد خان در این طبقه ثانیه الحق منشی کامل و نویسنده ای فاضل است که ممدوح زمان و مشارالیه بالبنان است. از این دو طبقه که بگذریم دیگر سایرین همه در طهران و سایر ممالک ایران کاتب می باشند نه منشی که عیناً با کلمات غلط و الفاظ عامیانه و جملات غیر مربوط که جزاء بر شرط مقدم شده است چیزی می نویسد که تکذیب آن هم قابل ذکر نیست، چه رسد به تعریف آن که ابداً لایق دیدن نیستند.

ناظر این اوراق محتمل است که از این عبارات ما تعجب کنند و طالب باشند که شرط منشی و انشاء را بدانند. این مطلب شرح جداگانه میخواهد. اگر در یکی از موارد درین کتاب مقتضی شد ما لایحه ای در باب انشاء و کمال منشی می نگاریم که هر کاتبی و خطاطی بلکه هر نقاشی در دستگاه صدارت یا ایالت یا وزارت خود را منشی باشی نخواند و «کیادبیر» نداند و خود را بشناسد.

خلاصه با این قیودی که ما در شرایط کمال منشی میدانیم از روی جد میگوئیم که میرزا احمدخان منشی یکی از منشیان صحیح این دوره است که برده پانزده هزار نفر منشیان ممالک ایران ترجیح دارد و در ایران معدودی هستند که از او کامل تر باشند. میرزا احمد خان مذکور را در طهران اگر چه يك دوبار دیده‌ام و مجاورت و کمالاتش را پسندیده‌ام لکن اعتماد و اعتقاد ما بیشتر به ایشان توصیفات میرزا غلام حسین خان ادیب است که کراراً او را ستوده‌اند و از هنرهای او حیرت نموده است و میرزا غلام حسین خان مذکور کسی است که ما او را می‌شناسیم که در این دوره به انشاء اهدی جز چند نفر معتقد نیست و سایرین را کاتب میخواند و منشآت او در کتابی مدونی است که دلیل بر صدق ادعای او است.

خلاصه میرزا احمد خان منشی قابل و مؤلف کامل است. کتابی در اصول دین و اثبات اصول خمس نگاشته است که دلایل عقلی و نقلی ذکر نموده است و آن کتاب را به اسم سامی جناب مستطاب امین السلطان وزیر اعظم دامت شوکتہ موشح ساخته است که کمال امتیاز را دارد و آن کتاب را به «کلمة الاخلاص» موسوم نموده است و میرزا غلام حسین خان ادیب در ماده تاریخ آن کتاب و تعریف وی اشعاری به عربی سروده است که در آنجا ضبط شده و در این اوراق نگاشته میشود و آن اشعار از قرار ذیل است:

و مثلہ فی عصرنا لا یوجد	هذا کتاب جامع المحاسن
بحر و قیہ لؤلؤ منضد	کانہ و ماء حسنہ جری
اعجزنا فانہ محمد	و احمد المنشی لدی تألیفہ
فالسحر کالاعجاز کان یحمد	قد جاء بالسحر الحلال معجزا
باسم الوزير الاعظم المصمد	نمق تألیفاً و قدزینہ
یحکیمہ فی فوق المعالی فرقد	علی الاصغر و هواکبر
و فی القلوب منہ حب سرمد	و فی الصدور ذلک صدر اعظم
مؤید مؤید مسدد	نال العلی کانہ من ربہ

امین سلطان عظیم شأنه	اجل من مدحی او من ان یحمد
شمس الملوك الغرذی شرافة	والشمس فی اقل العلی لاتجد
ناصر دین الله من ذاعمره	مطول و ملكه مغلد
فذاك تألیف فی عصره	فباسمه طول المدى مؤبد
باسم الكتب قلت فی تاریخه	بكلمة الاخلاص جاوا احمد

(۱۳۰۳)

۱- نسخه بدل صحیح: جل عن اوصافنا، صحیح

۲- اشاره به وزیر مذکور یعنی امین السلطان است، علی اصغر خان است.

۳- قوله من ان یحمد ناگزیریم از آنکه «ان» را مخففه گیریم تا رفع «یحمد» را توجیهی شود... حاشیه ایست از میرزای رحمت شیرازی و به خط او که در هاشم آمده است. در حاشیه دیگر آمده که این یکی به خط او است و او فرزند وصال است. او بر این کتاب شرحها نگاشته است و من سرگذشت او را در کتابی که اشعار خود را در آن گردآورده ام یاد کرده ام. با امضای غلام حسین ادیب افضل الملك ۱۳۳۲(?) . در همین جا آمده که این کتاب را میرزا غلام حسین خان ادیب مستوفی بنام اسدالله میرزا با برادران قرار داده است.

حاشیه خط مستطاب وحیدالعصر میرزای رحمت که در شیراز امیرزادگان عظام که این تاریخ را میرزا غلام حسین خان ادیب مستوفی نوشته و به اسم اسدالله میرزا و ما برادران قرار داده است، لهذا ایشان که از اولاد وصال علیه الرحمة هستند در حواشی این کتاب شرحها نگاشته اند و من شرح حال ایشان را در کتابی که اشعار خود را جمع کرده ام مفصلاً نگاشته ام. غلام حسین ادیب افضل الملك ۱۳۳۲.

این مصرع از اوصاف شاه است همان سلطان عظیم الشأن که در شعر ذکر شده است و سه بیت بعد هم راجع به مدح است.

- «طول المدى» یعنی طول مدت و طول زمان

و نیز در ماده تاریخ این کتاب مسمی به کلمه الاخلاص اشعاری غیر از این انشاء کرده که قوافی آن مجرور است و محض زیادتی توضیح نوشته میشود:

هَذَا كِتَابٌ جَامِعٌ يَلِيْقُ اَنْ وَ اَحْمَدُ الْمُنْشِئُ لِدَى تَأْلِيْفِهِ قَدْ جَاءَ بِالسَّحْرِ الْحَلَالِ اَحْمَدُ نَعْمَقُ تَأْلِيْفًا وَ قَدْ زَيَّنَهُ عَلَى الْاَصْفَرِ وَ هُوَ الْاَكْبَرُ اَمِيْنُ سُلْطَانِ مَمْلَكَةِ عَادِلٍ وَ بِاسْمِهِ قَدْ قَلْتُ فِى تَارِيْخِهِ نَسْخَهُ بَدَلًا:	نبتاعها بالسؤلؤ المنضد بابن العميد الحبركان يقتدى و انما الاعجازمن محمد باسم الوزير الاعظم المصمد ذى المرتبة العليا فوق الفرقد ناصر دين الله ذى التجلد كلمة الاخلاص حب احمد ^۲ (۱۳۰۶)
--	---

باسم الكتاب قلت فى تاريخه
این شعر اخیر نسخه بدل شعر پیش از آن است و شعر قبل بهتر است
و ضمیری که در کلمه «و باسمه» است که راجع به کتاب موسوم به «کلمه
الاخلاص» است که به مناسبت اصول دین به این اسم نامیده شده است و
ممکن است که ضمیر «و باسمه» راجع به مؤلف باشد که اسم او «احمد»
است و در شعر ماده تاریخ اسم کتاب و مؤلف بیان شده است، چنانکه گوید:
و باسمه قد قلت فى تاريخه
و در شعر ماده تاریخ اشعار مرفوعه هم که بدو ذکر شد همین نکته
مندرج است که دارای اسم کتاب و اسم مؤلف است، چنانکه گفته است:
باسم الكتاب قلت فى تاريخه
این هر دو اشعار که قافیه‌شان مرفوع و مجرور است میرزا غلام
حسین خان ادیب انشاء نموده است که هر دو را بیک مضمون ساخته است
ولى نمیدانم که تکرار آن در دو ماده تاریخ چه جهت دارد؟
محمتم است که هر دو طور را ساخته تا هر يك را که مؤلف کتاب

- ۱- ابن عمید یکی از منشیان کامل عرب است که جز عبدالحمید نظیری نداشته و در ابن خلکان شرح حال آنها مسطور است.
- ۲- چون از ابتدای تألیف کلمه الاخلاص و اتمام آن سه سال فاصله است، لهذا سه ماده تاریخ دو اشعار ماده تاریخ تفاوت دارد.

بخواهد انتخاب و در خوبی تألیف خود استشهاد جوید و یک ماده تاریخ را به جهت شروع تألیف کتاب کلمة الاخلاص ساخته است که شش هزار و سیصد و سه است و اشعار ماده تاریخ بعد را به جهت اتمام همان کتاب انشاء نموده است که مطابق سنه هزار و سیصد و شش است.

حاصل آنکه آقا میرزا احمدخان سرآمد اقران است. خط نسخ را نیکو نویسد و صحیفه و قرآن ممتازی نگاشته است. از علم سباق و محاسبه هم بهره‌ای وافی دارد. تقریباً سی و شش سال از عمر او بیشتر نگذشته است. همین قدر که ما را با او آشنایی بود و از حال او اطلاع داشتیم نگاشتیم (ص ۲۰۲)

(ص ۲۰۴) دیگر از نجباء و معارف صحیحه قم جناب سلاله السادات العظام

حاجی میرزا تقی ابن مرحوم آقا سید جعفر پسر مرحوم حاجی سید حسین پسر آقا سید جعفر بزرگ پسر حاجی سید حسین که نسب بلند ایشان به رشید الاسلام پسر سلطان احمد منتهی شده و از او به واسطه چند پشت به موسی مبرقع معروف میرسد که از اولاد حضرت جواد علیه السلام میباشد. عیال جناب حاجی میرزا تقی هم که مخدره کبری و محجوبه عظمی است رقیه سلطان خانم بنت مرحوم میرزا اسدالله و الدمه میرزا سید احمد مجتهد معاصر مرحوم میرور میرزای قمی اعلی الله مقامه صاحب قوانین است، و میرزا سید احمد مجتهد ولد مرحوم میرزا یحیی مجتهد متولی شرعی آستانه مبارکه قم و او ولد مرحوم میرزا سید احمد مجتهد متولی شرعی آستانه مقدسه و مسجد امام حسن واقعه در قم است، و این میرزا سید احمد ولد میرزا یحیی ابن رشید الاسلام ابن سلطان احمد معروف به سید نظام الدین است، و سید نظام الدین برادر سید کمال الدین است که نسب این دو برادر به موسی مبرقع میرسد. اولاد سید کمال الدین مقطوع شده لکن اولاد سید نظام الدین تا کنون هستند.

که این مخدره یعنی رقیه سلطان خانم عیال جناب سلاله السادات حاجی میرزا تقی از نسل سید نظام الدین هستند. نسب حاجی میرزا تقی و عیال خود به چند واسطه آخر منتهی به یک پدر میشود که همه به سید نظام الدین اتصال میجویند. از سلطان عظیم الشان جهان شاه ترکمان و یعقوب بهادر ابوالمظفر

و نیز از سلاطین صفویه چه فرمانهای مفصل درباره اجداد حاجی میرزا تقی و عیال او صادر شده است که باعث هزار گونه افتخار است و آن فرمانهای گرانبها کنون به دست حاجی میرزا تقی موجود است که به خط تعلیق و ثلث و رقاع نگاشته شده است. در حق سید کمال الدین و سید نظام الدین که از اجداد حاجی میرزا تقی و عیال او میباشد فرمانی است که تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه قم سلام الله علیها و مسجد و مشهد امامزاده بلوک اردهال از توابع قم را داشته اند. و کنون حاجی میرزا تقی و پدر و جد و پدر و جد دیگر او از تولیت شرعی و عرفی خارجی میباشند. و تولیت آستانه مقدسه قم کنون به دست جناب مستطاب آقا سید حسین متولی باشی پسر مرحوم میرزا محمد رضای متولی پسر مرحوم میرزا اسدالله متولی برادر میرزا مهدی پسر میرزا خلیل است.

و جهت اینکه تولیت از آباء و اجداد حاجی میرزا تقی منتزع شده و به آباء و اجداد جناب مستطاب آقا سید حسین متولی باشی حالیه رسیده است. این است که اجداد جناب مستطاب متولی باشی حالیه قم که جد میرزا خلیل بوده است یا جنازه و نعش سلاطین صفویه از اصفهان به قم میآید که سلطان صفوی را در این آستانه مقدسه دفن کند و به تولیت مقبره سلطان صفوی باقی باشد و موقوفات مقبره صفویه را به مصارف خود رساند. چون چندی در این جامی ماند نفوذی پیدا میکند. البته کسی که از سلاطین صفویه به این شهر بیاید و متولی قبور آباء ایشان باشد مرجع اهالی این بلد میگردد و هر هفته و ماه به دولت صفویه کاغذها می نویسد و اطلاعات میدهد و خواهشها میکند.

خلاصه چون جد میرزا خلیل که اسم او را نمی دانیم در این شهر آمد و متولی مقبره سلطان صفوی بود به خیال آن افتاد که تولیت آستانه مقدسه معصومه سلام الله علیها را هم تصرف کند، لهذا به اصفهان شرحها نوشت و اغتشاشات امور آستانه و بی نظمی موقوفات را نگاشت تا آنکه از جانب سلاطین صفویه فرمان تولیت عرفی برای او رسید که در موقوفات و اعمال آستانه قم رسیدگی نمایند و متولی باشند و چنان مقرر شد که اجداد حاجی

میرزا تقی متولی شرعی باشند واجداد جناب مستطاب آقا سیدحسین متولی باشی حایه متولی عرفی ودولتی باشند که انتظام امور آستانه مبارکه با آنها باشد. رفته رفته آباء واجداد حاجی میرزا تقی به کلی ضعیف شدند و انبازان تازه قوی گشتند. چون صفویه منقرض شدند افشاریه و زندیه و قاجاریه هم ترتیب صفویه را بهم نزده تا در عهد خاقان مغفور فتح علی شاه طاب ثراه تولیت عرفی آستانه مقدسه با میرزا اسدالله ابن میرزا خلیل الله جد متولی باشی حایه بود که انتظام امور میداد و تولیت شرعی آستانه مقدسه و مسجد امام بامیرزا یحیی مجتهد ولد میرزا سید احمد بود که حاجی میرزا تقی و عیال او از همان سلاله و سليله هستند. بعد از آن کار بجایی کشید که تولیت شرعی هم از این طایفه زایل شد و رفته رفته ضعیف شدند که حاجی میرزا تقی و پدر زوجه او او به هیچ وجه متصرف در امور نبودند و کنون هم حاجی میرزا تقی مداخله ندارد، جز آنکه از خدام عالی مقام آستانه مقدسه میباشد و آقا سیدحسین متولی باشی و کسان او در کمال اقتدار هستند، حاجی میرزا تقی کنون با این همه شرافت نسب روزگاری پریشان و سری بی سامان دارد. از نجبا و معارف قم اسم اجداد هیچ يك از آنها را تا پنج نفر یعنی تا پنج پشت نتوانستم معلوم کنم. اما نسب حاجی میرزا تقی که به موسی مبرقع میرسد همه پشت پشت معلوم و اسم آنها معین و رسم آنها مبرهن است «ورث السیاده کابر آعن کابر». فرمانهای متعدده که هر يك جواهری^۲ ارزنده است با او است که با تقریر واذعان اهالی قم همه حاکی از نجات حاجی میرزا تقی است که باید در حق او این مصرع «اثر النجابه ساطع البرهان» با این شرافت به سختی گذران میکند و بعضی املاک او از دست رفته و چندین سال است که با این ضعف حال با جناب مستطاب آقا سید حسین متولی باشی زد و خورد دارد به حکومت

۱- انبازان شریکان و هم کاران باشند.

۲- جواهر جمع جوهر است بایاء وحدت سازگار نیست وصفت هر يك نمیشود خصوص با «است» رابطه که علامت مفرد است مثل اینست که بگویند: اشخاص فلان طایفه هر يك مردمانی خوب است. رحمت

قم و به اماناء طهران عارض میشود و کاری از پیش نمی برد. فقر و مسکنت او با غنا و ثروت متولی باشی مانع است که این سید محترم با وضع مختصر بجای راه یابد و کسی طرف او را گرفته و حشمت معولی باشی را فرو گذارد. سالها است که به طهران میرود و کاری از پیش نمی برد. کاش کسی به حال این عالی مقام که از روی صحت و شجره درست نسب شریفش منتهی به حضرت جواد علیه السلام است آگاه میشد و اگر قدرتی میداشت احقاق حق او میکرد یا به او وظیفه و مستمری قابل میداد که او را مادام الحیات از هر چیز آسوده سازد. حاجی میرزا تقی برادر زاده ای دارد آقا سید محمد علی نام که درسک خدام حضرت معصومه سلام الله علیها است و اسامی پسران حاجی میرزا تقی هم از این قرار است که نوشته میشود: آقا سید ذبیح الله و آقا احمد و آقا علی محمد و آقا مهدی و آقا طاها است.

فرامینی که از سلاطین ترکمانیه که قبل از صفویه در ایران سلطنت داشته اند درباره سید احمد نظام الدین از اجداد حاجی میرزا تقی و اعیال او صادر شده است در این عصر دیده شد به طور طومار، آن فرمان هارا به خط تعلیق نوشته اند و هر یک به مهر جهان شاه و حسن بیگ ترکمان و معتوب شاه مهمور است و در طبق هم از سلاطین صفویه باز فرمانهای خوبی به دست حاجی میرزا تقی است که هر یک جوهری گران بها و از انتیقه های خوب دنیا است چشم در تماشای آنها خیره میشد و ما هر قدر مجال داشته باشیم ثبت آنها برداشته در این جا به ترتیب می نگاریم.

سواد فرمان اول که از طرف جهان شاه صادر شده و پایین آن به مهر

مدور آن پادشاه مهمور است از قرار ذیل است:

هو الفنی^۱

بالقدرة الكاملة الاحدية

والقوما الشاملة الاحدية^۲ابوالمظفر جهان‌شاه بهادر سوزمیز^۳

بر مقتضی کلام ربانی و تنزیل سبحانی عز و جل حیث قال «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربى» و فحوى حدیث سیدرسل و هادی سبیل «ترکت فیکم الثقلین: کتاب الله و عترتی» تعظیم و اکرام و توقیر و احترام سادات عظام که نور حدیقه «لولاک» و نور حدیقه «وما ارسلناک» اند موجب فوز و نجات دارین و سبب رفع درجات منزلتین تواند بود خاصه با طایفه‌ای که صیت طهارت نسب ایشان در اقطار و اکناف بل «من القاف الی القاف» چون نور خورشید عالم گیر و در بسیط غرباء و در زبان صغیر و کبیر است و صحت انتساب سادات رضویه با حضرت سید کونین و خواجه ثقلین «محمد الامی العربی الهاشمی الابطاحی علیه من

۱- آغاز و انجام این فرمان در کتاب «از سندی تا جامی» (ص ۵۶۸) عکسی و حروفی آمده و در آنجا گفته شده که اصل این فرمان نزد آقای محمد جهان شاهی است و در این سفرنامه (ص ۲۰۶) یاد شده است که در آغاز سده ۱۴ این فرمانها در دست حاجی میرزا تقی رضوی قمی بوده است.

۲- چنین خوانده شده تا یکی از این «احدیه» «اوحدیه» بوده است و کنون «او» آن در فرمان حک شده باشد و شاید که یکی از آنها «احدیه» و یکی دیگر «ابدیه» بوده است. و الله اعلم.

۳- «سوزمیز» لفظ ترکی است و در فرمانهای آنها این لفظ را که به معنی «فرمایش» است نوشته اند، مثل این است که حالا ما می نویسیم «فرمان همایون شد» یا «حکم والا شد»، «سوزمیز» هم از این قبیل است.

هو الغنی^۱

بالقدرة الكاملة الاحدية

والقوة الشاملة الاحدية^۲ابوالمظفر جهانشاه بهادر سوزمیز^۳

بر مقتضی کلام ربانی و تنزیل سبحانی عز و جل حیث قال «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربى» و فحوى حدیث سیدرسل و هادی سبل «ترکت فیکم الثقلین: کتاب الله و عترتسى» تعظیم و اکرام و توقیر و احترام سادات عظام که نور حدیقه «لولاك» و نور حدیقه «وما ارسلناك» اند موجب فوز و نجات دارین و سبب رفع درجات منزلتین تواند بود خاصه با طایفه ای که صیت طهارت نسب ایشان در اقطار و اکناف بل «من القاف الى القاف» چون نور خورشید عالم گیر و در بسیط غبراء و در زبان صغیر و کبیر است و صحت انتساب سادات رضویه با حضرت سید کونین و خواجه ثقلین «محمد الامی العربی الهاشمی الابطحی علیه من

۱- آغاز و انجام این فرمان در کتاب «از سمدی تا جامی» (ص ۵۶۸) عکس و حروفی آمده و در آنجا گفته شده که اصل این فرمان نزد آقای محمد جهان شاهی است و در این سفرنامه (ص ۲۰۶) یاد شده است که در آغاز سده ۱۴ این فرمانها در دست حاجی میرزا تقی رضوی قمی بوده است.

۲- چنین خوانده شده تا یکی از این «احدیه» «اوحدیه» بوده است و کتون «وار» آن در فرمان حله شده باشد و شاید که یکی از آنها «احدیه» و یکی دیگر «ابدیه» بوده است. والله اعلم.

۳- «سوزمیز» لفظ ترکی است و در فرمانهای آنها این لفظ را که به معنی «فرمایش» است نوشته اند، مثل این است که حالا ما می نویسیم «فرمان همایون شد» یا «حکم والا شد»، «سوزمیز» هم از این قبیل است.

الصلوات افضلها و من التحية اكملها ما خطب عنادل الاخطاب على رؤوس
 منابر الاشجار وضحك من بكاء السحاب مباسم الانوار والازهار و ازغایت
 طهور و وضوح از شرح مستغنی است هر آینه در اعلاء منزلت و ارتقاء
 مرتبت و اسعاف مطالب و انجاح مآرب این خانواده مبارک بروجی التفات
 باید نمود که شایسته دولت قاهره باشد ولله الحمد والمنة که از ابتداء
 طلوع آفتاب جهانگشایی و ظهور تباشیر صبح فرمائروایی که مفاتیح ابواب
 خیر و شر و مقالید امور نفع و ضرر به قبه اقتدار ما بار دادماند دقایق
 اعزاز و احترام ایشان مهمل نگذاشته ایم و همت بر حصول مقاصدشان
 مصروف داشته. مقصود از ترتیب این مقدمات و غرض از ترکیب چنین
 کلمات آنکه چون سیادت مآب نقابت قباب مرتضی^۱ اعظم اکرم ملک السیادة
 و النقیاء اعتضاد آل عبا سلیل الامام علی بن موسی الرضا علیه السلام السید
 الامجد نظام الدین احمد ادام الله نقابته و سیادته، احکام سلاطین
 ماضیه خصوصاً خاقان سعیدشاهرخ میرزا که به امضاء نشان سلطان مرحوم
 مبرور امیر تیمور گورکان نافذ شده مشتمل بر اینکه از قدیم الایام الی
 یومنا هذا منصب نقابت و تقدم سادات و تولیت اوقاف روضه منوره و
 تربت مقدسه امامزاده معصومه بنت الامام سنی^۲ فاطمه علیها و علی آبائها
 التحية والسلام به آباء عظام و اجداد کرام جناب مشارالیه مداخلت و
 شراکت غیر مفوض بوده و هر يك از ایشان که بر مصداق و کل شیء هالك الا

۱- «مرتضی» در قدیم یکی میگفتند که مثل «سید اجل» است که حالا
 میگویند و دوفرا «مرتضیان» می گفتند.

۲- «سنی» بمعنی «خانم» است و مخفف «سیدتی» میباشد عربی است.

وجهه، به جوار رحمت حق پیوسته اند نوبت تقادرات شغل عظیم ایشان به اولادشان بلا مشارکت منتهی شده به عرض همایون رسانید و التماس اعضاء کرد. چون استحقاق و استیصال جناب مومی الیه «اظهر من الشمس وایین من الامس» است ملتتمس او مبذول داشته به مقتضی «ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها» رجوع این امر خطیر بلا مشارکت غیرى بدو تفویض فرمودیم و براو ارزانی داشتیم تا چنانچه از فرط و شرط پرهیزگاری او سزده به وظائف آن «کما ینبغی» قیام نموده محصول موقوفات را به موجب شرع و شروط واقف به مصرف وجوب رساند و رقبات را معمور داشته در رواج و رونق آن بقعه عالیّه غایت اجتهاد به تقدیم رساند.

فرزندان کامکار نصرت شعار ابقاهم الله تعالی و امراء نامدار و وزراء رفیع مقدار و سادات و حکام و قضات و متصدیان اعمال و اکابر و اصول و صواحب و صدور و سکان و وطن بلده المؤمنین قم مع التوابع اللواحق باید مرتضی اعظم^۱ مشارالیه را متصدی مناصب مذکوره دانسته شرایط اجلال بجای آورند و در امری که سبب انتظام و رونق روضه معطره مذکوره باشد لوازم امرا و مرعی دارند و از صواب او که در باب رواج و ضبط امور و اعمال روضه منوره مذکوره گوید بیرون نروند و عزل و نصب خادمان و مشرفان و میجاوران مشهد معطره مذکوره به رای او

۱- «مرتضی» مثل «سید اجل» است که حالا گویند.

متعلق شناسد و در تحقیق انساب سادات که به عهده او است
معاونت و همراهی لازم دانسته مجال حمایت بهیچ آفریده‌ای
ندهند و پرسش و قطع و فصل معاملات شرعی و عرفی سادات بدو مفوض
شمرند.

مرضی مشارالیه نیز باید در تعظیم سادات علی اختلاف مراتبهم
به واجبی بکوشد و حصه هر يك را نذورات و اوقاف به دستور سابق و
شرط واقف بدهد و معاش به نوعی نماید که « یوم لامال و بنون الامن
انی الله بقلب سلیم » مرضی و مشکور باشد و چون حسب المسطور بدین
مهمات اقدام نماید حق النقابة و رسم التولية به دستور معیار سابق
تصرف نماید و زیاده توقع نکند و چون به توقیع اشرف موشح گردد
اعتماد کند.

تحریرافی سابع عشر جمادی الاولی فی سنه سبع و ستین و ثمانمائه
(هشتصد و شصت و هفت)

محل مهر جهان شاه و سجع خاتم او است: *عز من عدل ملک جهان شاه*
شاه. من اظلم هلك

در پشت این فرمان شش مهر دیده شد که سه نای آن خواننده
میشود:

«الوائق بالملك العلام عبده شاه علی»، «عز من قنع ذل من طمع

خلیل، «یحیی معتمد».

این اشخاص وزراء و مستوفیان آن عصر بوده‌اند و این فرمان عیناً به شکل طومار موجود است و نهایت امتیاز دارد.

سواد فرمان دیگر از این قرار است که به مهر حسن شاه یعنی حسن بیک ترکمان موشح است که از چاکران جهان‌شاه بود و بعد از او سلطنت کرد.

بسم الله الرحمن الرحيم.

اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى الامر منكم. التعظيم لامر الله و

الشفقة على خلق الله، الحكيم لله.

ابوالنصر حسن بهادر سوزمیز^۱

بر مقتضی کلام ربانی و تنزیل سبحانی عزوجل حیث قال «قل لا

اسئلكم عليه اجر الا المودة فی القربى» و فحوى حديث سيد رسل وهاوى

سبل «تركت فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتى» تعظيم و اگرام (و)

توقير و احترام سادات عظام كه نور حدقه «لولاك» و نور حدیقه

«و ما ارسلناك» اند و موجب فوز و نجات آخرت و سبب رفع درجات

منزلت تواند بود خاصه نسبت با طایفه‌ای كه صیت طهارت نسب ایشان

در اقطار و اکناف «بل من القاف الى القاف» چون نور خورشید عالم

كبر و در بسط غبراء و رد زبان صغیر و كبیر است و صحت انساب

۱- «سوزمیز» یعنی: فرمایش و فرمان است.

سادات رضویه با حضرت سیدگونین وخواجهٔ ثقلین محمدالامی العربی الهاشمی الاطحی علیه من الصلوات افضلها و التحیات «اکملها ما خطب عنادل الاخطاب علی رؤس منابر الأشجار و ضحك من بکاء السحاب مباسم الانوار و الانهار» از غایت ظهور و وضوح از شرح مستغنی است هرآینه در اعلاء منزلت و ارتقاء مرتبت و اسعاف مطالب و انجاح مآرب این خانوادهٔ مبارک بروجهی التفات باید نمود که شایستهٔ دولت قاهره باشد. ولله الحمد والمنة که ازابتداء طلوع آفتاب جهانکشایی و ظهور تباشیر صبح فرمانروایی که مفاتیح ابواب خیر و شر و مقالید امور نفع و ضرر به قبضهٔ اقتدار ما باز داده اند دقایق و احترام ایشان مهمل نگذاشته ایم و همت بر حصول مقاصدشان مصروف داشته مقصود از ترتیب این مقدمات و غرض از ترکیب این کلمات آنکه مرتضیان اعظمان ملکى السیادة و النقباء اعتضادى آل عباء سلیلی^۱ الامام علی بن موسی الرضا «علیهما و علی آباءهما التحیة و الرضوان» السید نظام الدین سلطان احمد و سید کمال الدین عطاء الله «ادام الله تعالی سیادتہما» احکام سلاطین ماضیه خصوصاً خاقان شاهرخ میرزا که به ارضاء نشان سلطان مرحوم امیر تیمور گورکان و پادشاه مزبور جهان شاه میرزا نافذ شده مشتمل برآنکه از قدیم الایام الی یومنا هذا منصب نقابت و تقدم سادات و تولیت اوقاف مزار متبرک امامزادهٔ معصومه سنی فاطمه^۲ و

۱- صیفة تشبیه است، «ملکی» و «اعتضای» و «سلیلی» یعنی دو ملک و دو اعتضاد و دو سلیل.

۲- «سنی» مخفف «سیده» است.

و مزار متبرک امامزاده طاهر علی بن محمد الباقر «علیهما التحية و الغفران» به آباء عظام و اجداد کرام مرتضیان مشارالیهما متعلق بوده و خطاب و تولیت و امامت مسجد امام حسن عسکری «رضی الله عنه» بدیشان تعلق گرفتند و هر يك از ایشان که بر مصدوق «کل شیء هالك الا وجهه» به جوار رحمت حق پیوسته اند نوبت تقلدات این شغل عظیم به اولادشان منتهی شده به عرض همایون رسانیدند و التماس امضاء کردند.

چون استحقاق و استیصال مرتضیان مشارالیهما «اظهر من الشمس و ابین من الامس» ملتمس ایشان مبذول داشته بر مقتضی «ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها» رجوع این امر خطیر بدیشان تفویض فرمودیم و بر ایشان مسلم داشتیم تا چنانچه از فرط و شرط پرهیزکاری ایشان سزد به وظایف آن «کما ینبغی» قیام نموده محصول موقوفات را به موجب شرع و شرط واقف به مصرف وجوب رسانند و رقبات را معمور داشته در رواج و رونق مسجد و مشهدين منورین غایت اجتهاد به تقدیم رسانند.

رسال جامع علوم انسانی

فسبیل فرزندان کسامکار نصرت شعار و امراء نامدار و وزراء رفیع مقدار و سادات و حکام و قضات و متصدیان اعمال و اکابر و اصول و صواحب و صدور و سکان و وطان بلدة المؤمنین قسم مع التوابع و اللواحق آنکه مرتضیان مومی الیهما را متصدی منصب مذکوره دانسته

شرایط اجلال و اکرام بجای آورند و در اموری که سبب انتظام رونق روضتین منورین و مسجد باشد لوازم امداد مرعی دارند و از صواب دید ایشان تجاوز ننمایند و عزل و نصب خادمان و مشرفان و مجاوران مزارات و مشهدین منورین و مسجد به رای ایشان متعلق شناسد و در تحقیق انساب سادات که به عهده ایشان است معاونت و همراهی لازم دانسته مجال حمایت به هیچ آفریده‌ای ندهند و پرسش و قطع و فصل معاملات شرعی و عرفی سادات بدیشان مفوض شمارند و به دستوری که در فرامین سلاطین مذکور مسطور است از موقوفات مشهدین منورین و املاک و اسباب ایشان و سایر سادات رضویه و مجاوران مزارات مذکوره که در شهر و ولایت قم دارند ارثا و اکتسابا مال را اخراجات و حقوق دیوان نمی گرفته‌اند و برایشان معاف و مسلم بوده و به اعانت استمرار یافته بهمان دستور معاف و مسلم و ترخان^۱ و مرفوع القلم دانند و تغییر و تبدیل به قواعد مستمره راه ندهند و کسی در خانهای ایشان را به اولاغ^۲ نکیرند و مواشی و مراعی قطعاً نستانند و امیرانی^۳ نطلبند و احکام سابق ایشان را به امضاء مقرون شمرده در کل ابواب رعایت

۱- ترخان کسی است که نزد پادشاهان قولا و فعلا مجاز باشد هر چه خواهد بگوید.

۲- اولاغ و اولام و بیگار از الفاظ ترکی است و معمول آنها بوده است که از مردم قاصد یا چهارپا می‌گرفته‌اند و لشکر را به خانه آنها راه داده‌اند و لشکر هر چیز را که اول در خانه آنها میدید تصاحب می‌نمود.

۳- «امیرانی» مثل «حق الحکومه» و «تفاوت عمل» است.

در آن مدخل نسازند. مقرر است که هیچ آفریده‌ای در جهات آستانه مذکوره و مسجد مزبوره به خلاف شرع شریف و شرط واقف و قیود و احکام عالی حضرت خاقان جنت مکان و شروط مسطوره در وقفیه حضرت بلقیس مکانی^۱ تصرفی نکنند و هر سنتی که به خلاف این معنی حاصل نموده باشند شبهه نسازند و عمال و متصدیان امور دیوانی قم و سلطانیه به علت اخراجات حکمی و غیر حکمی و سلامی و پیشکش و کندک^۲ و شیلانها و سردو و مواشی و مراعی و [...] امیزانه و مباشرانه و عیدی و نوروزی و رسم الوزاره و رسم الصداریه و رسم المهرها یون و خدمتیا نه و دست انداز و طرح و بیگار و علف و علوفه و [...] و دیک و [...] و داروغگی آنچه علی الاطلاق مالوجهات بدان توان کرد بهر اسم و رسم که باشد و داروغگی نرسانند و به قلیل و کثیر جمع و توقع نمایند و احکام مجملی که به اسم ارباب سیورغالات و مسلمیات و موقوفات صادر شود محال مذکوره را سوا و مستثنی دانسته اصلاً بر متولی آنجا حوالتی نکنند و در توجیها و تحصیصات شریک و سهیم ندانند و نسازند. قضات اسلام و محصان^۳ از مضمون مسطور تجاوز نمایند و سایر قیودی را که در احکام عالی حضرت خاقانی جنت آشیانی و امثله دیوان الصداریه مسطوره مذکوره باشد ممضی و متقن دانند. سیادت مسابسی سیدفخرالدین به خلاف شرع شریف به علت نظارت و اشراف در سرکار مزار و موقوفات

۱- مقصود موقوفات بیگمی است که دخترشاه ترکمانیه بوده است.

۲- کندک با بعضی الفاظ دیگر که در این فرمان نوشته شده ترکی است اینها از تعدیات آن زمان بوده است که حال معمول نیست.

۳- محصان مثل امنای اوقاف و وظایف عالی است.

سیدسلطان احمدمدخل ننماید و تعرض به حال مزارعان آنجا نرساند و از جواب براین جمله روند و از فرموده عدول نجویند و هر ساله در این ابواب پروانچه و نشان مجدد نطلبند در این قناعت داشته از مخالفت محترز باشند. و چون به توضیح رفیع منیع اشرف اعلی موشیح و مزین و محلی گردد اعتماد دارند.

ختم ۱۸ شبان احدى وثلثین و تسعماة^۱.

بعضی از خوانندگان این کتاب از خواندن ثبت و سواد این فرمانها ملول شده دور نیست بر ماملت کنند که ثبت اینگونه منشآت مهمه و فرمانهای مغشوش العبارة چه فایده دارد، همانا مورخین مانند که ثبت اینگونه فرمانها چه نکات تاریخی دارد.

مورخ فرنگی يك سكه را به دو یست تومان میخرد که درك يك نکته‌ای از زمان گذشته نماید همانا از ثبت این فرمانها می‌توان هزار نکته استنباط کرد و سبک و سیاق آن زمان را دانست. و همین قدر کافی است که از ثبت این فرمانها معلوم میشود که در عهد سلاطین صفویه بهیچ وجه منشی قابل و شاعر کامل نبوده است، و منشیان زمان سلاطین ترکمانیه که پیش از صفویه بوده‌اند به چندین درجه از اهل صفویه کامل تر بوده‌اند چنانکه از ثبت فرمانین سابقاً نوشته آنها که شده معلوم میشود و دوره صفویه صنعت انشاء و شاعری مرده بوده است. آن سلاطین فقط در تقاب و درویشی و قلندر بافی و عرفان پوسیده و لعن خلفاء می‌کوشیده‌اند محض پیش رفت کار خود و جذب قلوب اهالی در ترویج علماء اهتمامی می‌نمودند ولی در باطن انواع و اقسام ملاحی و و مناهی را مرتکب بودند به خصوص شاه عباس که کارهای وی شرحی

۱- در اصل فرمان «احدی وثلث و تسعماة نوشته شده بود چون معنی نداشت «ثلث» را «ثلثین» قرار دادیم باید تامل کرد که شاه تهماسب در آن عصر نبوده و ثلاثین به نظر ثلث آمده است.

جداگانه، محمدشاه پدرخود را مدتها در قلعه ورامین از توابع طهران حبس کرد و و آخر الامر باز او را پنهانی کشت.

خلاصه انشاء در زمان صفویه چندان سلامت و فصاحت نداشت. پس از آنها باز میرزا مهدی خان در عهد نادرشاه به فن انشاء سرووپی تازه داد و آنرا احیاء کرد و بهمین سبب اشتهاری پیدا کرد لیکن درمنشات او چندان شیوه پلطیک نیست فقط استشهاد به بعضی آیات جسته و در بعضی موارد همین بکار برده است و بعد از او باز انشاء بیشتر ترقی کرده چند نفر موسس و مجددی پیدا شدند که به چند طرز و چند قسم ادای مطلب نموده و نهایت خلوت و ملاحظت و بلاغت و براعت در مکتوبات آنها هست و مقام مقتضی نیست که به شرح آن پردازیم و باید به سر مطلب خود برویم (ص ۴۴۳)

در جزوه‌های قبل (ص ۱۶۰) در ذیل حالات اشراف قم ذکری از حاجی میرزا محمدحسین مستوفی آستانه مقدسه معصومه سلام الله علیهما شده که او با برادر خود پسر مرحوم میرزا ابراهیم مستوفی بوده و میرزا ابراهیم جدبزرگ اینها بوده که در عهد شاه سلطان حسین صفوی و فرمانی در باره او دیده شد. و میرزا محمد ابراهیم پسر میرزا محمد جعفر قمی است در عهد شاه سلیمان صفوی بوده است و در باره او هم فرمانی دیده شد.

خلاصه پس از چندی که اهل قم اطلاع پیدا کردند به توسط بعضی اشخاص آگاه محض حفظ شجره نسب خود و ثبت شدن اسامی آنها در این تاریخ از این طایفه سه چهار فرمان صحیح نزد این جانبان فرستاده شده که آن را به دقت ملاحظه کرده ثبت سواد آنها را به دقت ملاحظه کرده ثبت سواد آنها را در اینجا می‌نگاریم و اصل این فرمان‌ها در دست عالی جناب میرزا محمد تقی پسر مرحوم میرزا علی‌رضای مستوفی آستانه برادر میرزا محمد حسین مستوفی آستانه موجود است که این دو برادر پسران میرزا ابراهیم مستوفی و میرزا ابراهیم پسر میرزا اسحق و از نواده میرزا محمد ابراهیم و از نبایر میرزا جعفر قمی میباشد که در عهد شاه سلیمان بوده است.

سابقاً ذکر کردیم که بعد از وفات حاجی میرزا محمدحسین شغل استیفاء حضرت معصومه قم سلام الله علیها به پسر میرزا اسدالله نام تعلق گرفت و فرمان دیوانی ناصری هم صادر شد لکن از قراری که بعد آگاه شدیم عالی جناب میرزا محمدتقی پسر مرحوم میرزا علی رضا که برادرزاده حاجی میرزا محمد حسین مرحوم محسوب میشود دو سالها مدعی این شغل استیفاء بود و نمی توانست که به عم خود غالب شود در این اوقات به طهران آمد چون پیرمرد بود طرف مراعات شده خود میرزا اسدالله مستوفی آستانه که هنوز از طهران به طرف نرفته بود بایرادان خود پسران مرحوم حاجی میرزا محمدحسین مستوفی بالطبع والرغبه با او همراهی کردند و میرزا اسدالله شغل استیفاء جسته با داشتن فرمان دیوانی این شغل را به میرزا محمدتقی واگذار کرد و این را برادران نوشته به آقا میرزا محمد تقی دادند که ما چون در طهران شغل و عمل دادیم بعد از فوت پدر استیفاء آستانه قم که به موجب صدور فرمان بالارث والاستحقاق بما میرسد این شغل خطیر را به عالی جناب آقا میرزا محمد تقی واگذار کردیم که به قم مراجعت نموده به امر حواله و اطلاق موقوفات واجارات و مواجب خدام آستانه قم بردارد. و آقا میرزا محمدتقی که مردی معمم به واسطه فتوت پسران عم خویش به قم معاودت نموده کنون به شغل استیفاء برقرار است و فرمانهایی که از سابق در دست اوست و ماسواد کردیم از قرار ذیل است یکی از سواد فرمانها به مهر شاه طهماسب ثانی است که خیلی غرابت دارد و نظیر آن کمتر دیده شده است. در این فرمان آب طلا کاری و تسمه و حاشیه شده است و غرابت آن این است که در پشت و روی این فرمان نوشته شده است: دریک روی آن حکم صدارت عظمی که مرتضی نام داشته است و مشروحاً توقیعی نوشته است که شغل استیفاء آستانه متبرکه که قم به میرزا محمد ابراهیم بزرگ واگذار کرده است آن حکم صدارتی را در همان سال نزد شاه طهماسب ثانی برده اند که امضاء آنها بنماید لهذا فرمان شاهان را در روی دیگر آن تعلیق صدارتی نوشته اند و به مهر شاه رسانیده اند که در هر دوروی کاغذ تعلیق صدارتی و فرمان سلطنتی نوشته اند و نظیر این فرمان دیده نشده است و این کار بر اقتدار اعتبار آن مرتضی نام وزیر اعظم

است که فرمان شاهانه در پشت تعلیقۀ اشرف صدور یافته است و نظیر این عمل همان ساسانیان است که در یک روی آن صورت اردشیر بن بابک پادشاه ساسانی و در یک روی آن سکه طلا صورت اسام وزیر منقور شده است (در اینجا داستان شاهپور و مادرش و اسام از شاهنامه فردوسی و کلام الملوك ملوك الکلام عبدعلی حویزی یاد شده است).

سواد تعلیقۀ مرتضی نام وزیر که در یک روی کاغذ بود.

هو الخالق

اللَّهُ مُحَمَّدٌ عَلِيُّ السَّيِّدِ مَرْتَضَى ابْنِ سَيِّدِ الشَّرِيفِ الْحَسَنِ الْحُسَيْنِيِّ
التَّبْرِيْزِيِّ، الْحَكَمَلَّةُ^۱

چون در این وقف نجابت و رفعت و معالی پناه ظهیرا^۲ میرزا محمد ابراهیم قمی مستوفی سابق سرکار فیض آثار دستی فاطمه علیها التحية والثناء^۳ به عرض رسانید که استیفاء سرکار موهبت آثار مدت متمادی با مرحوم میرزا محمد جعفر والد و سایر اقرباء اومفوض و بعده به مشارالیه مرجوع بوده و از روی راستی و درستی خدمت به تقدیم میرسانید و محمد رضی

۱- در بالای فرمان در وسط سطر کاغذ نوشته بودند - در دو کلمه (حسنى و حسینى) یکجا نوشته و «دویا در آخر طوری قرار داده بودند که «الحسنى والحسينى» هر دو خوانده میشد و این کار از صنایع خطاطی است و این طغرا به خط تعلیق بود»
۲- «ظهیرا» در فرمانهای پیش «ظهیرا و قواما» زیاد دیده شده است و این کلمه ایست که متملقات بمدا آن را عمداً نمی نوشتند و مختص میگردند و تقدیر این کلمه این است که (معالی پناه ظهیر السعادة و النقاية) بنا (قواما للتولية و الشرافة) محض اختصار متملقات را انداخته در ذکر اسم کسی در قمرسانها فقط «ظهیرا و قواما» می نوشتند. کنون هم در فرمانها می نویسند و در وزیر بزرگ می نگارند: (بنا به تصویب و استدعا) «قواما للشوكة و المجد و اقبال و نظاما للرفعة و الاجلال فلان وزیر» فلان منصبرا به فلان زید دادند»

نام شخصی که از شغل نویسندگی اطلاع کاملی ندارد و کمال تغلب^۱ دارد خدمت موروثی او را بدون جهتی قطع و به اسم خود گذرانیده. درین وقت نجابت و رقعت و کمالات پناه میرزا محمد ابراهیم مومنی الیه به دیوان الصدارة «العلیة العالیة»^۲ آمده است دعا نمود که خدمت استیفاء سرکار مزبور به علاوه استیفاء متفرقه دارالمومنین قم به او داده شود بنا علی هذا حسب الاستدعاء از ابتداء سنه مبارکه آنیه قوی ثیل خدمت استیفاء سرکار کثیر الانوار به تغیر محمد رضی مزبور کما کان به علاوه استیفاء متفرقه دارالمومنین قم به شار الیه مقرر و مرجوع شد که کما یبغی از روی دقت و راست و درستی به امر مزبور قیام نموده در تشخیص و تنقیح محاسبات مودیان و ملاحظه صرفه و غبطه مالیات موقوفات و تحریر نسخجات لوازم اهتمام به عمل آورده حسن سعی خود را به منصفه ظهور رساند و سال به سال رسم الاستیفاء و مواجب مستمری خود را موافق معمول بازیافت نموده کما هو حق به هر اسم به امر مسطور اقدام نماید و نجوی سلوک مسلوک دارد که عند [الخالق] و الخلاق^۳ رضی و مستحسن باشد و دعاوی خیر جهت ذات اقدس و وجود

۱- درین فرمان «تغلب» را باغین نوشته بود و غلط است و تغلب باغین به معنی (قلبه کردن است) و در اینجا مقصود از خدعه و خیانت مفشوش بسودن است.

۲- بالای فرمان طرف دست راست بود.

۳- در فرمان اصلی لفظ (الخالق) نداشت و منشی سهو کرده و نوشته بود که (عبد الخلاق رضی و مستحق باشد) و این بنده نگارنده به قرینه در سواد آن فرمان لفظ (الخالق) افزود از آنکه و اعطف که در سر «والخلاق» بود دلیل بر آن است که منشی [کلمه] الخلاق، راهوا [نوشته بود].

مقدس نواب کامیاب سپهر رکاب اشرف ارفع «همایون اعلیٰ خلدالله تعالیٰ وعظم سلطانه ابداء»^۱ [حاصل نماید] متولی و مباشرین موقوفات سعادت همراهِ نجات و رفعت و معالی پناه مذکور را مستوفی بالاستقلال و الانفراد سرکارین^۲ مزبورین دانسته بدون بسرات و مهر اویک دینار و یک من بار داد وستد نمایند و از سخن و صواب دید دید موعی الیه که مقرون به صرفه مالیات موقوفات بوده باشد بیرون نروند لوازم امور مزبور را مختص مشارالیه شناسند و هر ساله مثال و خطاب مجدد طلب ندارند.

تحریرا (فی) شهر جمادی الاولی ۱۱۳۶

سجع صدارت که بادامی مستطیل بود از این قرار است:

ز نسل علی فخر اولاد آدم

شود مرتضی کامیاب از دو عالم

۱۱۳۵

۱- بالای فرمان طرف دست راست بوده این جاها که نقطه گذاشته ام دراصل فرمان خط پاک شده بود از قرینه کلام معلوم میشود که مثلا بعد از لفظ «ارفع» این کلام بوده است: (ارفع و الاحاصل نماید) الی آخره (حاشیه نسخه).

۲- «سرکارین» یکی استیفاء سرکار فیض آثار آستانه مقدمه است و یکی استیفاء موقوفات بیرون شهر است که استیفاء متفرقه دارالمومنین قم است. اگر کسی بگوید که مقصود از سرکارین یکی استیفاء سرکار فیض آثار آستانه و یکی استیفاء دیوانی ولایتی قم است که حواله و اطلاق مالیات کند این احتمال غلط است و ما فرمانهای دیگر آن مهرد را هم دیده ایم که در فرمان استیفاء دیوانی و حواله و اطلاق مالیات طور دیگر انشاء میگردد و به طبقات نوکر دیوانی و اعیان بلند در فرمان تاکیداتی می نمودند که فلان زید را مستوفی دیوانی دانسته در مالوجهاات دیوانی و اخراجات و حواله و غیره و غیره مهر او سند دانند و درین فرمان این گونه کلمات نیست پس این احتمال اخیر غلط است.

این مهر صدارت خیلی به اشکال خوانده شد بلکه به قوه شاعری و درست کردن وزن و تطبیق قافیه پیدا شد و الا باین سهولت هر کس نمی توانست بخواند و این مهر صدارتی در سنه هزار و صد و سی و پنج کنده شد که در خود مهر منقور است و درهای این توقیع در سنه هزار و صد و سی و شش زده است و شعر آن این طور است.

زنسل علی فخر اولاد آدم شود مرتضی کامیاب ازدو عالم

نام صدر اعظم مرتضی بوده است و از طغرای بالای توقیع معلوم میشود که مرتضی مزبور از سادات حسنی الحسینی بوده است و معنی شعر مهر این است که مرتضی ازدو عالم کامیاب شود به واسطه نسلی علی که مقصود از شاه طهماسب ثانی باشد، و بعضی چنان گمان کنند که «زنسل علی» درین شعر از توابع یا عطف بیان برای مرتضی است ولی نه چنین است بلکه «زنسل علی» مقصود از شاه طهماسب است و مرتضی صدر اعظم میگوید که من به واسطه شاه طهماسب که از نسل علی فخر اولاد آدم است از دو عالم کامیاب میشوم که دنیا و آخرت هر دو را دارم و اگر «زنسل علی» را هم از متعلقات مرتضی صدر اعظم قرار دهند و قطع نظر از شاه طهماسب کنند خالی از مناسبت نخواهد بود جز آنکه در معنی شعر و تقدیم و تاخیر بعضی کلمات بر بعضی دیگر تعقیدی میشود که پسندیده نخواهد بود.

و سواد فرمان شاه طهماسب ثانی که در همین سال در پشت توقیع و تعلیقه صدارت عظمی نوشته اند از این قرار است.

در بالا مهریست گسرد: الهم صل علی النبی الی الوصی و البتول و السبطین و السجاد و الباقر و الصادق و الکاظم و الرضا و التقی و النقی و الزکی^۱ و المهدی (گرداگرد) بنده شاه ولایت طهماسب ثانی^۱ (در میانه) فرمان همایون شد آنکه به موجبی که در ضمن حسب المثال لازم

۱- مهر شاه عباس اول هم بعینها همین طور بود که در وسط دائرة اوای «بنده

شاه ولایت عباس ۹۹۶» کنده و در دو دائرة ثانی بهمین تفصیل صلوات بر چهارده معصوم است.

الامتثال دیوان الصدارة العلیة العالیة مقرر گشته عمل و استیفاء سرکار موهبت آثارا به علاوه استیفاء متفرقه دارالمومنین قم مزبور در وجه نجابت و معالی پناه ظهیر امیرزا محمد ابراهیم مذکور مقرر دانند و لوازم امر مزبور را مختص او شناخته از مضمون آن تخلف و انحراف نورزند و در عهدہ شناسند. تحریرا (فی) جمادی الاولی سنة ۱۱۲۶، ثبت موقوفات

نیز فرمانی به مهر شاه سلیمان صفوی دیده شده که درباره میرزا محمد جعفر قمی مستوفی آستانه قم پدر میرزا محمد ابراهیم مزبور صادر شده است و سواد آن از قرار ذیل است:

مهر بالا: بسمله بنده شاه ولایت سلیمان

حکم جهان مطاع شد آنکه بر شفقت شاهانه در باره رفعت و معالی پناه قواما میرزا محمد جعفر قمی از ابتدای ماه ایت ثیل ۱۰۸۹ استیفاء موقوفات سرکار آستانه مقدسه متبرکه منوره را با موجب آنچه بهر جهت از دیوان الصدارة خاصه و (عامه) در وجه والدا و برقرار بود و متوفی گشته در وجه مشارالیه مقرر فرمودیم که کما ینبغی به امر مزبور و لوازم آن قیام و اقدام نماید و دقیقه ای فوت و فرو گذاشت ننماید و سال به سال نسخه منقحه مشخصه بر مداخل و مخارج آن سرکار در دست داشته به دیوان الصدارة فرستد که موافق معمول مستوفی موقوفات ممالک محروسه در دفتر عمل

دنباله حاشیه صفحه پیش

۲- «زکی» از القاب امام یازدهم حضرت امام حسن عسکری علیه السلام چون مهر کوچک بود و جا نداشت این کلمات را روی هم سوار کرده بود. اگر میخواست (الحسن) یا (العسکری) بنویسد جا تنگ میشد لهذا این لقب حضرت را که «زکی» باشد نگاشته است.

۱- یعنی: قواما للتولية

نماید و باخلاق نوعی سلوک نماید که همگی از حسن سلوک او راضی و شاکر بوده دعاء خیر جهت ذات مقدس نواب کامیاب همایون ما حاصل شود. متولی و کتاب و خدمه و عمله و موظفین و رعایا و زارعین و مستاجرین سرکار آستانه مقدسه مزبور مشارالیه را مستوفی سرکار مذکور دانسته دیگری را در این امر با او شریک و سهیم ندانند و از سخن و صلاح حسابی او هر اینه مقرون به صرفه و غبطه آن سرکار بوده باشد بیرون نرفته اطاعت و انقیاد او را از لوازم شمرند و بدون برات به مهر و خط مشارالیه یک دینار و یک من بار داد و ستد ننمایند و هر ساله رقم مجدد طلب ندارند و در عهده شناسند.

تحریر آفی شهر رمضان المبارک (۱۰۸۹)^۱

فرمان دیگر عهدشاه سلطان حسین صفوی و بی تاریخ درباره وجوه موقوفه مزار پدر خود در آستانه قم به مبلغ ده تومان برای میرزا محمد ابراهیم مستوفی پسر میرزا محمد جعفر قمی است و این میرزا محمد ابراهیم همانست که فرمان شاه طهماسب و تعلیقه مرتضی صدراعظم درباره اوست و او پدر میرزا اسحق مستوفی پدر میرزا ابراهیم پدر میرزا علی رضا و حاجی میرزا محمد حسین مستوفی آستانه قم که بابرادرها در طهرانند میباشد. اصل این فرمانها اکنون نزد میرزا محمد تقی مستوفی کنونی آستانه قم پسر همان میرزا علی است.

بسم الله

بند شاه ولایت سلطان حسین

حکم جهان مطاع شد آنکه از ابتداء یونت ثیل مبلغ ده تومان

۱- تاریخ سنة فرمان حك شده بود لكن گویا هزار و هشتاد ونه بوده

است.

تبریزی از بابت وجوه تصدی سرکار مزار نواب خاقان وطوبی آشیان قدس مکانی که به جهت ارباب استحقاق مقرر بوده در وجهه وظیفه نجابت و رفعت و معالی پناه... و صداقت دستگام میرزا محمد ابراهیم مستوفی ولد مرحوم میرزا محمد جعفر قمی عنایت و مرحمت فرمودیم تحویل دار نقدی سرکار موهبت آثار سال به سال تنخواه مبلغ مزبور را مهم سازی و مشرف در روزنامه عمل و مستوفی ارباب تحویل سرکار خاصه شریفه به خرج اعتبار دانسته هر ساله رقم مجدد طلب ندارند و در عهده شناسند ابو جعفر دعبل بن علی خزاعی قصیده‌ای در ستایش امام رضا ستوده و او هزار دینار بوی بخشیده بود با پیراهنی که او میخواست پس از مرگ او را در آن پیچند و در گور بگذارند. او به شهر قم رسیده بود و مردم خواسته بودند که پاره‌ای از آن را به بزرگان شهر بدهد وی نداد و از قم بیرون رفت تا رسید به قلعه در سر راه عراق نزدیک شاه جمال گروهی از او باش قم با او رسیدند و پیراهن از او گرفتند. او ناگزیر به قم بازگشت و از مردم قم پیراهن خویش خواست سرانجام قرار بر این شد که هزار تومان باو بدهند باینی از پیراهن او ناگزیر بدین تن در داد و از قم قم بیرون شد و آنها را نکوهش کرد بدینگونه:

تلاشی اهل قم واضحلوا
و کاناوشید و ا فی الفقر مجدا
تحل المخزیات بحیث حلوا
فلما جائت الاموال ملوا
کلمه «تلاشی» ساختگی و گرفته از «لاشی» اگر چه شهید در لایحه آن را بکار برده است.

میرزا سید علی قدرت خادم آستانه قم چنین سروده است.

از قم بگریز کش بد است این مردم
گردم بیریشان بززند از ره دم
هستند به دم مار و به دم چون کژدم
وردم بیریشان بگزند از ره دم

چند فرمان

نقابت و تولیت قم

- ۱- فرمان میرزا جهان‌شاه (۸۳۹-۸۷۱) درباره نقابت سادات و تولیت اوقاف بقعه معصومه قم سنی فاطمه ع برای مرتضی اعظم سیداحمد نظام‌الدین رضوی در ۲۷/ج/۸۶۷ (از سعیدی تاجامی ۵۶۸ از روی نسخه جهان‌شاهی).
 - ۲- فرمانی از شاه‌رخ میرزا و ابوالعز میرزا یوسف مورخ ۸۹۳ در سنگ‌نبشته سردر صحن مشهد اردمال (بارکرسف) درباره «طاهر سلطان علی بن محمد باقر» دیده میشود (تاریخ کاشان و نطنز: تراقی ص ۱۳۲).
 - ۳- فرمان ابوالمظفر یعقوب بهادر بن حسن بن علی بن عثمان مورخ ۱۵ رمضان ۸۸۴ درباره اینکه نظام‌الدین سلطان‌احمد رضوی و سیدکمال‌الدین عطاءالله رضوی از روزگار تیمور و جهان‌شاه و شاه‌رخ میرزا و به فرمان آنها پدر در پدر نقیب سادات و متولی مزار «امام‌زاده معصومه سنی فاطمه» و مزار «امام‌زاده طاهر علی بن محمد باقر» و امام مسجد امام حسن عسکری^۱ که همه آنها در قم است بوده‌اند و اکنون هم باشند و تولیت اوقاف و املاک و اسباب این دو مشهد و دیگر سادات رضویه و مجاوران با آنها است (ش 4934 موزه بریتانیا).
 - ۴- فرمان میرزا ابوالمظفر الوند بهادر (بن یوسف بن حسن بن علی بن عثمان) مورخ ۱۴ رجب ۹۰۴ خطاب به سادات و متولیان و مباشران امور اوقاف قم و توابع درباره نظام‌الدین سلطان‌احمد و سیدکمال‌الدین عطاءالله نقیبان رضوی که از روزگار تیمور و شاه‌رخ میرزا و جهان‌شاه میرزا نقیب سادات و متولی اوقاف مزار «امام‌زاده معصومه سنی فاطمه» و مزار «امام‌زاده طاهر سلطان علی بن ابوجعفر محمد بن الباقر علی در مشهد بارکرسف و امام مسجد امام حسن عسکری و رئیس مشرفان و مجاوران مزارات و مشهدين و مسجد امام بوده‌اند و تحقیق در اسباب سادات با آنان بوده است و چون سلطان‌احمد پیر
-
- ۱- در سی‌پاره ش ۵۶-۶۰ از مسجد جامع عتیق امام حسن عسکری بیرون درب ساره در شهر قم یاد شده است.

شده است درخواست که پسرش مرشدالدین رشیدالاسلام بجای او تقیب سادات و متولی مزار «ستی فاطمه» باشد ما هم این خواهش او را پذیرفتیم و این منصبها را باو داده‌ایم (همان شماره - ش ۴ بوسه) خانقاه رشیدالحق که در وقف نامه سی پاره ش ۵۲ تا ۵۵ یاد شده است گویا ازهمو باشد.

۵- فرمان شاه اسماعیل مورخ ج ۹۱۸/۲ دراینکه همان رشیدالاسلام متولی مزار «ستی فاطمه» است و موقوفات آنجا با او است و او امام مسجد امام ابو محمد حسن عسکری است.
(همان شماره - ش ۵ بوسه).

۶- فرمان شاه طهماسب مورخ ۱۸ ج ۹۴۸/۱ دراینکه تولیت «آستانه مقدسه منوره حضرت معصومه سیده النساء فی العالمین سلطان ستی فاطمه علیها الصلاة والسلام» و امامت مسجد ابو محمد حسن عسکری و تولیت آنجا و «زاویه نظام الدین سلطان احمد» با سید شجاع الدین محمود رضوی پسر مرشدالدین رشیدالاسلام رضوی است باوقوف و اطلاع زین الدین علی رضوی تقیب ولی فخرالدین اسعد رضوی در آن دخلی نکند.

چون این فرمان خط و مهر مورخ ۱۰۲۹ «محمد مجتهد صدر شیرازی» را دارد برخی گمان برده اند که آن به خط و مهر صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی شهیر به ملا صدرا (۱۹۵۷-۱۰۵۰) است ولی چنین نیست. (ش Or 4925 موزه بریتانیا - ش ۶ بوسه - سال ۳ ش ۴ ص ۲۲۵ بررسی).

۷- فرمان شاه طهماسب مورخ ۱ ج ۹۷۲/۲ دراینکه شش نفر حفاظ به جز حفاظ سرکار «آستانه مقدسه مطهره ستی فاطمه علیها و علی آبائها الصلاة والسلام» در سربقبر سلطانم همشیره پادشاه بایستی تلاوت قرآن کنند و اگر کسی از ایشان ترک خدمت کند امیر سلطان احمد متولی آستانه مقدسه منوره دیگری را بجای او معین نماید و حفاظ سرکار آستانه منوره را دخل ندهد (همان سه جا).

۸- فرمان شاه عباس مورخ ۱۰۱۷ دراینکه امیر رشیدالاسلام رضوی تقیب و فرزندش میر شمس الدین تقیب رضوی و فرزندان او متولی سرکار قدیمی آستانه و مقبره متبرکه [ستی فاطمه] بوده اند اکنون که میر شمس الدین

در گذشته است تولیت آنجا به برادرش امیر ظهیرالدین ابراهیم میرسد. (همان شماره - ش ۱۰ بوسه - ص ۲۲۹ بررسی) ۱.

متن چند فرمان

-۱-

با مهری در بالا که صلوات بر پیامبر و دوازده در آن آمده و نام «اسماعیل بن حیدر صفوی ۹۱۴» و سجع و سجع و تصویر آن در دو کتاب رایینو (ص ۲۹ سکه و مدالها و مهرهای شاهان ایران و ص ۲۰ و پلانش ۴۸ ش ۱ آلبوم سکه‌ها و مدالها و مهرهای شاهان ایران) دیده میشود، از روی همین نسخه فرمان که ش ۴۹۳۴/۳ شرقی موزه بریتانیا باشد.

حکام و داروغگان و کلاتران [مدینه] قم بدانند که درین وقت مقرر [فرمودیم] که به علت غلبه ایتیماعی و طرح مزاحم و متعرض موقوفات [.....] مقدسه منوره معطره ستی فاطمه علیها التحية والسلام و متولی آنجا سیادت عالی سیدرشید الاسلام نشوند و پیرامون نگردند و در خانهای سید مشارالله نزول نمایند [.....] و عسکر نصرت شعار و غازیان عظام ظفر فرجام حسب المسطور مقرر دانند و رعایت و ملاحظه واجب و لازم شناسند همچنان مقرر فرمودیم که حق آبه باغ نقیب و باغ زکریا را و جمیع مواضع وقفی مزار و مسجد امام الهمام المعصوم الامام ابی محمد حسن العسکری علیه الصلوة والسلام و ملکی سید مشارالیه به دستور قدیم مقرر و واجب بوده بهمان دستور رسانند و چیزی قاصر و منکسر نگذرانند

۱ - بنگر به کتاب بوسه Busse به آلمانی و بررسیهای ژ-اریخی ۲۳:

و خلاف شرح شریف مطلقا جائز ندارند. به عهده حاکم و داروغه آنجا که برین موجب مقرر دانند و امداد تمام به تقدیم رسانند و خلاف کننده را منع نمایند و اعزاز و احترام تمام بجای آورند و هر ساله نشان و پروانچه مجدد محتاج ندارند و همچنان مقرر شد که هر کس املاک موقوفه مزار متبرک مذکور را به غصب و غیر حق متصرف شده باشد و نزد قضات اسلام آنجا به ثبوت رسد بلا تعال به متولی مزار مذکور تسلیم نمایند و اصلا اهمال ننمایند و از مخالفت محض و مجتنت باشند در این باب تقصیر ننمایند مقرر است که حکام در موقوفات مزار و مسجد مذکور بن اصلا مدخل نسازند و از فرموده تخلف نوزند، در عهده دارند تحریرافی غره شهر جمادی الثانی سنة عثمان عشر تسعمائه. ختم.

-۲-

بسم الله الرحمن الرحيم. هو الغنی.
الحکم لله. ابوالمظفر طهماسب بهاد سوزومیز. موضع مهر نواب
جنت مکانی شاه طهماسب.

درین وقت بنا بر وفور امانت و رشد و کاردانی سیادت مآب نقابت
ایاب عمده السادات و الاشراف سید شجاع الدین سلطان محمود الرضوی
النقیب تولیت رقبات متعلقه به آستانه مقدسه منوره حضرت معصومه
مطهره سعیة سیده النساء فی العالمین سلطان سنی فاطمه علیها التحیة و
السلام و مسجد متبرک منسوب به حضرت امام الجن و الانس ابی محمد
حسن العسکری علیه التحیة والسلام و امامت آنجا که به موجب شرع شریف
۱- از روی نسخه موزه بریتانیا ۴۹۲۴ (ش ۵ بوسه).

و شرط واقف و احکام مطاع همایون به والد مرحوم او سیادت و نقابت پناه سید مرشد الدین رشید الاسلام الرضوی النقیب متعلق بوده بهمان دستور بلامشارکت غیر مفوض و مرجوع فرمودیم که در ترویج و تنسیق آستانه مقدسه و مسجد متبرک کوشیده به ضبط محصولات و تعمیر رقبات آنجا قیام نموده نگذارد که قصوری در آنجا واقع شود و حاصل رقبات آنجا را به موجبی که در دستور العمل مقرر شده به وقف و اطلاع سیادت پناه افادت دستگاه زینا للسیادة والدين علی الرضوی النقیب به نوعی که موافق شرع شریف باشد به مصرف و جوب رساند.

مستاجران و عمله و کارکنان و رعایای محال متعلقه به آستانه مقدسه و مسجد متبرک اصلاً یک دینار و یک من باری و وقف و مهر و سجل متولی مشارالیه داد و ستد نمایند و هر قضیه و قضایا که میانه ایشان واقع شود بدو رفع نمایند و پوشیده و پنهان ندارند و متوجهات خود را به دستور معمول مملکتی به متولی جواب گویند و هیچ آفریده ای به خلاف شرع و شرط واقف در موقوفات آستانه مقدسه و مسجد مذکور مدخل ننماید.

سادات عظام و قضات اسلام و اکابر و اهالی و کلانتران و کدخدایان مدینه المومنین قم و سلطانیه حسب المسطور مقرر دانسته اعانت و اسعاد سیادت مآب مشارالیه بجای آورند، سرکار آستانه مقدسه را از جمیع توجیهاات و تخصیصات به دستور قدیم و نهج استمرار مفروز و مستثنی شناسند و حکم محلی که به اسم ارباب سیورغالات و مسلمیات و موقوفات صادر گردد، رقبات سرکار آستانه متبرک که را از آن موضوع شمرند.

ارباب و ظایف و عمله سرکار مذکور به خلاف شرع شریف و شرط واقف طلبی از متولی مذکور نمایند و به طریقی که در دستور العمل مقرر شده شناسند و زیاده تعرض نرسانند. و احکام و امثله که نقیض این معنی حاصل نموده... سابقا و لاحقا اعتبار نکنند. عمله و فعله آنجا خود را به عزل او معزول و به نصب او منصوب شناسند. و حق التولیه به دستور شرط واقف از قرار عشر رسانند. سیادت مآب امیر فخرالدین اسعدالرضوی به خلاف شرع شریف در تولیت آستانه مقدسه و مسجد مذکور و رقبات موقوفه به زایویه امیر نظام الدین سلطان احمد به علت اشراف و نظارت مدخل ننماید و پیرامون نگردد.

درین ابواب قدغن عظیم لازم دانند و هر ساله نشان و پروانچه و حکم مجدد طلب ندارند در عهده دانند.

تحریر افی ۱۸ شهر جمادی الاخری سنه ۹۴۸.

ختم. موضع مهر نواب مستطاب جنت مکانی.

صدارت و نجابت پناه...
 رشتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ثبت سلطان شد.

عبدالله خان...
 رشتگاه علوم انسانی

بهرام میرزا بهوقف...

محل مهر ثبت روزنامه چه دیوان اعلی شد...

محل مهر صدارت مآبی بوصلت.

به قلم آمد

السواد ذامع اصله الشریف سیان سیان کتبه العبد الاقل محمد المجدد
الصدر الشیرازی عضی عنه.

شرح الله صدره للإسلام ۱۰۲۹ (مهر).

عبدہ حاجی حسین ۱۰۳۰ (مهر)

در اینجا کسی پنداشته که نسخه به خط صدرای شیرازی محمد بن
ابراہیم قوامی ملاصدرا است و نوشته که او در شیراز در ۱۰۷۰ در گذشته
است (۱۱۹۹)

-۳-

مهر ... بنده شاه ولایت طهماسب ...

گرداگرد این مهر نام پیامبر و دوازده امام است و سجل و سجع آن
با تصویر در دو کتاب رابینو سکه‌ها ص ۳۰ و آلبوم آنها ص ۲۰ و پلانز
۴۸ دیده میشود و کلیشه این فرمان در بررسی‌ها با مهر هست از روی
همین نسخه.

فرمان همایون شد آنکه چون شش نفر حفاظ سوای حفاظ سرکار
آستانه مقدسه معطره سنی فاطمه علیها و علی آباؤها الصلوة والسلام مقرر
شده که درس قبر همشیره مرحومه مفضوره ام سلطانم به تلاوت کلام ملک
علام جل [ذکره] اشتغال نمایند بنا بر این شش نفر حفاظ مذکور به موجب
ضمن در سر قبر همشیره مرحومه به تلاوت اشتغال نمایند. و اگر از ایشان
کسی ترک خدمت نماید سیادت و نقابت دستگاہ امیر سلطان احمد متولی
آستانه مقدسه منوره دیگری را بجای او تعیین نماید و حفاظ سرکار

۱- م ب ۴۹۳۵ (ش ۷ بوسه ص ۱۷۱ تا ۱۷۵ - سال ۴ ش ۴ ص ۲۲۵ و ۲۲۶

بررسی.)

آستانه منوره را دخل ندمد و به حکم نقیض این معنی مستند نگردد
در این باب قدغن دانند.

تحریر فی عشر اول شهر جمادی الثانی سیچقان ثیل اثنی و سبعین
و تسعمائة.

مقرر است آنچه حسب الحکم جهان مطاع در وجه وظیفه جماعت
مزبور مقرر شده بروجهی که موافق شرع شریف باشد بدیشان رسانند
و اگر متولی عوض ایشان به وجه شرع کسی تعیین کند به وقوف مدرس
کند. با مهر «مسوده دیوان اعلی ۹۹۹».

در پشت این فرمان به نوشته بوسه عبارتهای زیر آمده است.
«توکلت علی الله...» و الله محمد علی. العبد محمد یوسف بن حسن.
الحسینی و «افوض امری الی الله» و ثبت دفتر توجیه دیوان اعلی شد [؟] و
«به نظر رسید» [؟] ۱.

-۳-

در بالا مهر «بنده شاه ولایت عباس ۹۹۹» که گرداگرد آن صلوات
بر پیامبر و سیزده معصوم دیگر آمده است دیده میشود. سجع و سجع و صورت
این مهر در دو کتاب رابینو (سکهها ص ۳۴ و آلبوم ص ۳۰ و پلانچ
۴۸ ش ۵) از روی همین نسخه ۴۹۳۵ شرقی موزه بریتانیا هم دیده
میشود.

فرمان همایون شد آنکه چون حسب الحکم جهان مطاع آفتاب
شعاع مبلغی از بسابت مالوجهات قریه ابرین^۲ غار ری حسب الذیل:

۱- م ب ۴۹۳۵ (ش ۸ بوسه - ص ۲۲۷ بررسی).

۲- دو فرمان مورخ ۹۶۱ شاه تهماسب (آستانه ری ص ۸۶) از «بریدین»
غار ری یاد شده که در مقدمه آن (ص ۳۱) «ابرین» خوانده شده است.

پنج هزار و پانزده دینار.

بابت:

علی الحساب

پنج هزار دینار

پانزده دینار

جنس

نقد

چهار هزار و یک و صد و شصت و دو دینار.

هشتصد و سی و هشت دینار

به سیورغال اولاد سیادت و مغفرت پناه امیر رشید الاسلام رضوی
 نقیب مقرر بود و در وقتی که به نفس نفیس تحقیق سیورغالات و استحقاق
 ارباب سیورغال می فرمودیم به حقیقت سیورغال مزبور رسیدیم و سیادت
 پناه مرحوم میرشمس الدین نقیب رضوی متولی سرکار قدیمی آستانه
 مقدسه منوره متبر که [...] که از اولاد مغفرت پناه مذکور بود به نظر اشرف
 درآمد و سیورغال مزبور را به او و سایر اولاد شفقت فرموده بودیم و
 داخل نسخه معروضه شده حکم امضاء به اسم او سایر اولاد گذشته
 درین ولا به عرض رسید که سیادت پناه مرحوم مزبور به جوار رحمت
 بیوسته و وارث منحصر در سیادت و نجابت پناه امیر ظهیر الدین ابراهیم
 برادر مرحوم مذکور است، بنا بر ظهور استحقاق سیادت پناه مشارالیه
 شفقت و مرحمت در باره او فرموده به دستور مبلغ پنج هزار و پانزده
 دینار مذکور فوق را از بابت مالوجهای قریه مزبور به سیورغال ابدی و

۱- در متن سفید گذاشته شده و بایستی در بالای فرمان عبارتی مانند

دستی فاطمه علیها و علی آبانها الصلوة والسلام باشد.

احسان سرمدی او عنایت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم که کدخدایان و رعایای محل مذکوره سیادت پناه هومی الیه را صاحب سیورغال مبلغ مزبور دانسته وجه سیورغال او ارسال به سال موافق دستورالعمل واصل و عاید ساخته چیزی موقوف ندانند. و اگر چیزی از وجه سیورغال مانده باشد به مشارلیه عاید گردانند. و احدی از احکام و تیولداران و عمال الکاهری دخل در سیورغال هومی الیه ننموده مادام که از دیوان اعلی حوالتی بر سیورغالات نشود در جزو به علت اخراجات و عوارضات خلاف حکم و حساب بهر اسم و رسم که بوده باشد حواله و اطلاق ننموده قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند. مستوفیان عظام دیوان اعلی حسب المسطور در دفاتر عمل نموده تغییر و تبدیل به قواعد آن راه ندهند، درین باب قدغن دانسته از فرموده درنگذرنند و هر ساله حکم مجدد طلب ندارند و چون به مهر مهر آثار اشرف اعلی برسد اعتماد نمایند.

تحریرافی شهر شوال سنه سبع عشر و الف.

ثبت مهر همایون.

ثبت مهر همایون شد.

اطلعت علیه

بندۀ شاه ولایت

توکلت علی الله

افوض امری الی الله

به قلم آمد

غلام شاه عباس مقصود است

به نظر رسید

نوشته شد

غلام... ابراهیم است

ثبت دفتر سرخط شد^۱

امیرنظام الدین سلطان احمد را که یاد شده است مزاری بوده که رقبات موقوفه‌ای داشته است و در دوفرمان شاه تهماسب مسورخ ۱۸ شعبان ۹۳۱ و ۱۸ج ۲/۹۴۸ از آن یاد شده است (سفرنامه افضل الملك ص ۴۴۱-بوسه ش ۶ - بررسی‌های تاریخی ص ۲۲۵).

چهارمزار درشهر قم هست منسوب به احمد:

۱- شاهزاده احمد خاکنفرج.

۲- شاهزاده احمد درپهلوی بقعه شاهزاده حمزه.

۳- شاه سیدابو احمد دارای کتیبه‌ای مورخ ۹۳۲.

۴- امامزاده شاه احمد در پهلوی در واژه قلعه در گورستان مالون دارای کتیبه‌ای مورخ ۷۰۸ با نام صاحب دیوان قوام الدین علی بن عزالدین اسحق بن صفی علی و ساخته محمد علی «ابوشجاع بناء».

(تاریخ قم ناصر الشریعة ۱۱۷ و ۱۲۴ و ۱۲۶ و ۱۳۰ - راهنمای قم

۲۰ و ۱۳۹ و ۱۳۰) شاید مزار نظام الدین سلطان احمد یکی از اینها باشد.

-۱۹-

رضویان متولی آستانه سنی فاطمه ع درشهر قم

(از روی اسناد).

۱- سید احمد نظام الدین که زاویه‌ای دارد (ش ۶ بوسه) و برادرش

سید کمال الدین عطاء الله در ۸۶۷ و ۸۷۴ و ۸۸۴.

۲- مرشد الدین رشید الاسلام در ۹۰۴ و ۹۱۸ و ۹۳۱.

۱- ب م ۴۹۵۳ (ش ۱۰ بوسه - ص ۲۲۹ بررسی).

- ۳- سید شجاع‌الدین محمود پسر او در ۹۴۸.
- ۴- امیرسلطان احمد در ۹۷۲.
- ۵- میرشمس‌الدین پسر رشیدالاسلام در ۱۰۱۷.
- ۶- ظهیرالدین ابراهیم پسر رشیدالاسلام در ۱۰۱۷.

نسب سلسله رضوی مدعیان تولیت در زمان قاجار

(از روی سفرنامه افضل‌الملک).

- ۱- سلطان احمد نظام‌الدین.
 - ۲- رشیدالاسلام.
 - ۳- یحیی.
 - ۱- احمد مجتهد متولی آستانه - ۱- حسین
 - ۲- یحیی مجتهد متولی شرعی آستانه - ۲- جعفر
 - ۳- احمد مجتهد معاصر میرزاقمی - ۳- حسین
 - ۴- اسدالله - ۴- جعفر
 - ۵- رقیه سلطان خانم - ۵- حاجی میرزا تقی.
- این دو زن وشوهر شده بودند.

مستوفیان آستانه

(از روی سفرنامه افضل‌الملک).

- ۱- محمد جعفر مستوفی در ۱۰۸۹.
 - ۲- ظییرا میرزا محمد ابراهیم مستوفی در ۱۱۳۵.
 - ۳- میرزا اسحاق.
 - ۴- میرزا محمد ابراهیم مستوفی آستانه.
 - ۵- میرزا محمد حسین مستوفی - ۵- میرزا علی رضا مستوفی
 - ۶- میرزا اسدالله - ۶- محمد تقی مستوفی
- که فرمانها در دستش بوده است

و این فرمانها بگواهی فهوست ریو درموزه بریتانیا است.

متولیان سلسله حسینی

(بگواهی عرضهای نسخه‌ها).

- ۱- محمد امین بن محمد مهدی در ۱۱۰۲ و ۱۱۰۴.
- ۲- محمد معصوم بن محمد مهدی که شاید او هم به تولیت رسیده باشد.
- ۳- ابوطالب بن محمد معصوم در ۱۱۱۱ و ۱۱۲۵.
- ۴- محمد مهدی بن محمد معصوم در ۱۱۳۰.
- ۵- محمد رحیم بن محمد مهدی در ۱۱۴۲ و ۱۱۴۵ و ۱۱۵۴.
- ۶- محمد خلیل بن محمد مهدی در ۱۱۴۳ و ۱۱۶۳ و ۱۱۷۲.
- ۷- میرزا محمد معصوم متولی در ۱۱۸۲.
- ۸- محمد مهدی بن محمد خلیل.
- ۹- اسدالله متولی باشی پسر محمد خلیل زنده در ۱۲۰۳.
- ۱۰- محمد رضا بن اسدالله متولی باشی در ۱۲۵۱ و ۱۲۵۲.
- ۱۱- حسین بن محمد رضا در ۱۲۷۴ و ۱۲۹۲ و ۱۲۹۶.
- ۱۲- سید محمد باقر متولی باشی در ۱۳۵۷.

.....

۱۳- حاج سید ابوالفضل تولیت پسر سید محمد باقر در ۱۳۷۱ و

۱۳۸۳ (از روی وقف‌نامه‌های تازه).

نسب متولیان حسینی

(از روی تاریخ قم میرزا علی اکبر فیض از طومار خانوادگی میرزا

سید حسین متولی باشی)

۱- خاتم‌المجتهدین سید حسین کرکی در گذشته ۱۰۰۱.

۲- میرزا حبیب‌الله زنده در ۱۰۴۲.

۳- مهدی.

- ۴- معصوم.
- ۵- ابوطالب.
- ۶- مهدی.
- ۷- محمد امین.
- ۸- حسن (زنده در ۱۱۳۴).
- ۹- مهدی.
- ۱۰- محمدخلیل.
- ۱۱- محمدرحیم.
- ۱۲- میرزا سیدمحمد مهدی.
- ۱۳- میرزا سیدمحمد.
- ۱۴- میرزا اسدالله.
- ۱۵- میرزا محمدرضا.
- ۱۶- حاجی میرزا سیدحسین متولی باشی.
- ۱۷- محمدباقر.
- ۱۸- ابوالفضل.

در تاریخ قم تالیف میرزا علی اکبر قیضا متولی مزار فتح علی شاه پسر آقامیرزا محمد متولی همین مزار که این کتاب را در سال ۱۳۰۹ در ۱۵ باب ساخته است از طومار متولی آستانه حاجی میرزا سیدحسین متولی باشی نسب او چنین نقل شده است که او پسر میرزا محمد رضا پسر میرزا اسدالله پسر میرزا سیدمحمد پسر میرزا سیدمحمد مهدی پسر محمدرحیم پسر محمدخلیل پسر مهدی پسر حسن پسر محمد امین پسر مهدی پسر ابوطالب پسر معصوم پسر مهدی پسر حبیب پسر سیدحسین خاتم المجتهدین عبدالعال کرکی است. کرکی را چند پسر بوده است:

۱- حبیب اله که تولیت آستانه قم را داشته است.

۱- دیوان او در ملک هست (ش ۵۵۳۴)، بنگرید به ذریعه (۹: ۸۳۰) و فرهنگ سخنوران (۴۵۹).

۲- سید محمد قاضی عسکر که یک پسرش مرتضی متولی مزار شاه نعمه‌اله در کرمان بوده است.

پسر دیگرش میرزا آقایی است که دخترزاده‌هایش متولی آستانه شاه چراغ بوده‌اند مانند نائب‌الصدر و دیگران.

پسر سوم او نظام‌الدین علی است که پسرش میرزا ابراهیم متولی امامزاده عبدالعظیم و شیخ‌الاسلام ری بوده است.

۳- نیای عضدالملک صدر قزوینی صدر دیوان خاصه عدلیه و متولی آستانه رضوی در مشهد که شیخ‌الاسلام قزوین بوده است.

۴- میرزا سیداحمد متولی آستانه شیخ‌صافی در اردبیل.

۵- میرزا تقی‌الدین محمد است.

دختر خاتم‌المجتهدین زن شاه قاسم بوده و خاکجای او در طرشت تهران است.

این کتاب را نزد نکارنده نزد آقای عباس فیض مؤلف «بدر فروزان و انجم فروزان» دیده‌ام. کسی در هامش این نسخه که اصل است در اینجا نوشته است که نایب‌الصدر سید نبوده و متولی شاه‌چراغ هم آقامیرزا بابای راز است.

به این داستان در انجم فروزان (ص ۱۴۳) و تاریخ قم ناصرالشریعة (چاپ ۷۷ و ۲۸۲) و عبدالعظیم‌الحسینی از آقای عزیزالله عطاردی قوچانی (ص ۲۹۵) و راهنمای قم (ص ۱۰۵) و آستانه ری (ص ۳۶) با اختلافاتی اشارت شده است.

میرزا عالمیان خواجه میرزا محمد شفیق کدکنی نیشابوری وزیر دارالمرز و گیلان و مازندران و قزوین و خراسان در گذشته ۱۰۱۸ و نیای نور جهان زن جهانگیر و ممتاز محل مادر او رنگ‌زیب و داراشکوه متولی آستانه قم بوده است (بگفته آقای عزیزالله عطاردی).

سرگذشت او در تاریخ عالم آرای عباسی (ص ۷۰۸ و ۸۰۳ و ۱۰۹۳) هست.

در مآثر و آثار اعتمادالسلطنه (ص ۱۵) آمده است که تولیت آستانه

مقدمه فاطمه با میرزا محمدرضا طاب‌ثراه بوده و سپس با حاج میرزا محمد حسین پسرش و نیابت تولیت با حاج میرزا محمدتقی برادرش می‌باشد.
مهر میرزا حسین پسر میرزا محمدرضا را در عرضهای مورخ ۱۲۹۲ و ۱۲۹۷ می‌بینیم.

-۲۰-

قیم نامه‌ها

۱- کهن‌ترین سند تاریخی درباره شهر قم تاریخ قم است که اصل آن به عربی است و آن را استاد ابوعلی حسن بن محمد بن حسن شیبانی قمی به انگیزه برادر خود ابوالقاسم علی کاتب شیبانی فرمان‌روای قم در ۳۷۸ بنام صاحب‌عباد ساخته است و آن را حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی گویا در سال ۸۰۵ و ۸۰۶ برای خواجه فخرالدین ابراهیم بن خواجه عمادالدین وزیر محمود بن صاحب خواجه شمس‌الدین محمد بن علی صفی بفارسی برگردانده است. کتاب باید در بیست باب و ۵۰ فصل باشد ولی اکنون بیش از ۵ باب آن در دست نیست.

نوری در مستدرک الوسائل (۳: ۳۶۹) و کلمه طیبه (ص ۳۳۷) می‌نویسد که تاریخ قم در ۸۶۵ ترجمه شده است و مجلسی متن آن را ندیده ولی در فضائل السادات دامستانی از عربی آن نقل شده و آقا محمد علی کرمانشاهی در حاشیه نقد الرجال در نام «حسن» گزیده همین داستان را آورده است، (بتکرید به فهرست ادبیات تهران ۱: ۷۵ - ذریعه ۱۷: ۱۷۰).

خواجه علی صفی قصاب در زمان جلال‌الدوله اسکندر (۷۳۴-۷۶۱) و فخرالدوله شاه غازی (۷۵۰-۷۷۰) میزیسته و در داستان گشودن قلعه قوسین (گچین) و کشته شدن رکن کرد و بردن کالبد او به قم در ۷۵۹ از او بنام «حاکم و سردار قم و صاحب اعظم سپه سالار عراق» یاد میشود.

این رکن کرد از برناییشان اصفهان بوده و در سراسر عراق اخی‌گری او آشکار شده بود و بسی کارهای اسفاهی‌گری و برناییشگی از دست او برآمده بود و نوکر و مصاحب حاکم قم (همان علی صفی) بوده است. این

مقدسه فاطمیه با میرزا محمدرضا طاب‌نراه بوده و سپس با حاج میرزا محمد حسین پسرش و نیابت تولیت با حاج میرزا محمدتقی برادرش می‌باشد. مهر میرزا حسین پسر میرزا محمدرضا را در عرضهای مورخ ۱۲۹۲ و ۱۲۹۷ می‌بینیم.

-۲۰-

قم نامه‌ها

۱- کهن‌ترین سند تاریخی درباره شهر قم تاریخ قم است که اصل آن به عربی است و آن را استاد ابوعلی حسن بن محمد بن حسن شیبانی قمی به انگیزه برادر خود ابوالقاسم علی کاتب شیبانی فرمان‌روای قم در ۳۷۸ بنام صاحب‌عباد ساخته است و آنرا حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی گویا در سال ۸۰۵ و ۸۰۶ برای خواجه فخرالدین ابراهیم بن خواجه عمادالدین وزیر محمود بن صاحب خواجه شمس‌الدین محمد بن علی صفی بفارسی برگردانده است. کتاب باید در بیست باب و ۵۰ فصل باشد ولی اکنون بیش از ۵ باب آن در دست نیست.

نوری در مستدرک الوسائل (۳: ۳۶۹) و کلمه طیبه (ص ۳۳۷) می‌نویسد که تاریخ قم در ۸۶۵ ترجمه شده است و مجلسی متن آن را ندیده ولی در فضائل السادات داستانی از عربی آن نقل شده و آقا محمد علی کرمانشاهی در حاشیه نقد الرجال در نام «حسن» گزیده همین داستان را آورده است، (بنگرید به فهرست ادبیات تهران ۱: ۷۵ - ذریعه ۱۷: ۱۷۰).

خواجه علی صفی قصاد در زمان جلال‌الدوله اسکندر (۷۳۴-۷۶۱) و فخرالدوله شاه غازی (۷۵۰-۷۷۰) میزیسته و در داستان گشودن قلعه قوسین (گوسین) و کشته شدن رکن کرد و بردن کالبد او به قم در ۷۵۹ از او بنام «حاکم و سردار قم و صاحب اعظم سپه سالار عراق» یاد میشود.

این رکن کرد از برنایندگان اصفهان بوده و در سراسر عراق اخی‌گری او آشکار شده بود و بسی کارهای اسفاهی‌گری و برناییشگی از دست او برآمده بود و نوکر و مصاحب حاکم قم (همان علی صفی) بوده است. این

حاکم در این داستان از مخالفان دو پادشاه یاد شده بود و از دشمنان ترك آن دو پشتیبانی کرده ولی پس از كشوده شدن قلعه پس از مدتی پوزش خواسته است و گویا به درخواست او بود که کالدبرکن کرد را به قلم برده بودند.^۱

در مطلع السعدین و مجمع البحرین کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی (۱: ۲: ۱۳۹-۱۴۰) از خانقاه صفی علی بیرون دروازه کنگان (گویا: کاشان) قم یاد شده است و آن شاید همان بقعه باغ گنبد سبز باشد پهلوی بقعه ای که او برای عم و پسر عم خود ساخته است و شاید خود او هم در همانجا خفته است و تاریخی اکنون ندارد. (وحید ۹۰: ۳۸۷).

در تاریخ قم ناصر الشریعه (ص ۱۲۰ و ۱۳۵ و ۱۳۵) و در راهنمای قم (ص ۱۳۰ و ۱۳۲) از چند کتیبه یاد میشود:

۱- مرقد امامزاده شاه احمد در دروازه قلعه جنوب قم در قبرستان مالون که صاحب دیوان قوام الدین علی پسر صاحب اعظم عزالدین اسحاق پسر صفی علی بدستاری محمد علی ابوشجاع بناء ساخته است. تاریخ آن در راهنمای قم (ص ۱۳۰) ۲۰ محرم ۷۰۸ یسار شده است ولی گویا درست نباشد شاید ۸۰۷ است بلکه درست ۷۸۰ (ثمانین و سبعائة) است (وحید ۵۵: ۶۸۴ و ۹۰: ۳۸۷).

۲- روضه امامزاده اسماعیل در کوی سید سربخش در کنار شهر که صاحب اعظم غیاث الدین امیر محمد پسر جمال الدین علی صفی در محرم ۷۷۶ ساخته است.

۳- سه بقعه باغ گنبد سبز پهلوی با روی شهر نزدیک مشهد علی بن جعفر بیرون دروازه کاشان که در کتیبه مورخ ۷۶۱ از صفی علی بنیادگذار بقعه عمش اصیل الدین جمال الاسلام و جمال الدین علی بن ابی المعالی ابن علی صفی پسر این یکی یاد شده است (وحید ۵۶: ۶۹۹).

در بقعه سید سربخش که گویا خاکجای اسماعیل بن محمد بن جعفر صادق است و ساخته علی بن محمد بن ابی شجاع کتیبه ایست که در آن از صاحب

۱- تاریخ رویان ص ۱۹۶- تاریخ طبرستان مرعشی ۱۱۷.

۲- در قزوین هم مسجد سبز است (میتودر ۵۵۶ و ۶۸۶).

غیاث‌الدین امیر محمد بن جمال‌الدین علی بن صفی یاد شده و او است که در معجم ۷۷۴ دستور ساختن ابن بقعه را داده است.
در کتیبه باغ گنبد آمده است که خواجه جمال‌الدین علی و پدرش (یا پسرش) جلال‌الدین و برادرش عماد‌الدین محمود و برادرش خواجه صفی‌الدین در اینجا خفته‌اند و مورخ ۷۹۲ است (وحید ۵۷: ۸۳۹).

خاندان علی صفی

خواجه علی صفی‌الدین ۷۵۹

ابوالمعالی غیاث‌الدین امیر محمد یا شمس‌الدین محمد عزالدین اسحاق
۷۷۶

جمال‌الدین علی خواجه عماد‌الدین محمود وزیر قوام‌الدین علی
۷۸۹

خواجه فخر‌الدین ابراهیم

جمال‌الدین

۸۵۵ و ۸۰۶

۷۹۲

(کتیبه مربوط به ستون یکم درست خوانده نشد و در مآخذ اختلاف است و یقینی نیست)

این عماد‌الدین محمود جز خواجه عماد‌الدین محمود پسر معین‌الدین شبلی شروانی و بنیادگذار مسجد عمادی کاشان است که از او و برادرش در کتیبه‌های کاشان یاد شده و او در ۸۶۸ و ۸۶۹ و ۸۷۷ زنده بوده است.
(آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز فهرست نامه‌ها - مرآة قاسان ص ۵۱۷).

نسخه‌های تاریخ قم

۱- ش ۱۷۱۵/د(۵: ۶۴۷ ش ۲۴۷۲) کتابخانه ملی تهران، نستعلیق بهاء‌الدین بن حسن بن بهاء‌الدین بن حسن بن عبد‌الملک حافظ به فرمان دستورالوزراء صاحب‌اعظم خواجه زین‌الدین در روز دوشنبه ۲۷ ذح ۸۳۷ (سبع و ثلاثین و

ثماننامه) در شهر قم، مجلد یکم است و درست مانند چاپی و آنچه در آن سفید گذارده شده در این هم سفید است، داستان سنی فاطمه (ع) را دارد، با پیشانی و جدول زر و لاجورد، عنوان و نشان شنگرف، در ۴۳۴ ص ۱۷ س رحلی، تاریخ تالیف در آن «خمس وست و ثماننامه» آمده است، در ص ۳ آن خط و مهر محمد امین بن محمد تقی است، با یادداشت شیخ مهدی بن حسین بن حسن که يك نسخه از روی آن برای آقامیرزا اکبر (فیض) درج ۱۲۹۵/۲ نوشته است (گویانسخه ش ۱۴۶۷ سپهسالار) نسخه‌های ش ۱۴۲ ج ادبیات تهران در ۸-۱۳۰۷ و ش ۱۴ نونویس برون از روی همین نسخه باید نوشته شده باشد. بگواهی همین نسخه ادبیات این نسخه از آن خلخالی بوده است.

۲- ش Or 3391 موزه بریتانیا به خط نستعلیق از سده نهم (۱۵ م) که تاریخ تالیف آن در فهرست (ذیل ریو ص ۵۹ ش ۸۸) ۸۲۵ آمده است.
۳- نسخه مورخ ۱۰۰۱ که چاپ سید جلال‌الدین از روی آنست و تاریخ تالیف آن باید بگواهی چاپی ۸۰۵ و ۸۰۶ باشد (دیباچه چاپی).

۴- ش ۱۸۷ اصغر مهدوی مورخ روز دو شنبه ۱۰ ذق ۱۲۲۹، تاریخ تالیف در آن ۸۶۵ (خمس وستین و ثماننامه) است (نشریه ۶۵:۲) در بسیاری از جاها سفید گذارده شده در آخر که با نسخه‌های دیگر میتوان کامل نمود.
۵- ش ۴۸۴ دکتر حسین مفتاح مورخ ۱۲۵۲ نستعلیق علی حسینی. (نشریه ۷:۱۱۰)

۶- ش ۵۶۵۱ مجلس (۱۷:۱۰۶) نستعلیق ابوالقاسم گلپایگانی در ۱۲۷۵، تاریخ تالیف آن در فهرست ۸۰۶ آمده است.
۷- ش ۱۵ برون که در ۱۲۸۶ برای جلال‌الدین احتشام‌الملک نوشته شده، با تاریخ تالیف ۸۰۶ در فهرست (۱۲۳).

۸- ش ۱۴۶۷ سپهسالار نوشته مهدی بن شیخ حسن قمی در ۶ شوال ۱۲۹۵ به دستور علی اکبر فیض و به فرمان اعتضاد السلطنه که باید از روی نسخه کهن ملی (ش ۱) نوشته شده باشد چنانکه یاد کرده‌ام، تاریخ تالیف در آن ۸۶۶ است (۳:۳۰۱).

۹- ش ۴: ۷۳ - ۶۰۱۰ آستانه سنی فاطمه در قم مورخ ۱۰ شوال ۱۳۰۰ نوشته به دستور محمد مهدی خان اعتضاد السلطنه فرمانروای قم در ۲۹۹-۱۳۰۴ (رجال ایران بامداد ۴:۱۰) دارای تاریخ تالیف ۸۶۵، از آن

محمدباقر حسینی متولی‌باشی بوده است در ۱۳۴۰، همانکه در ذریعه (۳: ۲۷۶) یاد شده است.

۱۰- ش ۱۲۲ ج ادبیات تهران مورخ ۲۳ مورخ شوال ۱۳۰۰ (۷۵:۱) دارای تاریخ تالیف ۸۶۵.

۱۱- ش ۲ و ۱۴۲/۱ ج ادبیات تهران نوشته ۸-۱۳۹۷ از روی نسخه کهن ملی (ش ۱) که نسخه خلخال خوانده شده است. (۸۵:۱).

۱۲- ش ۷۶۷۰ مجلس از سده ۱۳، با سرلوح و حاشیه‌سازی در ص ۱ و ۲ زرین و رنگین، عنوان شنکرف و زر، جدول و ستون‌بندی زر و لاجورد، در بسیاری از جاها سفیدگذارده شده، باندازه رحلی، تاریخ تالیف در آن «خمس وستین و ثمانمانه» آمده است.

۱۳- ش ۳۹۱۳ ملک، از سده ۱۳، از آن کتابخانه اعتمادالسلطنه (ص ۸۸ فهرست فارسی).

۱۴- ش ۱۴ (۱۴) برون، نونویس از روی نسخه مورخ روز دوشنبه ۱۷ ذح ۸۳۷ (نسخه خلخال) با تاریخ ۸۰۶ در فهرست (ص ۱۲۲). تاریخ روز باید ۲۷ ذح باشد گویا در فهرست یا در نسخه اشتباهی شده است.

۱۵- نسخه شیخ الاسلام زنجانی که در ذریعه (۳: ۲۷۷) یاد شده است

۱۶- ملی ۱۹۱/م نوشته ۱۳۱۳ (۶: ۲۳: ۲۰۲۵) (نیز منزوی ۴۲۶۴)

در فهرست رضوی (۳: ۱۱۶ ش ۳۵) در وصف تاریخ قم محمد علی قمی (انوار المشعشعین) از تاریخ قم که در ۸۰۵ تالیف شده یاد گردیده است.

نیز بنگرید به: یادداشتهای قزوینی ۱۹: ۲ - ذریعه ۳: ۹ - ۲۷۶ - فهرست ادبیات تهران ۱: ۷۵ - استوری ۱: ۳۴۸ و ۱۲۹۱ - بروکلن ذیل

۲۱۱: ۱ - سزگین ۱: ۳۵۲ - بریکل ۱۰۰۸.

در آثار افضل‌الدین محمدمرتقی کاشانی در گذشته ۱۰۶ از رکن‌الدین تاج‌الاسلام قاضی صفی‌بن‌علی الویذگلی که نامه‌ای سلطان‌الحکماء خواجه زین‌الدین النسوی وزیر خراسان نوشته و پاسخی که او بدو داده است یاد میشود (ص ۶۶۶ - ۶۷۰ مصنفات کاشانی - مجلس ۲: ۳۸۳ - ش ۲۴۶۶ دانشگاه ص ۱۳۵).

در کتابخانه ملک (ش ۱۷۲ ص ۲۰۳ فهرست عربی) خلاصه التفسیر است از جمال‌الدین اسحاق بن‌علی ویدگلی نوشته علی بن‌ابراهیم در ۶۵۳.

در شهر کاشان نزد آقای حسن عاطفی شرحی است به فارسی بر شهاب الاخبار قضاعی که در پایان آن آمده است: « وقع الفراغ من تنمیق هذا الكتاب المسمى بضیاء الشهاب فی سلخ جمادی الاول سنة ثمان و سبعین وثمانمائه هجرية علی يد اضعف عبادة الله الولی محمد بن جلال الدین بن علی البیدگلی » در کتابخانه آستانه سنی فاطمه در شهر قم قرآنی است با ترجمه فارسی به نسخ مجدالدین بن قوام الدین علی بیدگلی در ۱ رجب ۸۹۲ (ش ۳: ۱۸۵ ۹۳۲۳).

در موزه شیراز کتیبه ایست بر روی کاشی که در آن چنین آمده است: « نصب هذا المحراب لمزار شیخ الاسلام العابد زبدة المشایخ و المحققین شرف الملة و الدین حسن صفاد رحمة الله علیه باشارة العبد الفقیر الی رحمة الله محمد بن عبدالله الملقب بغیاث الابر قوهی عفان الله عنه تحریرافی جمادی الاخره لسنة سبع وثمانمائه »

شریف نسابه ابو اسماعیل ابراهیم بن ناصر طباطبائی از سده پنجم در منتقلة الطالبیة از « ابوعلی الحسن بن محمد بن الحسن بن السائب ابن مالك القمی صاحب کتاب قم » نقلی کرده که بگواهی ناشر آن (ص ۲۵۵ و ۲۵۷) در تاریخ قم نیست.

امیر منشی در رساله احوال قم ازان بایستی بهره باشد (ذریعه ۳ ۲۷۸-۷) میرزا علی اکبر فیض در تاریخ قم و شیخ محمد علی قمی در انوار المشعشعین (ذریعه ۲: ۴۴۱) ازان بهره برده اند.

افندی در ریاض العلماء چنین می نویسد:

الشیخ الجلیل الحسن بن محمد بن الحسن قمی من اکابر قدماء علماء الاصحاب ومن معاصری الصدوق یروی عن الشیخ حسین بن علی بن بابویه اخی الصدوق بل عنه ایضا فلاحظ وله کتاب تاریخ بلدة قم و قد عول علیه الاستاد قدس سره فی البحار قال انه کتاب معتبر و ینقل عن کتابه المذكور

۱- در نشریه (۵: ۳۶۰) من از این کتیبه یاد کرده ام. کتیبه دیگری

هم آنجا هست و آن سنک قبر شهید ابوبکر شاه بن استاد قطب الدین بن علی شاه اقلیلی است مورخ ۱۵ع ۸۲۵ و آن را چند سال پیش در آنجا دیده ام.

فی مجلد المزار وغيره من البحار ولكن قال انه ان يتسر لنا اصل الكتاب و انما وصل الينا ترجمته وقد اخرجنا بعض اخباره في كتاب السماء والعالم انتهى واقول و يظهر من رسالة الامير المنشي في احوال بلدة قم ومفاخرها و مناقبها ان اسم صاحب هذا التاريخ الاستاد ابو علي الحسن بن محمد بن الحسين الشامي (الشيبياني. ظ) القمي فتامل. ثم اقول سيجي في باب الميم ترجمة الشيخ محمد بن الحسن القمي وظني انه والد هذا الشيخ و قد يقال انه العمى بالعين المهملة فهو غيره فلاحظ. و اعلم اني رايت نسخة من هذا التاريخ بالفارسية في بلدة قم وهو كتاب كبير جدا جيد كثير الفوائد في مجلدات محتوي على عشرين بابا و يظهر منه ان مولفه بالعربية انما هو الشيخ حسن بن محمد المذكور و سماه كتاب قم و قد كان في عهد صاحب بن عباد و الف هذا التاريخ له و ذكر في اوله كثيرا من احوال و خصاله و فضائله ثم ترجمه الحسن بن علي الحسن بن عبد الملك القمي بالفارسية بامر الخواجه عماد الدين صاحب الخواجه شمس الدين محمد بن علي الصفی في سنة ثمانمائة و خمس و ستين. ثم ان لهذا المورخ الفاضل القمي مولف الاصل اخ فاضل و هو ابوالقاسم علي بن محمد بن الحسن الكايب القمي كما يظهر من هذا الكتاب مما يتعلق باحوال خراج قم و بعض احواله ما اخوذ منه (ش ۵۳ ب دانشکده ادبيات تهران ص ۶۶)

از اینجا گویا بر می آید که افندی نسخه ای را دیده که در قم بوده بسیار بزرگ و در چند مجلد دارای بیست باب و به فارسی و گویا کامل بوده است و تاریخ تالیف آن را ۸۶۵ یاد میکند

در اثنی عشریة محمد طاهر قمی (۲/ ۲۴۷۹) دانشگاه ص ۶۵۴) چنین آمده است: چنانکه در کتاب قم مذکور است دوازده کس از اشعریان به خدمت حضرت امام جعفر صادق تردد میگردند و ازان حضرت مسائل دینی می آموختند و شیعیان شرق و غرب از احادیث و علوم ایشان منتفع میشدند و مذهب ائمه اثنی عشر را رواج و رونق میدادند و از جمله ایشان زکریا بن آدم است که با حضرت رضا علیه السلام از مدینه تا مکه هم کجاوه

بوده است.

نیز (ص ۶۵۵) : در کتاب قم مذکور است که موسی بن عبدالله بن عبدالله بن سعد اشعری مذهب اثنی عشری را در قسم رواج داد و ظاهر و آشکار ساخت.

این مطالب با عبارات فارسی شیوایی در تاریخ قم (ص ۲۷۸) هست.

سپس در آن آمده: «صاحب کتاب کشف الغمّه نقل کرده که در وقتی اهل قم ترک اطاعت خلفاء نمودند و قلعه بندی کردند حضرت صاحب الامر علیه السلام به مدد ایشان حاضر شد و مقام حضرت صاحب الامر در قم مشهور است.

سید احمد عاملی در منهاج الصفوی یا فضائل السادات (آستانه قم ۱: ۱۱۳-۵۹۱۲) گویا متن عربی تاریخ قم را در دست داشته همچنین ترجمه دیگری از آن او.

حاجی نوری در نجم ثاقب حکایت ۱ باب ۲ (چاپ سنگی نستعلیق ۱۳۱۹ و ۱۳۴۶ رحلی هر دو ص ۱۵۵) و کلمه طیبه (چاپ ۱۳۰۳ بمبئی و زبیری ص ۳۳۷) از روی خط سید نعمت الله جزایری در مجموعه ای داستان مسجد چمکران را از نسخه فارسی تاریخ قم شیخ فاضل حسن بن محمد بن حسن قمی معاصر صدوق از مونس الحزین فی معرفة الحق و الیقین ابن بابویه می آورد و میگوید که آقا محمد علی کرمانشاهی در حاشیه نقد الرجال در باب «حسن» گزیده آن را به عربی آورده است.

ناصر الشریعة نیز در تاریخ قم (ص ۱۵۲) همین را از نوری نقل کرده است. این داستان در تاریخ قم که در دست دادیم نیست و ابن بابویه

هم چنین کتابی ندارد.

سید محمد اشرف در فضائل السادات (چاپ ۱۳۸۰ قم ص ۱۰۶ و ۴۷۰) از منہاج الصفوی نیای خود نقل کرده است. او عبارتی از تاریخ قم به عربی و ترجمه همین بند را از «بعضی از تواریخ فارسی قسم» درباره داستان «سید حسین میکسار» آورده است از اینجاست که برخی گویا گفته اند که او نسخه عربی این کتاب را در دست داشته است (ص ۱۵۳ تاریخ قم ناصر الشریعة) چنین است نقل او:

از آن جمله حکایتیست که در تاریخ مدینة المومنین قم که از حسن بن محمد قمیست باین عبارت وارد است «رویت عن مشایخ قم ان الحسین بن الحسن بن جعفر بن محمد بن اسمعیل بن جعفر الصادق علیه السلام کان یشرّب الخمر علانیة فقصید یوما لحاجة باب احمد بن اسحق الأشعری و کان وکیلافی الاوقاف بقم فلم یاذن له و رجع الی بیته مهموما فتوجه احمد بن اسحق الی الحج قلما بلغ سر من رای استاذن علی بن محمد الحسن العسکری علیه السلام قلم یا ذن له فبکی احمد لذلک طویلا و تضرع حتی اذن له فلما دخل قال باین رسول الله لم منعتنی الدخول علیک و انا من شیعتک و موالیک قال علیه السلام لانک طردت ابن عمنا عن بابک فبکی احمد و حلف بالله انه لم یمنعه عن الدخول علیه الا ان یتوب من شرب الخمر قال صدقت و لکن لا بد من اکرا مهم و احترام مهم علی کل حال و ان لا تحقرهم و لا تستهین بهم لاننا یومئذ یتکون من الخاسرین فلما رجع احمد الی قم اتاه اشرافهم و کان الحسین معهم فلما راه احمد وثب الیه و استقبله و اکرمه و اجلسه فی صدر المجلس فاستغرب الحسین ذلک منه و استبعده و ساله فذکر له ماجری بیته و بین العسکری علیه السلام فی ذلک فلما سمع ذلک ندم من افعاله القبیحة و تاب منها و رجع الی بیته و اهرق الخمر و کسر آلاتها و صار من الاتقیاء المتورعین و الصالحاء المتعبدین و کان ملازما للمساجد معتکفا فیہ حتی ادركه الموت و دفن قریباً من مزار فاطمة رضی الله عنها. و آنچه در بعضی تواریخ فارسی مدینة المومنین مرقومه نظر رسیده در بیان

این روایت که ترجمه‌ای به‌عنوان اجمال و دلیل تداول و شهرت این‌مقال می‌تواند شد این مضمون است که در زمان امام حسن عسکری صلوات‌الله و سلامه علیه سیدی بود مسممی به‌سید حسن که به‌اعمال تبیحه مثل شرب خمر و غیر آن اقدام مینمود و والی موقوفات قم مردی بود به‌زبور صلاح و سداد آراسته روزی سید مزبور به‌دیدن والی آمد والی فرمود تا درخانه بر روی او بستند و او را از دیدن والی منع نمودند اتفاقاً والی در آن سال اراده زیادت کعبه معظمه نمود و عازم خدمت امام حسن عسکری علیه السلام شد و چون به‌در دولت سرای آن حضرت رسید آن حضرت امر فرمود تا در خانه بر روی وی بستند والی بعد از تضرع بسیار و گریه بی‌شمار به شرف پای بوس آن سرور مشرف شد و عرض اخلاص خود نمود و سبب در بستن و تقصیر خود سؤال کرد آن حضرت فرمود که به‌چه سبب در بر روی سید ابوالحسن بستنی گفت با حضرت: سید ابوالحسن به‌شرب خمر مشغول بود حضرت فرمود که جزاء اعمال بدایشان با دیگر بست شما را آن مرتبه نیست که این سلوک باذریه رسالت نمایند این نحو سلوک مکنید که بزه‌مند و بیچاره می‌شوید.

۲- نورالدین علی بن میرحیدر علی منعل قمی قمی زنده در ۹۷۳ و مؤلف نه‌ایه الامال فی ترتیب خلاصه الاقوال شماره ۹۸۷ دانشگاه، تاریخ قم دارد چنانکه آقای عبدالحسین حائری یاد آوری کرده است.

مرگذشت او در مصنفی المقال (۲۷۹ و فهرست دانشگاه (۲: ۶۷۴) هست ولی نامی از تاریخ قم او نیست.

۳- امیر منشی تاریخ قم یا رساله در احوال قم و تاریخ آن دارد و به گفته افندی العلماء ریاض العلماء در آن نوشته است که مؤلف تاریخ قم ابوعلی حسن بن محمد بن حسین شیبانی قمی است.

(ذریعه ۳: ۲۷۹ و مصنفی المقال ۱۲۹ هر دو به نقل از ریاض العلماء افندی، ش ۵۳ ب ادبیات تهران ص ۶۶)

۴- میرزا غلام حسین ادیب همنشین و ندیم علی نقی میرزا فرمان‌روای قم و ساوه و زرند برای محمد حسن خان اعتماد السلطنه در ۵-۴-۱۳۰۴ کتابچه تفصیل حالات دارالایمان قم نگاشته است (دانشگاه ۱۴۵۱) و آن گویا تحریر دیگریست از رساله شماره ۳ مجموعه ناصری که در این جا وصف میشود.

او در آن بیشتر به وضع جغرافیایی و اقتصادی پرداخته و آگاهی‌هایی که بما میدهد بسیار ارزنده است.

در آن از قنات علی آباد وقف «حضرت معصومه» و در یکجا از متولی آستانه یاد شده است. همچنین از بقعه «معصومه» کهک و «معصومه» قاسم آباد و مدرسه آستانه مقدسه و مسجد جامع و مسجد امام حسن و مشهد اعظم یا مشهد امامزاده علی بن باقر یا مشهد بلوک اردهال و گنبد سبز از باغهای دیرینه که گورستان مشایخ اشعری و مزار علی بن جعفر در آن است.

نیز از:

بیدهند روستای قهستان تیول شاهزاده محمد آقا پسر فتح علی شاه برای مقبره همین شاه با تولیت او.

کرمجکان بیلاق قهستان تیول مخارج مقبره محمدشاه با تولیت دوبرادر میرزا آقا و میرزا باقر.

وشنوه بیلاق قهستان تیول مخارج مقبره مهد علیا مادرشاه با تولیت حاجی آغا رضا خان خواجه.

در آن از «ثبت دفترخانه مبارکه» یاد شده و آمده است که زمینهای مزروعی از آب رودخانه قدیم النسق مشروب میشود و هفتاد حصه و بخش است و مالکان آنها مردم شهرند.

نیز از:

براوستان، شهرستان، محمدآباد، مهرویان، فراهه (فروان)، نجم‌آباد، صالح‌آباد، طبشقران (طبشقران)، غزوان (از آن میرزای قمی است)،

کرج، ارباب سعه (وقف امام حسن عسکری) جمکران، زرقان (دورقان)،
ارستجان، سواران، هنديجان، مزديجان، خم آباد و جردکان (تیول آقا سید
حسن متولی)، فردوس، جفت گاور کمیدان پهلوی شهر، جمر و سعدآباد که
از رود کمیدان آب میخورد.

سپس از چندین باغ یاد کرده که به جایش در نسخه عکسی «مستقلات
و بیوتات» است، آنگاه از اماکن مشربکه، مساجد خانان تیمچه، خانه‌ها.
آنگاه در این رساله و رساله مجموعه سوم ناصری (نسخه عکسی) یاد
میشود از چند طایفه و مالیات آنها: گابینی، سعدوند، زندشهری و عبدالملکی،
کلهر، کرزه، لشنی.

سپس از توابع قم که در رساله سوم مجموعه نیامده یا یاد کردن
ساکنان و محمولهای آنها مانند کریم آباد، فتح آباد، جنت آباد،
مبارک آباد، جعفر آباد، فرج آباد، شورک آباد، رضا آباد، حسین آباد، فرح آباد،
حاجی آباد، مومن آباد، کولکان، عباس آباد، خلیج آباد (جمشید)، زعفرانی
(خمارجان سفلی)، سراج، علی آباد که وقف «حضرت معصومه» است.
رستم آباد دولت آباد، مروارید، حاجی آباد دیگر، لواران، حسن آباد، خضر
آباد، هاشم آباد، شاه آباد سفلی یا شاه آباد و جزستان، احوص آباد که در
زمان خاقان مغفور دوباره آباد شده و متولی آن را خسریده و خود آباد
کرده است، دولت آباد، بطینجر و درود و فرسخی شهر وقف «حضرت معصومه»
صرف مواجب خدام و دیگر چیزهای لازم و قلعه ایست با سکنه آتش کم و
شور، جوذق و تنباکوی آن بدنیت، قاسم آباد، زالون آباد، نصرت آباد،
نظر آباد مشهور به فرج آباد، قنبر علی، سکر آب، شریف آباد، فتح آباد البرزی،
شمس آباد (رساله ۳)، مهدی آباد، شاه آباد خالصه، قمرود (این دودر رساله ۳)
آنگاه یاد میشود از جبال و معادن: کدن کلمز، یزدان، کلاه قاضی
که مانند عامه است، یزداغی، کوه خضر، دو برادران، (در رساله سوم نسخه
عکس سپس توابع آمده است)

نیز از خالصجات مانند: شمس آباد، شاه آباد علیا، روستای قم رود که

مردم آنجا نصیری و علی الهی هستند و مالیات آنجا را نقد به مباشر میدهند تا کسی نزد آنها نرود و کسی را هم نزد خود راه نمی‌دهند همواره به خوشی و شادی میگذرانند و می‌گساری میکنند (ص ۳۶ خطی و برگ ۱۹ شماره ۷۵۲؛ عکس نیز برگ ۱۶۵ و رساله ۳ و ۴ مجموعه ناصری) پس از این از قنات‌ها یاد می‌گردد.

آنگاه از بلوکات مانند:

قهستان دارای روستاهای: ورجان، سرو یا سرویه یا سروئیه وقف فاطمه دختر موسی، کهک، بید هند تیول مخارج مقبره فتح‌علی شاه باتولیت محمد هادی میرزا پسر او، کریمجان تیول مخارج مقبره محمدشاه با تولیت میرزا آقا و میرزا باقر، ابرجس، فردو تیول شمس الدین میرزا، در رساله ۱ مجموعه ناصری آمده که تیول فرزندان سلطان حسین میرزا و در دست نادر میرزا است و در رساله سوم آمده است که تیول بازماندگان احمد علی میرزا است، و شنوه که تیول مخارج مقبره مهد علیا است با تولیت حاجی آغا رضا خان خواجه، خاوه و طیره رمتیم و دستجرد تباد بزن، انارج.

واژک رود دارای سه روستای فرم و خورآباد و لنجرود.

جاسب دادای روستاهای کروکان، زر، هزارجان، دستکان، بیجان، و سقوتقان، اردهال دارای روستاهای مشهد اعظم قالی شویان، گرمه، سنیقان، کله‌جار، ارمک که امامزاده محسن در آنجا پیدا شده است، سائق، خاوه، مزوش و وقف مزار علی ع.

کشتزارهای کنار رودخانه اناربار دارای روستاهای: طالقان، چشمه علی، شاه‌آباد، خلیج‌آباد، پس از این کشتزارهایی که آنها را «چم» میخوانند. در رساله ۳ مجموعه ناصری سپس آمار مردم شهر و بلوکها و ایلهای قم است.

۵- میرزا علی اکبر فیض تاربخ قم نگاشته است که از آن یاد کرده‌ایم.

۶- افضل‌الملک میرزا غلام حسین خان ادیب شیرازی زندگی مستوفی

اول دیوان‌اعلی و مترجم عربی دولتی و پیشکار حکومت قم در ۱۳۳۳ که تخلص وی المعی بود و پسرش مهدی‌خان پسر علی‌خان پسر ابراهیم خان انور پسر کریم‌خان زند بوده است. از او است افضل‌التواریخ و ترجمه اعلام الناس بمواقع‌البلد من بنی‌العباس (مجلس) و سفرنامه خراسان و کرمان (نسخه فرخ ش ۱۱۴، فیلم ۳۶۵۵ دانشگاه، نشریه ۳: ۱۹۳) نیز: او سفرنامه قم برای شاهزاده محمد تقی میرزای رکن‌الدوله نوشته است.

(مجلس ش ۶۹۷ ج ۲ ص ۴۴۳ نوشته ۱۳۲۴ در ۲۳۴ ص، فیلم ۱۲۳۳ دانشگاه عکس ۵۶۶۰ ص ۱۲۰ ج ۱ فهرست فیلمها).
سفرنامه قم افضل‌الملک مورخ ۱۳۰۹-۱۳۳۴ است (به خط نستعلیق درسی و جز رویم ۴۷۴ ص).

در ص ع آن آمده که این سفرنامه من است به‌قلم که در سیصد و سه و چهار در آنجا پیشکار بودم. آن را برای تشویق فرزندان شاهزاده رکن‌الدوله محمد تقی میرزا و به‌نام امیرزاده اسدالله میرزا که پسر از این جلال‌السلطان خوانده شده است نگاشتم. او به‌من پولی داده بود ولی از شوق هم افتاد. و من دیگر شرح کاشان تا فارس را هم نتوانستم این امیرزاده ذوق «ژغرافی» نویسی و تاریخ‌نگاری پیدا نکرد.

این جزوه‌ها خط خود من است که در هنگام وبا نوشته‌ام. یک نسخه از این را دادند کسی نوشته و آن در کتابخانه سرکار حشمة‌السلطان فرزند رکن‌الدوله علی‌نقی میرزا فرمان‌روای پیشین کرمانشاهان و خراسان و کرمان و بروجرد و عربستان هست «حرره میرزا غلام‌حسین افضل‌الملک مستوفی دیوان زندی هزار و سیصد و سی و چهار در طهران».

در گوشه راست نوشته شده «جزو اول صفحه اولی از سفرنامه فارس و شرح منازل».

در دیپاچه آمده که به دستور ناصرالدین شاه و آقا میرزا علی‌خان امین‌السلطان رکن‌الدوله محمد تقی میرزا در نیمه دوم سال ۱۳۰۹ لوی‌نیل

به سوی ایالت فارس بایستی روانه شود افضل‌الملک در رکابش بوده و به تشویق کسی و با کمک نصرالله میرزا برادر بزرگتر او و با کمک دو برادر دیگرش محمود میرزا و رضاقلی میرزا این سفرنامه را نوشته است در شرح حال گذشتگان و نقل اقوال مورخان و سخنان خودش دربارهٔ وصف شهرها در آن جز برای یکی دو سه تن برای هیچکس لقی آورده نشده است.

این سفر از روز شعبان ۱۳۰۹ لوی‌نیل آغاز شده است.

در آن یاد میشود از مهمانخانه دولتی مهندسیه بیرون دروازه شهر که بسیار مهمانخانه خوبی است و از آستانه (ص ۵۰) و آقا سید حسین متولی باشی که در آن هنگام به عتبات رفته بود (ص ۵۱ و ۴۴۵). درص ۵۴ آمده که مستوفی نظام مهندس الممالک و استاد علوم ریاضی از طرف امین‌السلطان وزیر اعظم میرزا علی اصغر خان در سال ۱۳۰۱ مأمور شده بود منازل و مهمانخانه‌های میانه راه قم و تهران را بسازد و او مهمانخانه کتار شهر قم را بنام خود ساخته و مهندسیه نامیده است.

نیز یاد میشود در آن از مقابر محمدشاه و مهدعلیا خدیجه دختر امیر قاسم خان که در ۱۲۰۹ در گذشته است و سنگی که برگور او است و بر آن شعری از شاهزاده سام میرزای شمس‌العرفاء فرزند محمدعلی میرزای ملک‌آرای پسر فتح‌علی شاه کنده شده و تولیت آن با میرزا کاظم خان پسر حاجی آغارضاخان خواجه است که بجای پدر نشسته است (ص ۶۳)؛ نیز از مقبره فتح‌علی شاه با وصف آن و گور ماه تابان خانم قمر السلطنه دختر خاقان و همسر حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله صدراعظم قزوینی که سرگذشت او در خیرات حسان آمده است با وصف این مقبره و آوردن شعرهای شهاب اصفهانی تاج الشعراء در مرگ میرزا حسن آشتیانی مستوفی الممالک پدر میرزا یوسف صدراعظم: «افسوس که مستوفی دیوان ممالک...» (ص ۶۸).

نیز از ذوالفقارخان پسر آقاخان نوری که دوازده سال فرمان‌روای قم بوده است (ص ۷۲).

وصفی در آن از آستانه هست و کارهایی که امین‌السلطان در آنجا کرده و میخواست بکند و وضع مردم قم و خود شهر و دروازه‌ها و محلات شهر

و امامزاده‌ها (ص ۷۲).

در آن آمده که میرزا احمدخان آجودان خلوت مترجم روسی و فرانسسه و ترکی عثمانی و فرنگ‌دیده که به قوانین خسارح آشنا است با میرزا غلام علی‌خان ادیب نویسنده سفرنامه کلاردشت باهم کتابچه قانونی یا لایحه‌راه شوسه قم در ۱۳۰۱ نوشته‌اند و دولت آن به دیوارها چسبانده است. متن آن در آن (ص ۵۴-۶۳) آمده و در چهار فصل است و یک خاتمه است منزلها در آن عبارتند از کاریزک، حسن‌آباد، قلعه محمدعلی‌خانی، کوشک نصرت، منظریه، مهمانخانه مهندسیه دروازه قم. وسیله‌ها عبارتند از محل‌های فردار (سایه بان‌دار): درشکه، کالسکه، دپلجان، محل‌های بی‌فر، ترمطاس، تریکا، گاری یا فورقان، بانرخیهای همه اینها و سرعت آنها.

در آن از گوه خضر قم وصف شده است.

همچنین یاد میشود از دانشمندان و سرگذشت آنها (ص ۸۸ و ۱۵۵) بدینگونه: ملا محمد جواد، ملا آقا حسین مجتهد، آقا سید جلال‌الدین امام جمعه، آقا سید اسحاق، آقا شیخ محمدحسن، میرزا ابوالقاسم شیخ الاسلام و آقا نورالدین که هردو از مادر دخترزاده میرزای قمی بوده‌اند، آقا سید زکریا، حاجی سید احمد، آقا محمد پسر حاجی مسالصادق مجتهد مفتی قمی، میرزا ابوالقاسم پسر آقا سید جواد مجتهد قمی، حاجی ملا محمدصادق، آقا محمود پسر آقا صدر پروجردی، آقا سید حسین متولی باشی که در عتبات بوده است و شرح حال او کتابی جداگانه می‌خواهد او حاکم مستبد مطلق شهر قم است و با ذوق و عالم و از فقراء و عرفاء و چیره بردیگر علماء شهر و چشم و خدم و نوکر و عمله و دهات و مزارع و رعایای بسیار دارد (۸۲-۸۴).

در آن آمده که مالیات قم نزدیک به چهل هزار قران است ولی وضع اقتصادی مردم آنجا بد است. وضع آب قم هم در آن شرح داده شده است (۸۴-۹۲).

باز گفته شده که «کتاب تاریخ مقابر و امامزاده‌های قم» در کتابخانه‌های تهران هست. نیز «تاریخ مختصر میرزا غلام حسین خان ادیب» که در ۱۳۰۴-۵ ساخته و او چند ماهی در دستگاه حکومت بوده و تاهفده‌ماهی

خود حکومت داشته است و باعین‌الملک به بلوک‌گردشی رفته بود. او در «ژغرافیا» و تاریخ قم کتابی نوشته و در آن از هیچ نکته‌ای فروگذار نکرده است.

او نسخه اصل این تاریخ را به کرم‌علی خان قمی از طایفه حاجی حسینی داده بود و وی از روی آن نسخه‌ای به خط خودش نوشته و آن را به مؤلف داده و خود نسخه اصل مسوده را پیش خود نگاه داشته است. (ص ۹۲).

ما این مسوده را دو روزه از او امانت گرفتیم و بخشی از آن را در اینجا می‌آوریم.

سپس تاریخ شهر قم و جغرافیای آن جا است (ص ۹۴) و در آن یاد میشود از: قهستان که سی‌چهل ده دارد، روستای تاد تفرش و فارسی نژادان آنجا، خلیج قم که ترک‌نشین است (ص ۱۰۳).

خانه شماری قم که پیش از مجاعه و تنگسالی ۱۲۸۶ در آنجا ۳۷۵ خانه بوده است و پیش از گرانی بیست و چهار هزار نفر در آنجا بوده‌اند و با ایلات و دهات به ۲۰۷۰۰ نفر میرسیدند (ص ۱۰۵).

بقعه‌های قم بیست و نه تا و مسجد جامع، مسجد امام حسن، مسجد حاجی صادق، مسجد عشق‌علی، مدرسه‌های: آستانه، مهدی‌قلی‌خان، حاجی ملا محمد صادق، ناصریه، محمد مومن‌خان، لکها که طایفه‌ای ارزندیان قم‌اند (۱۱۲).

مستغلات و دکاکین و خانات و حمامات قم هم در آن شمره میشود. در ص ۱۱۴ آن از «کتابچه دیوانی» یاد میگردد.

نیز یاد میشود از ایلات قم (ص ۱۱۵) که عبارتند:

۱- زندک خاقان شهید آقا محمد شاه بزرگ آنها از فارس کوچانیده به قم آورده است و آنها هفت دسته‌اند: زندشهری (لك) و قشلاقی ...

۲- گابین.

۳- سعدونه.

۴- عبدالملکی.

۵- کلهر.

۶- گرزبیر.

۷- لشنی.

در ص ۱۲۸ از علم معرفه البشر و انتشار الامم یاد شده و پیداست که این عبارتها ترجمه از فرانسه است.

در ص ۱۳۱ داستان ساختگاری قم رودیان با آقامحمدخان در هنگام محاصره قم و فرار نجفخان زند و ناخشنودی مردم از او یاد شده است.
در ص ۱۳۲ و ۱۴۱ از طایفه حاجی حسینی قم یاد شده و گفته شده که آنها از مردم گرجستانند.

همچنین در آن آمده که پس از پیروزی شدن آقامحمدخان و خشمی که او بر مردم قم گرفته بود و میخواست بسیاری را بکشد آفاخلیل متولی باشی آستانه معصومه نیای آقاسیدحسین متولی باشی کنونی با شیخ الاسلام وقت و شیخ ابومحمد عالم قم و یکی دو نفر از فقهاء و اهل علم نزد آقامحمدخان شفاعت کردند و درخواستند که آنها ببخشد. این داستان را مردم از پدران خود و از پدر متولی باشی نقل میکنند (۱۳۴).

در آن آمده که مردمی که در قم زیست میکنند بیشتر از خود قم هستند ولی بایکدیگر بیگانگی دارند (۱۴۸).

همچنین از طایفه بیگدلی (۱۴۰) و از بزرگان قم (تا ص ۱۵۴) یاد شده و از علماء قم (۱۵۵) مانند.

۱- ملا محمد جواد مجتهد.

۲- میر سید علی قدرت پسر آقامیرزا عزیز خادم آستانه که عارف و مرتاض و وارسته است و غزل سرای است، باشعراهای او.

۳- میرزا علی اکبر فیض علی شاه متولی سربقعه و مزار فتح علی شاه پسر میرزا محمد متولی همانجا که شاعر و عارف است از اهل کلاه ولی دارای حوزه و خوش نویس و به اعتبارات رفته و همین نزدیکیها در گذشته است که گویا شش ماه بیشتر نمی شود (گویا در ۱۳۱۰). او را از تولیت عزل کرده بودند و بجایش شاهزاده محمد هادی میرزا را گذاردند چون دیدند که بقعه را کثیف نگاه میداشته است. برادرش میرزا علی محمد هم خوشنویس و منشی بوده و سرآمد در

دیوانیات و تحریرات و خوش و شیرین می نگاشته است و منشی اول زمان
اعتضاد الدوله. اینها گویا در اصل از تهرانند.

در آن شعرهای زکی باغبان قمی آورده شده است (۱۵۹) و یاد شده
است از.

میرزا خانلرخان اعتصام الملك مشرف وزارت خارجه و خوشنویس

و سخنگو (۱۶۱)

میرزا محمودخان مشیرالوزاره قونسول بغداد در ۱۳۰۰ و عضو

هیئت رئیسه مجلس وزارت عدلیه.

که هر دو فرزند میرزا محمدعلی قمی حاکم نطنز بوده‌اند (۱۷۱)

همچنین از خرابی خراسان مشهد (ص ۱۶۲ که خط کشیده شده) و

باسخ اعتصام الملك به میرزا علی اکبر فیض با نامه همو در آغاز (۱۶۴)

نقل از سفرنامه مورخ ۱۳۰۰ میرزا زکی خان ادیب مستوفی که در

بغداد اورا دیده است و داستان دیدار او از همین سفرنامه (۱۷۱) خط کشیده

شده).

آقا میرزا عبدالکریم کوثر علی شاه پسر محمد ابراهیم قمی که در

مشهد است با سرگذشت او از ظفرنامه (سفرنامه خراسان) حسین خان ادیب

مورخ ۱۳۰۱.

در آن از تولیت خراسان هم بحثی هست چون او می نویسد که

بهرجا میروم دوست دارم عارف کامل یا ادیبی را ببینیم و از او بهره برم

(۱۸۳). از معارف و شناختگان قم در آن یاد شده است مانند:

۱- شیخ حسین کهکی پسر حاجی زین العابدین برادرزاده حاجی میرزا

رضای طبیب قمی و دو پسر شیخ حسین که میرزا ارسطوی خوش نویس

در نسخ و میرزا جواد باشند.

۲- ذالفقارخان حاکم قم که غلام باره بوده و عاشق میرزا حسن خان

که مهرزا جواد درباره او شعری گفته است (۲۰۲).

۳- میرزا حسن طبیب حافظ الصحه پسر حاجی میرزا رضای طبیب

قمی (۲۰۳)

در آن آمده که شیخ بهائی در قم بوده و مشرق الشمسین را در قم نوشته است (۲۳۵).

حکام قم از زمان زند و فتح علی شاه تاکنون:

۱- نجفخان زندی

۲- میرزا ابوالقاسم که کاروان سرایی ساخته و يك قلعه که اینک در

دردست آقا سید حسن متولی است نزدیک کوچه حرم و يك قنات و سرگذشت او در ناسخ التواریخ هست (۲۳۶)

۳- کیکاوس میرزا پسر فتح علی شاه که دارای ارگ و نقاره‌خانه

و دفترخانه بوده است نزدیک صحن و کوچه حرم. (۲۴۳)

۴- میرزا ابوطالب و برادرش میرزا عبدالباقی

۵- محمودخان کرکری و علی اکبرخان کرکری و ذوالفقارخان.

۶- جهان سوزخان

۷- عبدالعلی خان ادیب الملك پسر حاجی علی خان اعتماد السلطنه

فراش‌باشی

۸- میرزا حسن خان و میرزا سید یوسف خان و علی خان

۹- حاجی عباس‌قلی خان فخر غلام پیش خدمت

۱۰- انیس‌الدوله که برادر خود حاجی حبیب‌الله‌خان را فرستاده

بود.

۱۱- محمد مهدی‌خان اعتضاد الدوله پسر میرزا محمدخان سپهسالار

و صدر اعظم ایران.

۱۲- نیز همان عبدالعلی خان ادیب

۱۳- کامران میرزا نایب السلطنه وزیر جنگ که میرزا محمد

حسین وزیر خمه را بجای خود فرستاده بود سپس میرزا سیدمهدی تفرشی

باز همان محمد مهدی‌خان اعتضادالدوله سپس برادر خود علی‌نقی میرزای

عین الملك امیرتومان که در اینجا (۲۴۷-۲۶۰) سرگذشت او هست با

شعر میرزا غلام حسین خان ادیب در ستایش او (۲۵۳) که در اینجا (۲۴۷-۲۶۰) سرگذشت او هست بازهمان محمد مهدی خان اعتضادالدوله سپس سپهدار که با مردم بدرفتاری کرده بود

۱۴- امیرزاده عباس میرزا نایب الایاله پسر محمد مهدی خان اعتضادالدوله که از سوی مادر فرزند فخر الملوك بوده است و او تاکنون زمان نگارش این سفرنامه و هنگام توقف مؤلف در قم حکومت داشته و میخواید لقب اعتضادالدوله بگیرد.

در آن آمده که غلام حسین خان ادیب در قم ندیم عین الملک بوده و او نامه‌ای بدو نوشته و وی را ندیم باشی خود خوانده است (۲۵۵) خط کشیده شده و در نامش آمده که سهو است و کاتب باید عینا آن را بنویسد).

باز نامه دیگر ادیب است به عین الملک و بناسخ آن به عربی (۲۵۶)

نیز یاد شده که مختصری از شرح حال ایشان باشعراهای فارسی در تذکره قدسیه میرزا ابراهیم خان بدایع نکارمنشی سفارت انگلیسی هست و چاپ شده است (۲۵۶)

همچنین یاد شده است دران از جغرافیای قم (۲۶۰) و «چم» آنجا (۲۶۲) و حمیزی میرزا حبیب‌الله خان برادر حاجی میرزا مستوفی گرگانی ومالیات بستن بر باغهای قم (۲۶۵)

درباره باغهای قم که به پنجاه میرسد گفته شده که: این باغات تمام از آب رودخانه مشروب می‌شوند هر باغی که متعلق به متولی باشی است به واسطه استیلاء قدرت یا تعدی و اجحافی که دارد همیشه پر آب و در انهارش آب جاری است اما سایر باغات به نوبت آب دارند (۲۶۵) و (۲۷۶).

باغهای موقوفه عبارتند از: باجک، نو، زنبیل آباد.

قمی در باغداری بی سلیقه و بی اعتناء هستند و در آنها اطاق و سایه بانی نیست، سپس شرح این باغها آمده است (۲۶۶)

در ص ۸۶ عبارت «ثبت دفترخانه مبارکه» دیده میشود.

مزارع و کشتزارهای قم: راوستان، شهرستان، محمدآباد، مهرویان، فراه، نجمآباد، طبشقران، غزوان تیول میرزای قمی، کرج، ارباب بیجه و وقف مسجد امام حسن عسکری، جمع کران (جمکران)، زرقان، ابرستحان، سواران، هندبجان، فردیجان، خمآباد، فردوس، جفت گاوسر، کمیدان، جمر و سعدآباد مسگران، شریفه بیکم، عنایت بیک، علیآباد، هشت خرواره، نصوح آباد، جفته، جمالیه، صفیآباد، باغ منده، اسداله، کهنه، یلمق، (۲۸۴).

روستاهای قم: کریم آباد، فتحآباد و وقف تعزیه داری، حصار شنبه، حبیبآباد، مبارکآباد، جعفرآباد، فرحآباد، شوركآباد، رضاآباد، حسینآباد، فرحآباد، حاجیآباد، مومنآباد (۳۰۲)

کشتزارها و مزارع: کورکان، عباسآباد، خلیجآباد، خمارخانعلیا، جمشید، زعفرانی (۳۱۰)

روستاهای (۳۱۲) سراج، خمارخان، علیآباد، رستمآباد، دولتآباد، مروارید.

در ص ۳۱۵ آمده است که برای مالیات هردهی ثبت مخصوص داریم و از ترس تطویل آثار درینجا نمی نگاریم

تیز روستاهای: حاجیآباد احداث آقاسید حسین متولی باشی، نواران، حسنآباد، حمصیرآباد، شاهآباد، احوصآباد، بطنی جرد و وقف سرکار فیض آثار و صرف مواجب خدام آستانه و چیزهای لازم سرکار و دران ۱۳۰ نفر و ۳۴ خانوار و بذر شتوی ۲۵ خروار و بذر صیفی ۶ خروار است و مالیات ندارد (۳۲۱)؛ قاسمآباد، زالوانآباد، نظرآباد.

کشتزارها و مزارع: شکراب قمرود، شریفآباد قمرود و وقف آستانه

معصومه ع که ساکنان آن در قلعه دولت آبادند و ده خانوارند و بذرشتوی آن ۲۵ خانوار و بذر صیفی ۵ خروار و چون وقف است مالیات ندارد، قنبر؛ فتح آباد البرزی، مهدی آباد، رحمت آباد.

خالصجات: شمس آباد، شاه آباد، قم رود.

جبال و معاون قم: لئون گدن گلمز که از آن نمک میگیرند و مردم را درباره آن داستان و افسانه ایست که در اینجا یاد و دروغ دانسته شده است (۳۵۳)

با یاد کردن خواب مغناطیسی کردن دکتر طولوزان فرانسوی حکیم باشی حضور همیون و «لولکان» (گویا افضل الملك فرانسه میدانند) نیز کوه یزدان، کوه ملاقازی، کوه سرداگی، کوه خضر، کوه دو برادران

بلوکهای (۳۶۷): واز کرود دارای: صرم، خورآباد.

تهستان دارای: کهک، بیدهند، کرمجکان: ابرجس، فردو، وشنوه دارای تریاک، هده رود علیا و سفلی (دلوون - بی رقان) نیز خاوه و طیره، میم و دستجرد، قبادبزن، ومارج، ورجان، سرویه (۳۹۰)

جاسب: واران، گروکان، زو، هرازجان، وشتکان، بیجکان، سقونقان (۴۰۰)

اردهال: قریه مشهدقالی شویان امامزاده علی بن محمد باقر (۴۰۵). این قالی شویان مانند خاج شویان عیسویان رسمی است تماشایی و «جشنی» و تماشاگاهی است (۴۰۵)

روستاهای: کرمهد، سنقان! کله جارا! ارمک که در آن جا از روی کتاب علم انساب که از تهران آورده بودند امامزاده ای پیدا شد آقا محمد تقی ارباب قمی جلدش را در آنجا تروتازه و درست پانسانه زخمی در سرش دیده است و نام او محسن است (۴۱۰)

در سفرنامه میرزا غلام حسین ادیب ساخته ۱۳۰۴ برای محمد

حسن خان اعتماد السلطنه (ش ۵۵۱۴ دانشگاه ص ۵۷) چنین آمده است: «ارمک از دهات معتبر ارده‌هاست اکثر مردم آنجا سادات هستند... در آنجا امام‌زاده‌ای هست که درین دولت جاوید آیت مرقد مطهر او را پیدا کرده‌اند به واسطه کتاب تذکراهی که از دارالخلافت طهران آورده بودند به اسم امام‌زاده محسن بود بعد از نشانی که جای مرقد مطهر را پیدا کرده بودند زخمی در سر مبارک داشت و خاکهای اطراف سر آن جناب خون آلوده بوده، قدری از آن نزد دو سه نفری از اهل قم بوده است. و این فقره را اهل ارده‌ها دیده و چند نفر از اهل قم که در آنجا بوده‌اند شهادت میدادند».

روستاهای: جاده ده، سائق، مژدوش وقف روضه علی‌ع و اهالی آنجا گوسفنددار و چهل خانوارند و ۱۵۰ نفر و ۴۵ تومان مالیات است (۴۱۴)

روستاهایی در کنار رودخانه است و کشت‌زارهایی کوچک در چم و کناره‌ها رودخانه انار بار است از آنها است روستای طایقان که مردم آنجا به ترکی سخن میگویند و چشمه علی ولریجان (۴۱۷) شماره این کشت‌زارها و چمنها بسیار داشت (ص ۴۲۵).

در ص ۴۳۳ آمده که ما تاریخ و ژغرافیای قم و باغات و حومه مزارع و دهات و بلوکات و خالصات و قنوات و قراء و مزارع کنار رودخانه و چمنها را نوشتیم و نکته‌ای را فرگذار نکردیم و یک سطر هم از تاریخ معروف قدیم درج نمودیم و از خرمن هیچ مورخی خوشه نچیدیم. ذوق تاریخ‌نویسی و ژغرافیا داشتیم و حاکم‌شهر بودیم رنجها در این راه بردیم و پولها فرستادیم و نیکی‌ها کردیم و نامه‌ها فرستادیم و پرسشها کردیم و از گوشه و کنار این آگاهی‌ها را بدست آوردیم. نزدیک به چهار هزار و پانزده بیست نامه به مردم قم و تهران نوشتیم تا توانستیم این‌ها را از اشخاص موثق فراهم آوریم. برادر بزرگتر ما نواب والاعلی تقی میرزای عین‌الملک در ۱۳۱۴ در آنجا حاکم بودند و جزو جمع و کتابچه مالیات آنجا را دارند و پاره‌ای تحقیقات

و تصدیقان هم ایشان کردند.

ما هیچ کشت زار و دیهی را فروگذار نکردیم ولی به کوتاهی و اختصار پرداختیم. اگر کاشان و اصفهان و شیراز را هم این طور بنویسیم کاغذ و مداد کم خواهد آمد و نوشته بانجام نخواهد رسید.

در ص ۴۶۶ شعر میرزا سیدعلی قدرت دیده میشود:

از قم بگریز کش بدست این مردم هستند به دم مار و به دم چون گزدم
گردم ببری شان بسزنند از ره دم وردم بزنی شان بگزند از ره دم
در ص ۴۶۷ گفته است:

کار ما گرچه ناقص است ولی راه به دست دیگران دادیم. مطالبی آوردیم که کسی آنها را ننوشته بود و کسی هم نخواهد نوشت. مادر این کتاب از دیگران حکایت و نقلی مگر اندک نکردیم چه پیشینیان آنچه نوشته اند دیگران میدانند. ما به روش اروپایی وضع و چگونگی کنونی شهر را نوشتیم.

افضل الملك در سفرنامه (ص ۴۳۵) می نویسد:

«بهترین چیزها ثبت استیفاء طهران و جز و جمع کتابچه قم است که نزد ما است. ثبت بلوکات و دهات و مالیات و تعداد نفوس همه از آنجا مشخص میشود. و برادر بزرگتر ما که به منزله پدر است یعنی نواب والاعلی نقی میرزای عین الملك در سنه هزار و سیصد و چهار در آنجا حکومت داشته اند، جزو جمع و کتابچه مالیات آنجا را موجود دارند، و باره ای تحقیقات و تصدیقات هم از ایشان به عمل آمده».

آغاز سفرنامه افضل الملك: بسم الله. افتتاح سخن سرایی بنام فرمان فرمایی سزا است که بدون مشیر کارها را به نظام آرد. و بدون وزیر ارکان ملک به توام رساند، قادری است که هر مغلوبی را نصیر کند، و قاهری که هر گردنکشی را به زیر آرد، مقومی است که تقویم انسان نماید، و معدلی است که تعدیل آخشيجان فرماید، حاکم عادل است که سید قرشی را به تعظم عبد حبشی کیفر دهد، و رازق باذلی است که چیره و مرسوم روزی خواران را به خطای منکر نبرد، کفیل ارزاق انام است، و وکیل مصالح خاص و عام

عمل به جزء کند فلایشغله شأن عن شان، خود را در همه جا جلوه دهد ولایدرک بالعیان. و صلوات و سلام بر نبی و ولی او محمد و علی که تقی الصفات و تقی الذات بوده مرآت حقایق الهی و مصحف دقایق نامتناهیند.

انجام: والله اعلم بالصواب. در قم بعضی نوشتجات از طهران رسید جواب آنها از کاشان باید نوشته شود. اگر مقتضی دیدیم بعضی از نوشتجات را در این کتاب درج خواهیم کرد. فردا که روز یازدهم رمضان است به طرف کاشان حرکت خواهیم کرد و شرح منازل از قراری است که در جلد دیگر نوشته میشود به خداوند امیدواریم که به نوشتن شرح کاشان و اصفهان بلکه شیراز هم موفق شویم الحمد لله الذی وفقنی بختم الكتاب و بقدر الطاقة ماعدلت عن الصواب.

به اسم اسدالله میرزا ابن بنده غلام حسین مستوفی دیوان که به لقب افضل در سنه هزار و سیصد و شانزده به موجب دستخط و فرمان شاهی ملقب شده این سفرنامه را نگاشته ام و دیگر امیرزادگان همراهی نکردند که شرح فارس را بنگارم. يك نسخه از این به خط کاتب در کتابخانه دیگر موجود است. حرره افضل الملك ۱۳۲۴ در تهران، ملاحظه شد.

جزو سیام از شرح قم و به اتمام رسید و شرح منازل کاشان و اصفهان و غیره در مجلدت دیگر نوشته خواهد شد.

افضل الملك سفرنامه مازندران هم دارد نگارش روز پنجشنبه ۲۶ شعبان

۱- درهایش آمده: در القاب مرحوم مشیر الملك وزیر سابق شیراز و قوام الملك بیگلر بیگی حالیه شیراز و نصیر الملك رئیس دفتر و محاسبات فارس و معذل الملك از اعیان شیراز این دیباچه براعت استهلال بکار برده شده است و خالی از لطف نیست و نظام هم جزء براعت است. غلام حسین ادیب افضل الملك. تقی الصفات و تقی الذات خالی از لطف نیست اشاره به اسم بندگان حضرت والا روحی فداء و نواب اشرف و الاعین الملك است که در محمد تقی و علی تقی اشاره شده است. مرآت و مصحف در دیباچه سفرنامه برای مسافر خالی از لطف نیست.

۱۳۳۱ همچنین رکن الاسفار یا تذییل و تکمیل سفرنامه مازندران که او از روی تواریخ و کتب قدیم به ترتیب الفبایی درباره شهرها و شاهان مازندران از آمل تا هراز جریب نگاشته است. در مجموعه شماره ۸۲۴ ملک این هردو هست. مرحوم طاهری شهاب هم نسخه‌ای از رکن الاسفار داشته است نوشته ۱۳۳۲ با مقاله‌ای از ناصرالدین شاه درباره دریاچه قم یا حوض سلطان (نشریه ۶: ۶۲۳).

از او است کراسمه المعی یا کراسه اعتمادی که در چهار مجلد است و او آن را در ۱۳۱۲ به دستور اعتضاد السلطنه ساخته و گذشته از مطالب پراکنده سودمند در آن نسخنی است از نفثه المصدور زیدری (ص ۱ و ۴۲ دیباچه چاپ یزدگردی) و رساله اسدیه در انساب سادات علویه مرعشیه از سراج-الدین محمد قاسم بن نظام الدین حسن المختار النسابة العبدلی سبزواری که بنام شاه تهماسب (۹۱۹-۹۸۴) و ابوالعلی میراسدالله حسینی مرعشی در گذشته ۹۶۳ دریک مقدمه و پنج فصل به فارسی ساخته است (۴۶۲-۴۹۶) (جامع-الانساب ص ۶۸- دریه ۶۶: ۱۱- فهرست فارسی ملک ص ۲۳ ش ۱۷۰۳ مورخ ۱۳۲۱ و ش ۵۳۳۱- مورخ ۱۳۴۵) نیز فرمان شاه تهماسب مورخ شعبان ۹۷۲ که در سنگ بزرگی در جامع تبریز همان مسجد طولانی تابستانی مجتهد در ایوان به دیوارکنده شده و اصل آن به خط علاءالدین است و درباره بخشش مالیات (۴۹۸) نیز فرمان جهان شاه به بزرگان و شریفهای مکه درباره برقراری امیرحاج مورخ ۲۵ ذج ۸۷۰ (۸-۴۹۷).

همچنین کتابچه آستانه سهل بن علی در اراك (۵۶۶-۵۷۲ و ۱۶۸۶-۱۶۹۱).

نیز فرمان کیومرث پسر بیستون به متولی آستانه مجدالدین گیلی آملی در سال ۸۷۸ (ص ۶۱۰).

نیز فرمان شاه سلطان حسین مورخ ذق ۱۱۱۸ که در آن از بیگلربیگی هرات نام برده شده و درباره آن سامان است، به خط میرزا احسن خان منشی اسرار طباطبائی نایینی (۱۱۴۳).

موش و گربه‌ای در ۸۸ بیت در هجو وزیر نظام پسر تقی خان معمار

که دایی کامران میرزا پسر ناصرالدین شاه بوده او وی را حکومت تهران داده بوده است و در زمان او نان یک من ده شاهی پول سیاه شده بود بدین گونه، آغاز:

ای خردمند عاقل دانا	قصه‌ای هست تا تو برخانا
تا فراموش کنی توقصه خویش	قصه گربه نیز نسیانا
از قضای فلک امیر کبیر	کرده حاکم به شهر طهرانا
خالوی خائن عینش را	که ندارد مثل به دورانا
انجام: تا بهشت برین شود ایران	رشک روی زمین دورانا

(۱۱۱۶-۱۱۲۸).

نیز «تحقیق در مذهب و طریقه علی‌اللهی که به نصیری و غالی و اهل حق نیز معروف میباشند (۲۲۰۶-۲۲۳۱، به خط میرزا محمد حسین فروغی دوم ذکاء‌الملک ادیب‌اصفهانى).

در آن آمده که اینها در هند هستند و در عثمانی باندازه هفتصد و هشتصد هزارتن و در ایران هم هستند و دو دسته‌اند یکی سید میرزایی در و یارامان کرمانشهان که پیر آنها اکنون سید عبدالعظیم پسر سید میرزا است و اجاق آنها میرزا محمد است. دیگری گروه سیدیر که ای که در گهواره گوران کرمانشهان هستند.

(مجلس ۱۵۱۶ فیلم ۱۵۳۶ دانشگاه ص ۱۵۸ فهرست، عکس ۴۰۸۱-
فهرست نسخه‌های خطی فارسی ص ۴۷۸ - ذریعه ۱۷: ۲۸۹).

۱۲- در مجموعه ناصرى که به دستور اعتماد السلطنه گردآوری شده است و هشت مجلد آن در کتابخانه وزارت دارایی بوده (ش ۷۲۵) و اکنون در بیوتات سلطنتی است و دو مجلد آن در کتابخانه ملک (ش ۴۳۲۹ و ۴۳۳۰) هست در مجلد یکم آن (فرهنگ ایران زمین ۶: ۸) چهار رساله درباره قم است (عکس ش ۶-۴۷۶۱ و ۴۷۲۵ تا ۴۷۳۱ دانشگاه).

۱- کتابچه اعداد نفوس اهالی قم از بلده و بلوک و تشخیص مزارع و باغات و طوابع و مستغلات قم که آمار نفوس و محلات است و در

نیلان نیل به دستور شاه ساخته شده است (اب - ۳۴ ر ص ۱ - ۶۸ عکسی) افراد خانه به خانه سرشماری شده و خانات و کاروان سراها و گرمابه‌ها و دکانها و کدورها و باغها و پخچالها و آسیاها و کشتزارها و کاریزها و طایفه‌های زندیه سعدوند، زیداره و نهر گابینی، عبدالملکی، گرزه‌بر، کلهر، خلج شادقلی ترک زبان و بلوکها و روستاها مانند خم، قهستان، کرمجان، بدهند...

۲- کتابچه مختصر از اولیت قم و تمصیر آن و تعداد ده طائفه از قبایل سکنه آن (۳۶ پ - ۴۳ برگ ۶۹ - ۷۵ عکسی) به دستور ناصرالدین شاه ساخته شده است.

در آن یادشده از خاندانهای: بنی‌هاشم، طباطبائی و حسینی و موسوی و رضوی و اسماعیلی، بیکدلی، حاجی حسینی و موسوی سعدوند، گابینی، کلهر، شنی و گرزه، عبدالملکی، خلج شادقلی، با شمارش آنها

در آن آمده که در زمان صفویان سد کنار رودخانه را محکم بستند ولی در روزگار افغانها غلی جایی ویران شده و نشانی از باغها و کاریزها نماند تا در وزارت میرزا تقی خان امیرا و میرزا آقاخان صدراعظم فرمان آمده در تقسیم آب اندازان روخانه و آن قاعده بود تا در ۱۲۷۵ دستور اجرای قنات ناصری برای مردم شهرشده است

۳- تفصیل حالات و املاک و مستغلات و قنوت و بلوکات قم که در محرم ۱۲۹۴ بارس نیل به دستور اعتضادالدوله ساخته شده است (۴۵ پ ۸۹، برگ ۷۶ - ۱۲۱ عکسی)

در آن آمده فتح علی شاه به آقا میرزا بابای آشتیانی دستور داد که در قم ممیزی کند و او جمعی به مقاطعه بسته بوده است (گ ۴۷۶)

۴- تاریخ قم که محمد تقی بیک پسر حسین بیک قمی میراب قنات ناصری دریک مقدمه و چند باب در محرم ۱۲۹۵ ساخته و در آن از تاریخ قم و مجالس المومنین بهره برده است. چون دولت خواسته بود که مرآة البیلدن فی احوالات بلاد ایران بنگارش در آورند از میرزا سید مهدی

۱- ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۳ به امیرکبیر دستور تنقیة قنات ناصری را داده بود و فرمان آن هنوز هست (جدی فروزان ص ۲۸۵)

حکمران قم این را خواستند (۹۲ پ - ۱۳۶ پ، برگ ۱۲۲ - ۱۶۶ عکسی)

مقدمه در آب و هوای قم

باب ۱ در اینکه چرا قم نامیده شده

باب ۲ در حدود و عرض و طول و طالع و بروج قم

باب ۳ بنای شهر قم

باب ۴ آمدن عربهای اشعری به قم

باب ۵ مفاخر و مثالب اشعری

باب ۶ قرارداد و بناهای اعراب اشعری

سپس آمار نفوس و اشراف و اعیان و علماء و سادات:

از حاجی ملاصادق مجتهد واعظ و حاجی سید جواد قاضی و آقا

حسین و شیخ محمد حسن حکیم فقیه و حاجی آقا جلال امام جمعه صاحب

منصب دیوانی و میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین و سرآمد شهر و ثروتمند

و حاجی میرزا سید محمد حسین متولی باشی سرکار فیض آثار و برادر کهنترش

میرزا محمد تقی.

نیز از طایفه‌های بیگدلی و حاجی حسین گرجستانی و از هشتاد خادم

آستانه و میرزا سید حسین صدر الحفاظ و میرزا محمد صادق صاحب نسق و

و میرزا زین العابدین مشرف سرکار فیض آثار و میرزا طاهر تفرشی عامل

و مباشر و سر رشته‌دار قم و استاد حسن مباشر اصناف و ایل بیک ایلات

حاجی سید رضا

همچنین در آن از اماکن مشرفه و عمارات عالیه و سادات یاد

شده و از بقاع روضه فاطمه (با تاریخ آن تا زمان تساجار) و بقعه

سلاطین صفویه و مضجع فتح علی شاه و محمد شاه و دیگران و بقاع

امام زاده‌ها

اینکه چهاردانه کاشی از مرقد احمد بن قاسم را دزدیدند و به انگلیسها فروختند چه آنها خواسته بودند از این کاشیهای قبه‌های علی بن جعفر و محمد بن موسی و احمد بن قاسم از متولی خشتی سه تومان بخرند و آنها ندادند

در ذکر باره‌های قم و محلات شهر قم و مزارع و شهرها و باغها و مستقلات و مساجد و مدارس و خانها و حمامها

در ذکر اصناف بازار و مالیات قدیم و جدید

در زمان فتح علی‌شاه از روی کتابچه قدیم و از قرار سرخطها که در دست مردم است مالیات زمینهایی که از رودخانه آب میخورند پنج يك و باغها ده يك است

در ذکر اصناف قم و پیشه‌ورهای آنجا

کشت‌زارها، باغها به تفصیل

باب در ذکر قنوات

باب در ذکر طواحین قم که بیش از افغان چهل کاریز و پس از آنها

به بیست رسیده

باب در ذکر ایلات

فصل در ذکر احوال بلوکات قم در چند باب:

- ۱- وازکرد دارای سه روستا: صرم، ورجان، خورآباد
- ۲- قهستان: ورجان، سرومه (وقف آستانه)، کهک، قباد بزن، میم، دستجرد، وشنوه، خاوه، فردو، کرمجکان، ابرجس، بیدهند، دنارج.
- ۳- جاسب‌دارای هفت‌دیه: داران، زر، کروکان، هرازجان، وشتکان،

دشقوتقان، پنجکان

- ۴- بلوک اردهان‌دارای هفت‌دیه: مشهدرفن امام‌زاده، سنیقان، کرمهه،

کله‌جار، ارمک، خاوه، شائق مردس، کراباد، دم‌آب علیا و سفلی

باب در ذکر دهات و مزارع کنار روخانه:

طالقان، چشمه علی، لویجان، چندین کشتزارها دارد که برخی بنام
چم خوانده میشود

باب در ذکر قم رود که هفت قنات داشته است و اکنون سه قنات
دارد و يك نهر

باب در معادن قم: کوه نمک (کدن گل‌مز)، کوه کله قاضی که سنک
آهک دارد، کوه خضر که بی‌آب است و کان مس دارد و قدم گاه خضر است
و دوسجد روی آن ساخته‌اند از آجر و خضر را در آنجا بارها دیده‌اند، کوه
یزدانی که چرا گاه یزدان فاذاز مجوس بوده است و هزار و سیصد دره دارد
و چرا گاه خوبی است ولی کم آب (درست مانند کتابچه میرزا غلام‌حسین
ادیب)

۱۳- در دنبال نسخه‌ش (14) I4 برون از تاریخ قم «کتابچه تفصیل
احوال دارالایمان قم از بدو آبادی او الی یومنا هذا» است که به
درخواست میرزا اکبرخان حکیم باشی ساخته شده و مورخ ۱۳۰۵ است و در
۳۶ گگ ۱۶ م ۱۷×۲۲/۴ به خط نیم شکسته (ص ۱۲۳ فهرست
نیکولسون)

۱۴- سفرنامه ذهابیه قم یا علی‌آباد نامه، سفرنامه امین‌السلطان است
که با وزیرعلوم و ناظم خلوت و میرزا محمدخان و حاجی کر بلائی و حاجی
محمد حسن امین دارالضرب و حاجی میرزا حسین ممیز و آقا میرزا احمد
منشی باشی و آقا میرزا سید حسین مداح کرمانی باکالسکه و دلیرجان به‌سوی
قم رفته بود و سرانجام رسیدند به مهمان‌خانه، منظریه و مهمان‌خانه قم در بیرون
شهر در شمال غرب رودخانه و در گرمابه متولی باشی در بیرون شهر در عرض
مهمان‌خانه غسل کردند و از کوچه کنار رودخانه و صحن دارالشفاء و مدرسه
فیضیه و صحن قدیم به‌ایوان و حرم رفتند و بامتولی باشی و آقا سیدحسین مجتهد
دیدار کردند. این سفر از ۱۶ صفر ۱۳۰۴ آغاز شده بود.

(ش ۲۳۱۵ مجلس در ۸۸ ص ۱۲ م یاد شده در ع: ۲۷۵ فهرست،
راهنمای کتاب ۱۲: ۱۲ و ۱۱ ص ۶۹۱- رساله دکتری آقای اسدیان ص ۵۹۷)

۱۵- سفرنامه قم و کاشان و یزد و کرمان و اصفهان و خلیج فارس برای ایجاد تلگراف به دستور ناصرالدین شاه.

(نسخه مجلس ش ۷۰ ج ۲ ص ۴۴۴، فیلم ۲۲۳۷ دانشگاه ص ۱۲۰ ج ۱ فهرست فیلمها)

۱۶- محمدعلی بن محمد حسین بن علی بن بهاءالدین قمی درقم بسال ۱۳۲۵ تاریخ قم یا انوارالمشعشعین فی بیان شرافة قم و القمیین نگاشته است که درتهران بسال ۱۳۲۷ به خط نسخ چاپ سنگی شده است (فهرست آستان قدس ۱۱۶:۳ ش ۳۵ چاپی - امتوری ۱:۳۴۹ و ۱۲۹۲ - ذریعه ۲:۴۴۱- مشار ۱۷۲) جلد نخستین آن در ۱۲ باب و بیچاپ رسیده است و سه جلد باید باشد.

یکی از مجلدات چاپ نشده آن را نزد آقای عباس فیض درقم دیده‌ام، پیداست که همان تاریخ قم است با افزوده‌هایی از خود او.

۳۰

قم رود و آیین مردم آنجا

قم رود از طسوجهای قم است و اصل آن «کبرود» است از چشمه «کب» و رود «گلفشان» در آن می‌رود. جایی در آنجا است که آن را «صحرای مسیله» گویند و آب رودخانه در آنجا فرو می‌رود.

گویند که اردشیر در کاشان درجای نیاستر فرود آمد و آتشگاه نیاستر را در آنجا بنیاد گذارده سپس به خانشان گذشت و به قم رود رسید و بر کنار آن فرود آمد و «سکان» را در «هنبرد» ساخت و آتش در آن افروخت و جهل‌خانه وار از جهودان را مجوسی کرد و مجاور این آتشگاه.

عربها هم در روستای کمیدان بر کنار رودخانه کمیدان یا قمرود امروزی فرود آمده بودند.

(تاریخ قم ص ۲۲ و ۴۷ و ۵۰ و ۵۷ و ۷۰ و ۱۲۱ و ۱۳۶ و ۱۴۰ و

و ۱۶۷ و ۲۶۴)

مردم قم رود (۱۸ کیلومتر در شمال خاوری قم) چنانکه خواهیم نوشت میگویند که علی الهی هستند. در فرهنگ جغرافیایی ارتش آمده که آنها صوفی هستند و با شارب دراز و خویها و عادت‌هایی دارند که نهان میدارند و آشکار نمی‌سازند (نیز فرهنگ دهخدا)

از آنچه از تاریخهای تازه قم خواهیم آورد برمیآید که در آیین آنها بایستی مزدا پرستی باشد و پایدار ماندن این آیین با آنچه که در تاریخ قم کهن آمده است که اردشیر در آن جایها آتشگاهی ساخته است بی ارتباط نیست.

اگرچه پیروان اهل حق و علی الهی خود را شیعه حقیقی میدانند و اصول و فروع آنان و روش تاویل و باطنیت آنها را در رسائل آنها می‌بینیم. میگویند که پس از مرگ کریم خان زند در روز سه شنبه ۱۲ صفر ۱۱۹۳ آقا محمدخان قاجار از شیراز بسوی وی شتافت و مردم قم رود که با فرمان روای زند در قم ساختگاری کرده بودند او را به شهر راه ندادند.^۱ از کتابچه میرزا غلامحسین ادیب (ص ۳۶-۳۸):

«قریه قم رود ده بسیار معتبری است از آنکه دست تطاول حکام بانجا نمی‌رسد و این فقره به واسطه اتفاق اهالی آنجا است چه آنکه اهل آنجا نصیری مذهب علی الهی هستند و از مردم کناره دارند. تائب و مستاجر را به خانه‌های خود نمی‌برند و از کارشان کسی آگاه نیست، حق دیوانی خود را حاضر کرده نقدا به مباشر حاکم و مستاجر میدهند که مامور برای آنها نیاید.

هیچ وقت نزاع ندارند که به حکومت عارض شوند. و اگر امری هم اتفاق بیفتد خودشان اصلاح نموده از لجاجت یکدیگر به حکومت اظهار می‌کنند که از آنها جریمه گرفته شود.^۲

۱- ناسخ التواریخ ص ۲۱ چاپ سنگی مجلد تاریخ قاجار - جدی فروزان عباس فیضی قمی ص ۲۷۲ - در روضه‌الصفای ناصری پادی از این داستان نیست.
 ۲- در هامش آمده: بند عمری در آنجا داشته که آب از آنجا برده میشده است شرحی دارد که در آنجا نوشته شد.

اکثر آنها صاحب قاطر والاغ بسیار میباشند وهمه وقت عیش وعشرت دارند. در قم که مسکرات کمتر یافت میشود، در قمرود بسیار است که نزد خودشان صرف کرده هیچکس از غیر مذهب خود را شرکت نمیدهند. هر شب تار و طنبور و سوروسرور دارند. طایفه بژمانلوا هستند ظاهرا مذهب خود را بروز نمیدهند. مگر کسی را که اهل و مثل خود علی پرست بدانند. مرا از وضع آنها بسیار خوش آمد که در عرض مدت این حکومت ندیدم عارض بشوند و از برای هم مامور ببرند.

جمعیت آنها زیاد است. زراعت آنها يك رشته قنات دارد که بعد از آفتابی شدن آب قنات در آب رودخانه می افتد برای آنها میرود. در بهار به قدر حاجت آب از رودخانه بر میدارند مگر آنکه کم آبی بشود که آب از زراعت علاوه نباشد باید به همان آب قنات قنات کنند. از املاک مرحوم عبدالله خان امین الدوله است که دیوان عوض باقی او ضبط نموده است. اراضی بسیار مرغوب دارد. رعیت آنجا به قدر پسانزده خانوار بیشتر نیست. ولی اهالی قمرود قریب دویست خانوار میباشند و سرانته و مواشی از قدیم داده و میدهند. چندسال بود که حاجی رحیم خان خازن الملک او را عوض مواجب و مقرر خود تیول نموده بود.

از حکومت قم موضوع بود لکن در سنه ماضیه تنگوزئیل باز از تیول بودن خارج شده و با حکومت است. در سفلائی او مزرعه ایست مشهور به کوه سفید و اربابی است. تریاک خوب درینجا به عمل آید. هیچ جای ایران به مثل قمرود زمین قابل و با استعداد نیست به شرطی که صاحب داشته باشد. بهترین املاک قم قمرود و سراج و شمس آباد و جمعی کران است. مالیات آن بعد از وضع مخارج:

نقد ۵۱۷۲۰۰۰ (پانصد و هفده تومان و دوازده هزار دینار)

جنس ۳۴۰ خروار قمرود ۳۳۰ دینار

کوه سفید ۲۰ خروار

و مرا در شرح جماعت قمرودی واقعه ایست که به سلسله قاجاریه خدمت

کرده‌اند. پس از وفات کریم‌خان زند آقا محمدخان از شیراز به طرف ری روان شد. چون به قم رسید نجف‌خان زندی در آنجا حکومت داشت و بسیار با اقتدار بود آقا محمدخان را به شهر راه نداد و آقا محمدخان در سردروازه ری در کنار سنگری که الآن به سنگر معروف است ایستاد خسوست شهر را بگیرد نتوانست. نجف‌خان که در محله عربستان منزل داشت هر روز از شهر بیرون رفته به آقا محمدخان شکستی میداد و بعد مراجعت میکرد. هفده روز طول کشید آقا محمد خان مایوس شد خواست به طرف ری روان شود اهل قم رود نزد او رفته از او وعده التفات خواستند گفتند از دروازه ای که به ما سپرده شده است ترا داخل شهر میکنیم به شرط آنکه با مائیکی کنی. بهمین قرارداد او را به باغ سرو و کاج بردند که الآن هم بهمین اسم معروف است او را داخل شهر کردند حکم به قتل عام داد. نجف‌خان تمام اموال و اسباب و جواهر خود را جا گذاشته از دروازه ری بیرون رفت. طایفه حاجی حسینی که الان در قم هستند و اصلشان گرجی است اموال او را دزدیده چون در آن محله بودند هر چه توانستند بردند. و در آن عصر این طایفه به حاجی حسینی معروف نبودند جمعی معدود بودند که حاجی حسینی نام در میان آنها ترقی کرده این طایفه با او منسوب شدند. خلاصه آقا محمدخان بنای قتل و غارت گذاشت. آقا خلیل متولی باشی و شیخ الاسلام و ابومحمد و شیخ محمد سعید نامی به شفاعت نزد آقا محمدخان رفتند که دست از قتل بردارد و سه نفر از ترس ضعف کرده داخل نشدند، آقا خلیل متولی باشی با شیخ محمد سعید دیار بگری رفته شفاعت کردند. آقا محمدخان قبول نکرد. آنها از جا برخاسته متعرضانه گفتند ما به تکلیف اسلامی رفتار کرده آمدیم محضاً شفاعت کنیم کنون که قبول نمی‌فرمایید با ما جرجی نیست. آقا محمدخان دوباره آنها را به محضر خود نشانیده و شفاعت ایشان را قبول کرد و دست از قتل برداشتند.

آقا محمدخان در همان اول از خیابان به صحن میرفت شخصی در بالای بام به تماشای او، به تفنگدار حکم کرد کله او را به تیر زدند. چون کراحت

منظر داشتند او را خوش نمی آمد که او را تماشا کنند.

قریه قم رود از اعظام قراء توابع قم است ملک مرغوب حاصل خیز دارد و آب آنجا از قنات قبان خانی و فاضل آب رودخانه اناربار است دوفرسخ در دوفرسخ ملک آنجا است. غله و صیفی در آنجا بسیار خوب میشود. در سابق چنان آباد بود که هشتصد وسی و شش نفر نفوس در او بود و به قدر هشتصد قاطر والاغ از آنجا بیرون می آمد، درگرانی خراب شده بود.

مالیات.

نقد،	جنس، به انضمام کوه سفید	بذر
دینار ۵۱۷۲۰۰۰	۳۴۰ خروار	۱۵۰ خروار
محصولات		سکنه
غله و صیفی خوب دارد		نود خانوار
		۴۵۰ نفر

باب در ذکر قم رود: دراصل قم است در چهار فرسخی قم. این قریه خالصه دیوان است دشتی در نهایت وسعت دارد دوفرسخ در دوفرسخ ملکی به حاصل خیزی آنجا درعالم نیست. در قدیم هفت قنات داشته است. فعلا سه قنات آنجا دایر است: یکی قاپان خانی که مختص زراعت قم رود است و نهری هم از رودخانه دارد. دو قنات دایر دیگر: یکی شریف آباد وقفی سرکار فیض آثار است و یکی دولت آباد جناب حاجی سید جواد. و چهار قنات مخروبه دارد که به چهار هزار تومان میشود آباد کرد. به اعتقاد این بنده جان نثار هر گاه چهار قنات آباد شود قم رود استطاعت شهر دارد. در قریه قم رود درخت نیست. آب خوراکی آنها از چاه است حوض و آب انبار ندارد آب در آنجا بکار نیست غیر خوردن. رعیت «آنجا باجمالو» و «علی اللهی» هستند طهارت نمی گیرند و وضو نمی نوازند از عبادت همین ایمان کامل دارند در ماه رمضان سی روز قرار روزه را می گذارند تا ماه تمام شود، میگویند امسال گذشت در آینده قراری داده خواهد شد. مردمی جلادت پیشه دارد. مال مکاری زیاد دارند.

از سفرنامه افضل‌الملک ص ۳۸-۳۵۰.

قریه قم‌رود ده بسیار معتبری است. این‌ده جزو دهات قنوتی حومه شهر نیست و با آنکه يك‌دهه بیشتر نیست اهل دفتر قم آنرا به‌تنهایی بلوک علی‌حده می‌انکارند و حال آنکه يك‌دهه بلوک نمی‌شود و بلوک باید مشتمل چندین قریه و مزرعه باشد. بهر حال این قریه بزرگ جزو حومه و قنوت دور شهر نیست و تابع بلوکات قم هم محسوب نمی‌شود خود بالاستقلال جایی و جزو خالصجات دیوانی است. طایفه‌ای در آنجا مسکن دارند که آنها از طوایف نصیریان میباشند و عادات مخصوص دارند از جمیع اهالی قم و دهات کناره دارند و کسی را بخود راه نمی‌دهند. حقوق مالیاتی خود را زود بزود پرداخته نمی‌گذارند که مامور حکومت بآنجا بیایند. طوری با هم اتفاق دارند که منتهای آن تصور نمی‌شود. از سایر دهات هر روز عارض به شهر می‌آید و از یکدیگر شاکی میشوند از برای رفع اختلاف مامور حکومت به دهات میرود و بهمین بهانه هزار گونه تعدی می‌نماید. لکن اهل قم‌رود با یکدیگر عناد نمی‌ورزند و اختلاف حساب ندارند مال یک‌دیگر را نمی‌برند که محتاج به عرض حکومت شوند ندره اگر وقتی اشتباهی بین آنها واقع شود خودشان در میان خود رفع اختلاف می‌نمایند هیچ وقت مامور به آنجا نمی‌رود و اگر برود راهش نمی‌دهند جداگانه جایش میدهند و او را محرم نمیدانند. در شهر قم و بلوکات قم به هیچ وجه شراب یافت نمیشود لکن اهل قم‌رود گویا در خانه‌ها خمهای شراب داشته باشند که جز خودشان کسی واقف نیست. اهل این ده علی‌را خدا میداند اگر چه شعر و مدرک علمی و تحقیقی ندارند لکن اگر حقیقت مذهب آنرا بشکافند میتوان گفت که مذهب نصیریان قمی از قاعده حلول و تناسخ است. چگر یعنی تار مخصوص دارند که آنرا به دست گرفته به اسم یا علی می‌نوازند و میگویند علی به قنبر چنین فرمود و یک قضیه بیان میکنند هنوز مطلب به آخر نرسیده چنان جذبۀ شوق آنها را بی‌حال میکند که کف کرده بی‌هوش میشوند. در مجلس مخصوص آنها رئیس مذهبی ذکر می‌کرده و آتش افروخته خود را به آتش می‌اندازد و از آن چنگی کرده به دست دیگران

میدهد، سایرین آن آتش را ازدست اومیگیرند و نمی‌سوزند. نعوذ بالله اگر یکی دست خود را به عقب کشد و از آتش گرفتن هراس کند او را حرام‌زاده میدانند در مجلس راهش نمیدهند کار بجایی میرسد که همه از فرط محبت علی علیه‌السلام مدهوش میشوند. کار این طایفه از آن گذشته است که کسی افسانه شمارد حقیقت آنها بیشتر معلوم شده است و به سرحد یقین رسیده است و اینها دارای علم و مدنیت نیستند که کسی حمل به طراری و شعبده و چشم‌بندی ایشان کند. نوع این طایفه خیلی صداقت دارند که از طراری و خدعه و ارسته‌اند. آدمی در کار این طایفه متحیر است که اصل مذهب‌شان صحت ندارند و این ادعای ایشان بوج است که علی علیه‌السلام که بشر است خداوند و خالق حقیقی ورب واقعی اشیاء باشد. اما فعل این طایفه که در آتش رفتن است خیلی غرابت دارد که میتوان حمل به حقیقت آنها کرد. اکنون در جمیع ملل دنیا ملتی نیست که مثل این طایفه در اثبات حقانیت خود برهان قاطع و حجت ساطعی داشته باشند که سایر ملل را عاجز کند. لکن در آتش رفتن این طایفه يك حیرتی و عجزی به تمام ملل دست میدهد که اثبات حقانیت اینها میشود. اگر چه در قسم رود کسی این سیر را آنها نکرده است لکن از نوع مذهب نصیریان که در اطراف ایرانند این کارها بسیار دیده شده است اگر ما بخوایم اسامی راویان موثق‌القول و مشاهدات مردم را بنویسیم و شرحی از اخلاق و عادات و طوایف آنها بنگاریم کتاب مفصلی جداگانه می‌خواهد از خرق عادات این طایفه در همین کارهای بزرگ دیده و شنیده است. جناب ملك الشعراء درین زمان طوری بی‌غرض و محل وثوق و اعتمادند که حالت ایشان گواهی بر صدق مقاتل ایشان میدهد قصه طولانی بیان کرده‌اند که نوشتن آن در این اوراق مناسب نیست.

در کرمانشاهان یا جای دیگر شخصی را دیده‌اند که غیبها گفته و کاغذهای سر بسته را بجایی فرستاده‌اند قبل از وصول عین عبارت جواب اورا نوشتند

که در انشاء و املاء صحیح با غلطهم مطابقت کرده است. و در نیزاری تا چند فرسخ در تاخت بره معمول رفته لکن مثل آنکه طی الارض بنماید پیشاپیش جمیع اسبان میرفته است که چهار نعل میرفته اند و این شخص در آتش رفته است. و نیز شاهزاده بدیع الملک میرزای عمادالدوله که واقعا از علماء بزرگ است و فلسفه ایرانی و فرنگی یعنی حکمت قدیم و جدید را دارد با آنکه خیلی از مطالب را افسانه میدانند با این علم و اطلاع خودشان در آتش افروختن دستی و نصیری را در آتش روانه کردن و نسوختن رخت آن نصیری بیانسانی دارند که به حیرت می افتد.

و نیز برادر ایشان امیرزاده سلطان محمد میرزا که ایشان هم از اهل دانش و حکمت الهی هستند در زمان حکومت پدر بزرگوار خود مرحوم امام قلی میرزای عمادالدوله والی کرمانشاهان بیاناتی از نصیریان آن صفحات می نمایند که به هیچ وجه نمی توان رد قول ایشان نمود خودشان مخصوصاً به طور لجاجت و سماجت در بیابان آتشفشان افروخته و در محال سنقر همزهاتل کرده محض امتحان یکی از رؤسای نصیریان را امر میکنند که به آتش برود آن نصیری ذکری خوانده و مدح علی گفته و از علی دم زده به طور آدمی مست که ملتفت نشود در آن اشتغال و نوایر آتش افروخته رفته و از آن طرف سالما بیرون آمده به هیچ وجه زبانی به لباس او نرسیده است.

و همه کس تصدیق دارد که شاهزاده عمادالدوله و سرکار امیرزاده سلطان محمد میرزا از اهل علم و حکمت میباشند و هوش ایشان به سرحد کمال است که کسی نمی تواند بایشان شعبدهای بکار برد و اعتقادات عامیانه جاهلانه ندارند و صدق اقوال و بی غرضی و درستی ایشان نزد همه کس تصدیق شده است و به مذاق حکمت باید اموری را که از طبیعت خارج است باور نکنند با این حالت باز در باب نصیریان به رای العین چیزها مشاهده کرده اند که محل حیرت است اگر چه آنها را کافر و خارجی میدانند و مذهبشان را باطل می شمارند، لکن خرق عادات ایشان را از روی صدق تقریر می نمایند و کار از این گذشته است که به آتش رفتن نصیری جزو افسانه محسوب شود.

خلاصه غیر از این مطالب باز يك حالات و عادات خوبی از این طایفه دیده میشود که به جمیع ادیان رجحان دارند و آن حالت این است که در آیین خود جعلیات ندارند و پیرایه (ص: پرايه) خارجی و اسباب فراهم نمی آورند و عبارت بافی و توجیه سازی و تاویلات و رمز و استعارات نمی دانند که بدیهیهای خود را خوب کنند و خوبیهای سایر ملل را بدنمایند. يك نوع سادگی و حقیقت گوئی دارند که راست حسینی میباشند پیرایه بخود نمی بندند و از خوبی آنها این است که ابداء اعتناء ندارند که کسی در مذهب ایشان در آید و بآنها قول و فعلا همراهی کند مثل دیگران حریص نیستند که مردم را بفریبند و دلایل اقامه کنند که خود را خوب نمایند و دیگران را به کیش خود در آورند سرشان در گریبان خودشان است احدی را محرم خود نمی دانند و قیدی ندارند که دیگران را به مذهب خود شریک نمایند و زبان حالشان اینست که: گر جمله کاینات کافر کردند، بردامن کبریا نشیند کرد.

ويك سادگی و حالت طبیعی و خوبی این طایفه این است که از ابتداء تا کنون هیچ وقت به خیال سلطنت و یاغی گری و کشور گیری و آشوب و شورش نیفتاده اند که به این واسطه تسلطی پیدا کند و مردم را به دین خود دعوت نمایند [مثل قرامطه و مثل ملاحده اسماعیلیه نیستند که برای ریاست و سلطنت مخترع مذهبی شده باشد] (هامش) ابداء در این اندیشه نیستند بآنکه جمعیت و کثرت نفوس این طایفه بیش از آن است که احصاء شود. این طایفه در قارس و خراسان و عراق و آذربایجان و طبرستان و اهواز که منحصر به این شش مملکت است فراوان باشند و در ممالک عثمانیه بسیارند و در خاک هند زیادند و تا ترکستان هم کشیده اند و شاید که در سایر دول هم باشند ولی ما را اطلاعی نیست.

خلاصه اینها همه باهم اتصال دارند و عده نفوس این طایفه از چند کرور هم متجاوز است باین حالت همیشه به سلامت زیسته به خیال طغیان نمی باشند از دنیا و عقبی گذشته در کمال بی اعتنائی به کاینات فقط در میان خود دم زدن از محبت علی علیه السلام را بهتر از همه چیز میدانند. و در فضل عقاید این طایفه این شعر کافی است که شافعی یکی از ائمه اربعه سنت بامذهب آنها در رای و قول موافق شده و میگوید:

کفی فی فضل مولانا علی
وباز میگوید:

ومات الشافعی و لیس یدری
علی ربہام ربہ اللہ

باری در میان این مذهب چند تیره مختلفه پیدا شده و خوب و بد دارند. در میان این طایفه هم چند تیره هستند که بعضی از آنها عادات بد دارند از آن جمله طایفه چراغ کش آنها است که چراغ را خاموش کرده به یکدیگر می‌آویزند و جماع میکنند و اتفاق می‌افتد که برادر و خواهر در این میان باهم جمع میشوند و قبجی در این کار نمیدانند و ما هم حقیقتاً نمیدانیم که چنین طایفه‌ای در میان نصیریان باشد و معلوم نیست که این کار را شیعیان بآنها بسته و تهمت میزنند و افتراء می‌بندند یا آنکه چنین عقیده‌ای هم واقعا در میان طوایف این مذهب شایع است. در کتاب ملل و نحل هم شرحی از نصیریان نگاشته شده است. و مقصود این است که اهالی قم رود اجماعاً از این شیعه‌اند. و عموم طایفه نصیریان باهم مساوت و مواسات دارند. هیچ‌ملتی در این صنعت مثل آنها نیست و نیز این طایفه خیلی مهمان‌دوست هستند و گشاده‌طبعند نهایت قنوت و جوان مردی‌را دارند خاصه آنها که در سر راه واقع شده‌اند این ملت هنوز به‌طور ایلیت زندگانی میکنند سبک‌مدنیت و تزویر ندارند خوب مردمانی هستند. لکن اهل قم رود چندان به ضیافت نمی‌پردازند از آنکه اهل قم را با خود ضد می‌بینند و بی‌ذوق میدانند. اهل قم رود صاحب قاطر و الاغ بسیار میباشند و جمعیت آنها هم زیاد است. در قم رود یک رشته قنات است که بعد از آفتابی- شدن آب آن قنات در رودخانه می‌افتد و برای آنها میرود. در بهار به قدر حاجت آب از رودخانه بر میدارند و در سال کم‌آبی بهمان قناعت کنند و آب رودخانه دیگر به آنها نمیرسد.

قم رود از املاک مرحوم عبدالله خان امین‌الدوله ابن مرحوم حاجی محمد حسین خان صدراعظم اصفهانی است که دیوان آنجا را عوض باقی او ضبط نموده است. اراضی بسیار مرغوبه دارد رعیت آنجا به قدر پانزده خانوار

۱- این دو شعر در تحفه ناصریه در ضمن مدایح ضبط است.

بیشتر نیست ولی اهالی قم رود قریب دوپست خانوار میباشند و سرشماری و مواشی از قدیم داده و میدهند. قریب پانزده سال است که حاجی خازن الملك آنجا را عوض مواجب و مقرری دیوانی خود تیول قرار داده است و از جزو حکومت قم در واقع موضوع میباشد. و در سفلی قم رود مزرعه ایست که مشهور به کوه سفید است که اربابی است و مالیات آنجا هم جزو تیول و سیورغال حاجی خازن الملك است. در قم رود تفنگچیان قایل هست. وقتی که نجف خان زندی حاکم بود و شاه شهید آقامحمدخان قم را محاصره کرده بود طرف دروازه عراق به دست تفنگچیان و چریک ۲ و جمعیت اهالی قم رود سپرده شده بود. اهل قم رود به شرط تخفیف مالیات با اهالی اردوی شاه شهید آقامحمدخان سازگاری کرده دروازه را بکشودند و آنها را راه دادند. و باعث فتح این شهر اهالی قم رود شدند و شرح مبسوط آن در چند جزوه قبل اشاره شد. و اهالی قم رود از آن روز تخفیف یافتند که تا این زمان هم پاره ای تحملات حکومتی بآنها وارد نمی شود و از پاره ای تعدیلات حکام معافا هستند.

اما مالیات قم رود بعد از وضع مخارج دیوانی که به جهت خالصه بودن آن منظور شده است، نقدا پانصد و هفده تومان و دو هزار است و صاحب تیول تقریباً شصصد تومان از آنجا می برد.

و اما مالیات جنس قم رود سیصد خروار است و مالیات کوه سفید هم که مزرعه قم رود است چهل خروار میباشد و مزرعه کوه سفید مالیات نقدی ندارد.

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله علمی پژوهشی

۱- حاجی رحیم خان خازن الملك است.

۲- چریک باجیم فارسی به معنی دسته قشون و جمعیت معارن است که از دهات و اطراف جمع آوری شوند.